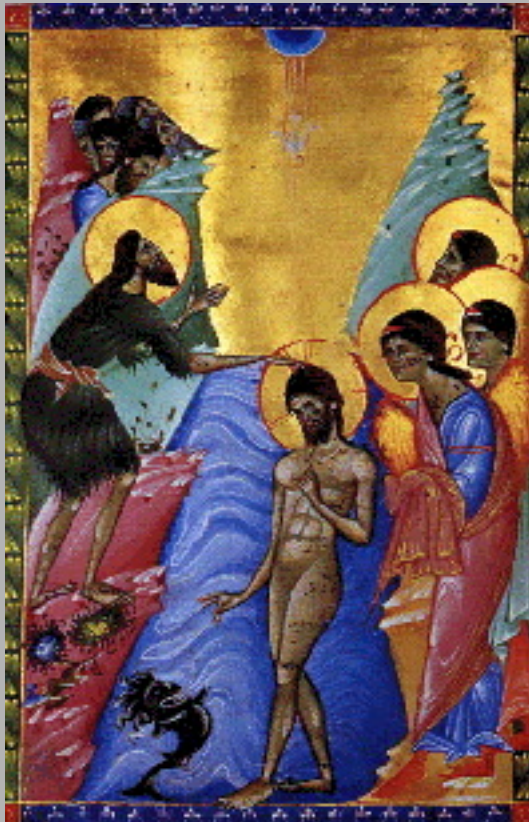


خدای زنده

جلد اول

عیسای مسیح و روح القدس



تعلیم مسیحی برای بزرگسالان
طبق سنت کلیساهای شرق

سطح متوسط

خدای زنده

جلد اول

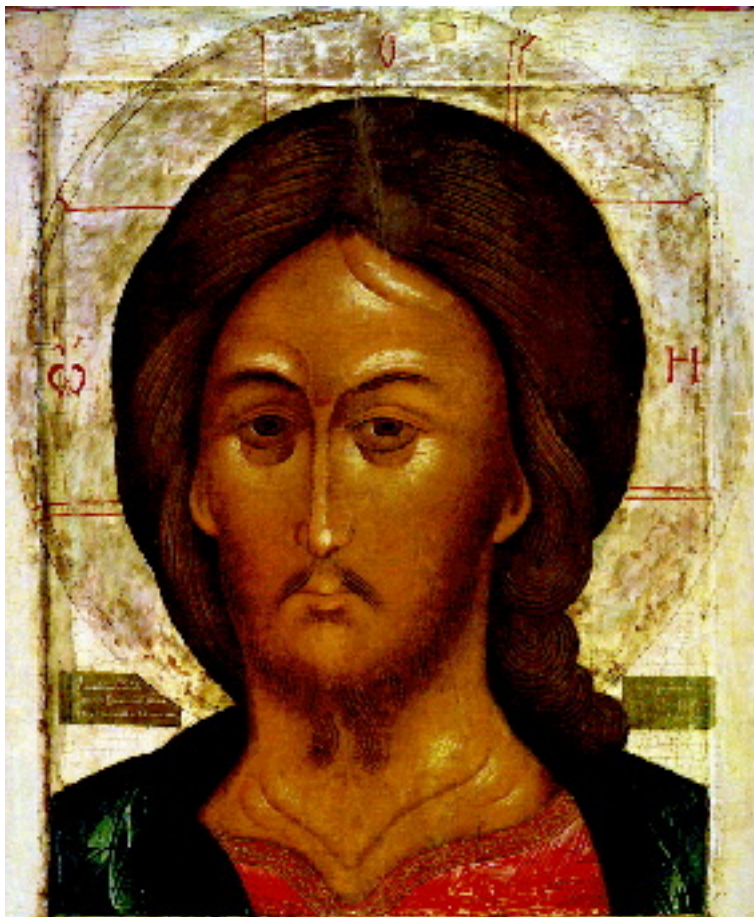
عیسای مسیح و روح القدس

تعلیم مسیحی برای بزرگسالان
طبق سنت کلیساهای شرق

مأخذ اصلی این کتاب :

" DIEU EST VIVANT "
Catéchisme pour les familles
par une équipe de chrétiens orthodoxes

'LES EDITIONS DU CERF, 1980'



تصویر چهره ی مسیح از شمایل‌ی روسی متعلق به قرن ۱۷ میلادی

صد هزاران منتش بر خود نهم
واقفم بر علم دینش نیک نیک

بهر عیسا جان سپارم سر دهم
جان دریغم نیست از عیسا ولیک

(مثنوی، دفتر اول، ۳۵۶-۳۵۷)

مقدمه

«خدا زنده است»

گر هزاران دام باشد در هر قدم چون تو با مایی نباشد هیچ غم
(مثنوی، اول، ۳۸۷)

این کتاب، برای ما مسیحیان ایران که در طی تاریخ طولانی کلیسای خود دچار آزمایشات، شکست‌ها، ضعف‌ها و خصومت‌های بسیار گشته‌ایم، برنامه‌ای کاملاً جذاب ارائه می‌دهد. چون خدا زنده است، چون عیسای مسیح از قبر برخاسته است، او که بر مرگ ما پیروز گشت و در پُری زندگیش ما را مشارکت می‌دهد، می‌توانیم سرچشمه امیدمان را در او قرار دهیم و اجازه ندهیم که زیر بار سنگین صلیب و خستگی راهی که گاهی نه انتها و نه جهت و نه معنای آن را می‌فهمیم از پا درآمده. ما مسیحیان این کشور باید بپذیریم که گاهی دچار یأس می‌شویم زیرا از این حقیقت که روح القدس که به ما داده شده و ما را دوست دارد قادر است ما را دائماً از نو احیاء کند، بی‌اطلاع هستیم. بله، اگر در این راه طولانی که ما را به سوی پدر می‌برد و از خدمت به برادران هم‌نوع خود می‌گذرد تنها می‌بودیم، به چه چیزی می‌توانستیم امیدوار باشیم؟ بعضی اوقات، مانند شاگردان عمواس می‌گذاریم که از پیرامون کلیسا پراکنده شویم و احتیاج داریم که عیسا خودش بیاید و معنای تجربه‌ی دردآور ما را در پرتو کتاب مقدس توضیح دهد. این تجربه گرچه مشارکت در صلیب عیسا است اما برای زندگی - یعنی رستاخیز در قدرت روح القدس می‌باشد که به ما داده شده است. پیامی که این کتاب به ما یادآوری می‌کند این است که کمی بیشتر به کلام خدا گوش فرا دهیم، و تلاش نماییم مفهوم آن را درک کنیم و عیسای مسیح را بشناسیم، اجازه دهیم تا به سوی او جذب شویم و بگذاریم تا توسط راز خدایی که ما را محبت می‌کند منور گردیده تغییر یابیم.

خدا زنده است، پس می‌توانیم در پُری و بدون ترس از آینده‌ی نامطمئن بشری بلکه منور به نور عیسا و نه با تأسف برای شکست‌های کلیسای ما و نه با مراجعت به گذشته بخشیده شده‌مان زندگی کنیم! بایستی حال حاضر را که پدر به ما می‌دهد بپذیریم تا در آن، عیسای زنده را بازشناسیم.

خدا زنده است!

پدر، ما را آن قدر محبت نمود که اراده نمود ما را در زندگی خود سهیم نماید. خدا از همان زمان گناه اولیه، از جستجوی انسان دست برنمی‌دارد و در قلب خود زمزمه می‌کند «کجا هستی؟» (پید ۳:۹). از زمان هابیل عادل تا یحیای تعمید دهنده، خدا از صحبت کردن با گناهکار و دعوت او در عین این که آزاد می‌باشد و آشکار نمودن خود توسط کلامش یعنی سخن از لیش باز نایستاده است. وقتی زمان آن فرا رسید، خدا پسر یگانه‌ی خود را به خاطر محبت به ما در جهان فرستاد تا با شریک شدن در زندگی انسانی ما تا حد مرگ، به خاطر محبت، مشارکت در زندگی پدر را به ما تقدیم کند، پسر که از میان مردگان برخاست، روح القدس را به ما عطا می‌کند.

خدا زنده است!

چرا از آن پس گاهی دچار این همه سستی ها، ترس ها، سکوت ها و این همه اندوه می شویم؟ آیا وسوسه خواهیم شد تا از این چشمه دور بشویم و برای خود «حوض ها کنده یعنی حوض های شکسته که آب را نگاه ندارد؟» (ار ۲: ۱۳).

آیا این امکان به ما داده نشده تا کمی عمیق تر راز او را کشف کنیم، و بیشتر از طراوات این چشمه بنوشیم، چشمه ای که تنها آب آن می تواند تشنگی زندگی ما را برطرف کند. همانند آن حبشی که به اورشلیم رفته بود تا از آن چشمه سیراب گردد و در هنگام بازگشت بر آراهه ی خود، نوشته ی اشعیای نبی را قرائت می نمود. فیلیپس شماس از او پرسید: «آیا می فهمی آنچه را می خوانی؟» او جواب داد: «چگونه می توانم بفهمم اگر کسی مرا راهنمایی ننماید؟» (اع ۸: ۳۰-۳۱). هدف کلیسا از ارائه ی این کتاب به تو این است که راهنمای مطمئنی باشد که تو را به سوی درک کلام خدا هدایت کند و به چشمه ای جوشان تبدیل گردی، که تو را سیراب کرده و اجازه دهد تا در این کشف شادی بخش خود را با برادران تشنه ات مشارکت نمایی و به آنها بایستی بگویی: «بیاید و ببینید».

این کتاب خطاب به چه کسانی است؟

بعضی از ما که در دوران کودکی آموزش مسیحی را آموخته ایم، امروزه این آموزش به نظرمان سطحی می رسد و برای زندگی کردن یا ایمان خود به عنوان افراد بالغ و جواب دادن به سؤالاتی که در زندگیمان مطرح می شود کافی نمی باشد. کسانی هم هستند که موهبت شناختن عیسا و تجربه کردن محبت او را از دوران کودکی نداشته اند، به خاطر این که والدینشان در این جنبه ی تعلیمی به فرزندانشان سهل انگاری نموده اند یا این که ایمان نداشته اند، افسوس! هر چه که بوده باشد گذشته، امروز است که خدا ما را دعوت می کند. امروز، می توانیم ایمان خود را تجدید یا عمیق تر نماییم تا به روح القدس اجازه دهیم که زندگیمان را در نور عیسا رستخیز کرده و هم اکنون زنده، منور نماید.

خواننده ی گرامی، چنان چه این موضوع در مورد شما نیز صادق است، امید خود را در مقابل تمام سؤالاتی که بی جواب مانده اند، از دست ندهید. جستجو، نارضایتی و نگرانی شما، همه نشانه ی عمل روح القدس در قلبتان می باشد. روح القدس است که ما را به تغییر زندگی و عمق بخشیدن به دعای خود فرامی خواند تا عیسا مسیح را بهتر بشناسیم، او که ما را به پیروی از خود دعوت کرده و می گوید: «به دنبال من بیا» (مت ۱۹: ۴).

توصیه می کنیم که در خواندن این کتاب شتاب نکرده، بلکه آن را در حالی مطالعه نمایید که از خدا بخواهید که چشمانتان را به روی رازش بگشاید. شاید هم پس از اولین دور مطالعه، بسیاری از موضوعات آن را درک نکنید، پس هر فصل، این کتاب را همراه با دعا مرور کنید. درباره ی آن با دوستان مسیحی خود و به خصوص با گروهی که در کلیسای شما انجیل را مطالعه می نمایند به بحث و گفتگو بنشینید، نگذارید آن اضطرابی که در مورد مفهوم زندگی در شما حاصل شده است، از بین برود و در پی آن نباشید که فقط جواب اعتراضات و تردیدهای ناشی از یأس، سؤالات دوستان بی ایمان یا حتا بی علافگی خود را در دعا و زندگی بیابید. محتوای این کتاب نتیجه ی مطالعه ای جامع در مورد راز عیسامی باشد. در وهله ی اول جویای دریافت پاسخ های سریع و سهل به سؤالات و ایرادها

نباشید. وقت کافی صرف کنید تا با کمک این کتاب تدریجاً شناختی جامع از راز خدا و نجات بشر کسب کرده. تنها در این صورت خواهید توانست که در این زمینه سئوالات مختلف را بهتر مورد تعمق و مطالعه قرار دهید.

الاهیات و تجربه‌ی روحانی

«خدا زنده است»: اگر در جستجوی به دست آوردن شناختی درباره‌ی خدا هستیم ممکن است این کتاب دامی باشد، زیرا با خواندن آن احتمال دارد این احساس به ما دست بدهد که این کتاب به کار ما سهولت می‌بخشد چون مقدار زیادی اطلاعات درباره‌ی خداوند مسیحیان عرضه می‌کند. اشتباه دقیقاً در همین جاست: خدا راز است و نمی‌توانیم او را در افکارمان محبوس کنیم، خدا ناشناختنی است و احتمال دارد که قوای فکری انسانی ما را به اشتباه انداخته و به غرور و بت پرستی بکشاند (روم ۱: ۲۰-۲۳). علاوه بر این، واژه‌های ضعیف انسانی نمی‌توانند چیزی از وجود او را به صراحت بیان کنند و نه به حقیقت او نزدیک شوند. به محض آن که مطلبی را در مورد خدا تأیید می‌نماییم بایستی بلافاصله معانی انسانی و محدود آن را بزدائیم. برای مثال، زمانی که بر طبق کتاب مقدس می‌گوییم: «خدا محبت است» بایستی بلادرنگ مطلب مزبور را با اضافه نمودن یک نفی تکمیل کنیم: «خدا آن گونه که من از این واژه برداشت می‌کنم یا تجربه دارم نیست: او محبت مطلق و بی‌کران و سرچشمه‌ی تمامی محبت‌ها است». بدون این معنای مطلق و قیاس، خدا را بر حسب محدودیت‌های انسانی تعریف می‌کنیم و از او بتی می‌سازیم تا در دسترس ما باشد.

لازم نیست همانند دانشمندان علوم کتب مقدس در جستجوی انباشته نمودن اطلاعاتی درباره‌ی خدا باشیم، بلکه به دعوت او در تجربه‌ی زندگی خود که توسط کتاب مقدس بر ما آشکار می‌گردد گوش فرا دهیم، به سوبیش بازگردیم تا او را بپذیریم و همانند شاگردان به دنبالش برویم. بدین طریق شناخت وی را هرگز پایانی نخواهد بود: اوست که ما را دعوت می‌کند تا به ملاقاتش برویم و اشتیاق دارد و آن حدی که ما در روزه و دعا سکوت اختیار می‌کنیم، خودش را به تدریج بر ما نمایان می‌سازد. خداشناسی واقعی تنها انباشتن اطلاعات درباره‌ی خدا نیست بلکه رؤیت‌خدایی است که خودش را به ما ارزانی می‌دارد و تجلی انسان توسط قدرت روح القدس است. خداشناسی واقعی بدون پاکی وجود ندارد زیرا تنها پاک دلان می‌توانند خدا را ببینند (مت ۵: ۸). شناخت خدا، عطیه‌ای است که ما را در فروتنی باطنی قرار می‌دهد. با این حال، شناخت خدا همکاری ما را می‌طلبد: «زیرا با خدا همکاران هستیم» (۱-قرن ۳: ۹). همکاری انسانی ما در مرحله‌ی اول به معنی تلاشی ذهنی نیست بلکه به معنای برگشت به سوی خدا و گشودن دل‌هایمان به محبت وی و تغییر و تجلی زندگی ما توسط روح القدس است که در ما ساکن می‌باشد. خداشناسی نوعی زندگی است که همه چیز را دربرمی‌گیرد و برای آن که حقیقی باشد تعهد شخصی به تقدس را می‌طلبد: مقدسین، خداشناسان واقعی می‌باشند نه فیلسوفان مذهبی.

در عین حال، خداشناسی به این معنی که دقت و صراحت تام ذهنی را می‌طلبد علم است، همان طور که این کتاب از ما می‌خواهد. زیرا افکار گنگ و غیر فعال در ملکوت خدا کارآیی ندارد. علاوه بر این، شناخت از خدا که بر احساسات بنا شده باشد احتمال زیاد دارد که واهی و بیهوده بماند.

شیطان، اختلاط و عدم صراحت را ارج می نهد. برعکس، روشن بینی، وضوح و صراحت علائم روح القدس می باشد: تنها او ما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد (یو ۱۶: ۱۳). ضمناً در خداشناسی دقت و صراحت تام کافی نیستند. بلکه آن چه از ما خواسته می شود و به نحوی خیلی بیشتر اساسی می باشد، مشارکت با خدا و محبت شخصی نسبت به خدای زنده است.

قبل از هر چیز، خداشناس واقعی، کسی است که می کوشد، دعا کند و با تمام زندگیش سرود نیایش خدای زنده شود. بنابراین، بایستی قبل از شروع به مطالعه ی این کتاب در آرامش و سکوت قلبی قرار گیریم: «آرامش داشته باشید و بدانید که من خدا هستم» (مز ۴۶: ۱۰). خداشناسی حقیقی بدون داشتن تجربه ای روحانی وجود ندارد.

به همین خاطر است که کتاب حاضر با فصلی درباره ی دعا طبق کتاب مقدس آغاز و با فصلی درباره ی تفسیر دعای «ای پدر ما» که عیسا به ما تعلیم داده پایان می یابد. این دو فصل را از فصل چهارم کتاب «اصول تعلیمات کلیسای کاتولیک» ترجمه نمودیم که تعلیمات قابل توجهی درباره ی «دعای مسیحی» ارائه می دهند.

چگونه این کتاب به رشته تحریر در آمد؟

کتاب «اصول تعلیم کلیسای کاتولیک» منتشره به سال ۱۹۹۳، زمانی که ما پانزده سال پیش جستجویمان را شروع کردیم مطرح نبود. علاوه براین، به نظر ما کتابی که امروز به شما ارائه می شود در تضاد با کتاب تعلیمات منتشر شده در رم نیست، کتابی که خود حضرت پاپ ژان پل دوم درباره ی آن تأکید نموده است که آن کتاب قبل از همه خطاب به مجمع اسقفان است تا آنها بتوانند از آن کتاب مانند پایه ای برای نوشتن کتب دیگری مطابق و مخصوص ایمانداران کشور خود استفاده کنند. درست هم و غم این تطابق است که انتخاب ما را به سوی کتاب «خدای زنده» هدایت کرد. در واقع همه ی کتاب هایی که بدین منظور بادقت مورد مطالعه قرار گرفت کتاب هایی بود تألیف مسیحیان اروپایی که ایمانشان را در چارچوب کلیسای لاتین و سنت های غربی خود بیان می نمایند. این تعمق در راز خدا گرچه با حقیقتی که کلام خدا آن را برای ما مکشوف می سازد مطابقت دارد، اما در چارچوب فرهنگی خاص و یک بیان روحانی انجام می شود. بنابراین، به صورت سنتی کلیسایی شکل می گیرد که با سنت کلیساهای قدیمی کشور ما هم آهنگی کامل ندارد. کتاب «خدای زنده» مسیحیت را بر حسب سنت های سایر آیین های شرقی که به سنت های کلیساهای ما نزدیک است، معرفی می کند، و این همان چیزی است که انتخاب ما را توجیه می کند.

چرا شعر فارسی؟

خواننده با تعجب درمی یابد که هر باب از این کتاب با چند بیت شعر افتتاح شده است. بدین وسیله کوشش کرده ایم که نشان دهیم مسیحیت نسبت به فرهنگ فارسی بیگانه نمی باشد. شورای واتیکان دوم تأکید می کند که ما باید با خوشبختی و احترام در هر سنت دینی و محلی امت ها، دانه های کلام خدا را کشف کنیم (مأموریت کلیسا شماره ی ۱۱) و در ارزش های تمدن ایران از گونه دانه ها به وفور می توان یافت، همه می دانند که عارفان متعدد کشور ما دل های انسان ها را آرام ساخته

تا در انتظار مژده ی عیسا مانده و او را با خوشحالی بپذیرند. البته، علاوه بر ادبیات، عناصر دیگری در این تمدن از جمله موسیقی، میناتور و هنر فرش بافی وجود دارند که خواننده ی کتاب می تواند آن را درک کرده نموده به این کوشش اضافه نمایند.

محدودیت های این کتاب

ناگفته نماند که ما به هیچ وجه ادعا نمی نماییم با ارائه ی این کتاب که به طور کامل جواب گوی نیازهای مسیحیان بوده و به اهداف که پیش از این ذکر شد تحقق بخشیده ایم. مبنای تدوین این کتاب، مسیحیت سنت بیزانس است، یعنی کلیسای شرقی، که با وجود نزدیکی به سنت انطاکیه که کلیساهای ایرانی از شاخه های آن می باشد، سنت های مشترک شرقی را به شیوه ی خاص خود توجیه کرده است. از طرف دیگر، این کتاب ایمان کلیسای ارتدوکس را معرفی می نماید. این کلیسا هنوز با کلیسای روم که توسط پطرس و پولس بنیانگذاری شده و کلیساهای کاتولیک وابسته دارای نکات تماس چندانی است و بالاخره محیط زندگی مؤلفان این کتاب با محیط ما متفاوت است، بنابراین، معرفی مسیحیت برای کلیساهای ما در ایران باید با توجه به این که اکثر مردم کشور ما مسلمان می باشند می بایست طوری انجام گیرد که تفاهم فی مابین را ترغیب نماید. هم چنین این معرفی بایستی مملو از فرهنگ غنی چندین قرن از کشورمان باشد.

برای رفع نقایص فوق الذکر، در بعضی از قسمت های متن اصلی این کتاب تصحیحات و اضافات جزئی وارد شده. در جاهایی که امکان پذیر بود سرودهای آشوری - کلدانی و گاهی ارمنی را جایگزین سرودهای آیین بیزانس کرده ایم. در مورد نکات عقیدتی به خصوص در باب راز کلیسا در مسایلی که هنوز مورد بحث می باشد، ما نظر کاتولیک ها را به طریقی ذکر کرده ایم که در مجمع اسقفان واتیکان دوم و نیز در تحقیقاتی که بعداً صورت گرفت، بیان شده است. در رابطه با برادران مسلمان، متأسفانه نتوانستیم کار زیاد بزرگی انجام دهیم تا تفاهم بیشتری ایجاد شود. درست است که این کتاب خطاب به اشخاص بالغی است که به عیسا ی مسیح ایمان دارند اما آنها را یاری می دهد تا نکاتی چند آشکار شود که بتوانند نسبت به برادران خود نگاهی منور به محبت مسیح داشته باشند. اگر این کتاب آنها را یاری دهد تا کلام خدا را بهتر بشناسند، این محبت در آن جا چشمه ای جاودان پیدا می کند. بالاخره در رابطه با تطبیق با فرهنگ کشورمان، این کتاب را به زبان فارسی ترجمه نمودیم، که این کمترین کاری بود که می توانستیم انجام دهیم اما نه سخت ترین کارها! در واقع، بیان نظرات الاهیات مسیحی به زبان فارسی مشکل می باشد. باشد آنانی که این کتاب را می خوانند از خود گذشت و اغماض نشان داده و برای مترجمین و ویراستاران که متحمل رنج طولانی شده اند، دعا نمایند.

ما این کتاب را که دیدگاهی منور به نور محبت خدا ارائه می دهد بهترین وسیله برای استحکام بخشیدن به تفاهم با برادران مسلمان خود می دانیم. زیرا لازمه ی گفتگو با دیگران ایمان محکم و عمیق می باشد؛ گر از خود مطمئن نیستیم و ایمان ما ضعیف باشد حالت تدافعی به خود گرفته ولی اگر از ایمان خود مطمئن باشیم می توانیم در نهایت آرامش با دیگران گفتگو کرده و طرز فکر طرف مقابل را بهتر درک نماییم. اما متأسفیم که نتوانستیم نکات مختلف ایمان مسیحی را از دیدگاه اسلام توضیح دهیم. این کار را لازم می دانستیم چون برای ایجاد تفاهم بیشتر بین مسیحیان و مسلمانان ضروری

است که متقابلاً ایمان هم دیگر را به خوبی بشناسند.
یک تطبیق عمیق تر با ارزش های فرهنگ فارسی، شعرا و به ویژه عرفا، در آینده ضروری به نظر می رسد تا با بیان واقعی عیسای مسیح در بطن فرهنگ کشورمان، عیسای مسیح هر چه بیشتر در این فرهنگ شناخته شود.
حداقل امیدواریم که کتاب حاضر باعث به وجود آمدن شناختی بهتر از عیسای مسیح بشود، و همین طور منزلتی برتر در راه تعمق کلیساهای شرق در باره ی راز محبت و اتحاد باشد.

چاپ دوم، یوبیل، سال ۲۰۰۰

اکنون حال کتب مربوط به کل تعلیم کلیسا را ارائه می دهیم:
 در ارتباط با هر باب این کتاب اشاره به کتاب دیگری شده که مربوط به آن موضوع می باشد به
 چاپ رسیده، اما علاوه بر این، اشاره هایی به سایر کتب الاهیات می گردد که مربوط به موضوع کلی
 می باشد نه موضوعی خاص.

۱- کتاب مقدس:

فرهنگ الهیات کتاب مقدس (چهار جلد):
 پاسخ به ۱۰۱ سؤال در مورد کتاب مقدس؛
 مباحث مقدماتی برای مطالعه ی کتاب مقدس.

۲- عهد قدیم:

ریشه های تاریخی ایمان ما (جلد اول):
 برگ های زرین «کتاب مقدس»؛
 مقدمه ای بر شناخت عهد قدیم؛
 چگونه عهد قدیم را بخوانیم؛
 کتاب مقدس چه می گوید، ده جلد، در مورد عهد قدیم.

۳- عهد جدید:

مقدمه ای بر شناخت عهد جدید؛
 چگونه عهد جدید را بخوانیم؟
 مجموعه کتاب مقدس و پیام آن، ۶ جلد در مورد عهد جدید؛
 یوحنا استاد روحانی؛
 تعمق بر انجیل یوحنا؛
 پولس رسول؛
 اولین متون مسیحی؛
 تفسیری بر نامه به عبرانیان؛
 تفسیری بر نامه به هفت کلیسا (مکاشفه)؛
 نامه های شبانی پولس رسول؛
 ریشه های تاریخی ایمان ما (جلد دوم)؛
 فرهنگ عهد جدید.

۴- راز مسیح:

شخص مسیح؛
 عیسا کیست؟
 زندگانی عیسا نجات دهنده ی ما.

۵- پدران کلیسا:

نامه های حضرت ایگناسیوس؛
 سنت، یک پیام زندگی؛
 فیلیکسونوس اهل مابوق؛
 چنگ روح القدس (مار اپرم)؛
 سرودهای ما را پریم؛
 پدران سریانی در نیایش و زندگی روحانی؛
 منتخبی از نوشته های پدران کلیسا (۲ جلد).

۶- کلیساهای شرق:

کتاب مقدس در سنت سریانی؛
 آشنایی با سنت روحانی کلیسای شرق؛
 چشمه ی درخشان؛
 رؤیای جهان مار اپرم؛
 خلاصه ای از ادبیات سریانی؛
 تعمق بر پدران کلیسای سریانی.

۷- تعلیم کلیسا:

مجمع اسقفان واتیکان دوم؛
 شورای اسقفان کاتولیک آسیا؛
 تعلیم دینی کلیسای کاتولیک (چهار جلد).

۸- تاریخ کلیسا:

توسعه ی کلیسای مسیحیان در قرن چهارم؛
 تاریخچه ی کلیسای کاتولیک؛
 تاریخ مسیحیت در آسیا تا قرن پانزدهم .

۹- موضوعات گوناگون:

توضیح شمایل ها؛
 داستان یک زندگی (ترز مارتن)؛
 گفتگو بین ادیان.

دیباچه ای از نویسندگان

روش و هدف مورد نظر

این کتاب تعلیمات دینی، کار گروهی است که در چارچوب برادری ارتدوکس به خدمت مشغول می باشند. کتاب حاضر به صورت کتاب درسی شامل درس های آموزشی تهیه نشده، بلکه منظور از تألیف آن بیان پیام زندگی یعنی کلام خدای زنده بوده است.

این کلام را، نَفَسِ خدا (روح القدس) از طریق زبان پیامبران قوم اسرائیل به نزد ما آورد و توسط عمل روح القدس در شخص خداوند عیسا تن گرفت. آوای این کلام، سرانجام در کلیساها، در جماعت ایمانداران، جایی که به شکرانه ی عمل اعجاب انگیز روح القدس، عیسا رستخیز کرده همیشه زندگی می کند و سخن می گوید، به گوش می رسد.

باید خاطر نشان ساخت که بین عهد عتیق و عهد جدید و هم چنین بین تمام کتب مقدسه و زندگی کلیسا تداوم و یک پارچگی وجود دارد. اگر نوزده قرن تاریخ قوم اسرائیل را که در عهد عتیق نقل شده و مقدمات آمدن عیسا را فراهم ساخته است نادیده بگیریم، گفتار و اعمال عیسا خداوندمان را که در عهد جدید آمده است درک نخواهیم نمود. وانگهی، شخص خداوند عیسا امروز نمی تواند به جز از راه روح القدس قابل فهم باشد زیرا که ارتباط انسان با عیسا فقط در درون کلیسا و زندگی کردن در آن به همراه عیسا مسیح ممکن است.

روشی که ما در تألیف این کتاب دنبال می کنیم از این واقعیت دوگانه، یعنی لزوم شناخت عهد عتیق و زندگی کردن با عیسا در کلیسا، الهام می گیرد. ما هر یک از مراحل بزرگ زندگی خداوند عیسا را از لحظه ی باردار شدن مریم تا بازگشت پرجلال عیسا مسیح، در پرتو نور وقایع عهد عتیق که این مراحل را آماده و اعلام کرده و از پیش آنها را نمایان ساخته و تمام نکات برجسته ی این مراحل را آشکار می نماید، مطالعه می کنیم. به علاوه، این کتاب را به کارهای کلیسایی مانند سرود و شمایل و رازهای کلیسا که مراحل یاد شده را بیان نموده و آنها را با زمان وفق داده آراسته می نماییم تا به ما امکان دهد که از درون در آنها سهیم باشیم.

عهد جدید هرگاه بدون مطالعه ی عهد عتیق مورد بررسی قرار گیرد مانند درختی خواهد بود که از ریشه کنده شده است. و هم چنین عهد جدید هرگاه خارج از زندگی کلیسا مطالعه شود، به جای این که به صورت عهد جدید و دیدار انسان با خدای زنده تجلی کند، فقط حالت تاریخیچه ی وقایع گذشته را خواهد داشت. آرزوی ما این است که خوانندگان را در برقراری دیدار بین انسان و خدا یاری نماییم زیرا هدف این کتاب چیزی جز این نمی باشد.

پیش درآمد:

هدف ما: گردآوری اطلاعات

یا

شناخت کسی؟

شرط: زندگی روحانی!

جوان: گویا مثل این دو شاگرد یحیا، باید ما نیز از عیسا بپرسیم: «استاد کجا می مانی؟»



پیر: بدون نیایش او را پیدا نخواهیم کرد و او را نخواهیم شناخت.



شرط اول - نیایش طبق انجیل

چون برآری از میان جان خروش اندر آید بحر بخشایش به جوش (مثنوی، اول، ۶۲)
در ابتدا، نکاتی خلاصه شده از انجیل و تجربیات قدسین، جهت ماندن با او یعنی تعمق عمیق تر و
روزه گرفتن طبق انجیل ارائه می دهیم.

راهنمایی جهت تعمق بیشتر و دعای مداوم

الف - خود را جهت ملاقات آماده سازیم:

- مکان مناسب: جهت دعا کردن، بهتر است جایی آرام و خلوت که اهمیت نیایش را به ما
یادآوری می کند و با چند شمایل یا صلیب یا شمع یا دیگر نشانه ها که به ما در دعا کردن کمک
می کنند، تزیین شده باشد، داشته باشیم.

- زمان مناسب: در عهد قدیم، ایمان داران هرگاه می خواستند نزد خدا قربانی کنند
می بایست بهترین بره ی گله ی خود، و نوبر محصولات خود را تقدیم نمایند. طبعاً دوست داریم روز
خودمان را با یک سپاسگزاری پرشور جهت خدا که به ما زندگی و نور و قدرت می بخشد شروع کنیم
و شب هنگام با یک دعای آرامش بخش، و مرور اتفاقات آن روز در نور انجیل، و نیز با دعا کردن
جهت همه ی کسانی که در آن روز ملاقات کرده ایم، پایان دهیم.

برای تعمق، باید مدت طولانی تری در نظر بگیریم که بتوانیم عمیقاً خدا را ملاقات کنیم و بدین ترتیب بعد از مدتی می توانیم در طول روز یک دعا را به طور مداوم در اعماق قلبمان زمزمه کنیم. جهت این تعمق، بهترین موقع روز را به عنوان نوبت انتخاب نماییم هم چنین بهتر است هر شب متنی از کتاب مقدس را انتخاب کرده جهت تعمق روز بعد آماده سازیم.

- **حرکات نیایشی:** ما انسانیم، جسم داریم، و بایستی با حرکات این جسم احساسات خود را ابراز نماییم. چگونه کسی می تواند بهترین دوست خود را ملاقات کند بدون آن که با او دست بدهد یا با صمیمیت روی او را ببوسد؟ در کتاب مقدس، مخصوصاً در مزامیر تأکید شده که با انجام این گونه حرکات، احساسات درونی خود را نسبت به خدا بروز دهیم و بدین وسیله دعای خودمان را پر شورتر سازیم.

در این مورد در کتاب مزامیر می خوانیم:

- دست های خود را به سوی خداوند برافرازیم: مزمو ۲۸:۲؛ ۷۷:۲؛ ۸۸:۹؛ ۱۳۴:۲

- چشمان خود را به سوی خداوند برافرازیم: مزمو ۲۵:۱۵؛ ۱۲۱:۱؛ ۱۲۳:۱-۲؛ ۱۴۱:۸

- سجده نماییم: مزمو ۵:۸؛ ۴۵:۱۱؛ ۹۵:۶؛ ۱۳۸:۲

- زانو بزنیم: مزمو ۹۵:۶

- اشک بریزیم: مزمو ۶:۸؛ ۳۱:۹؛ ۱۱۹:۱۳۶

- در حضور خدا شادی کنیم: مزمو ۴۸:۴-۵

- **همکاری کردن در دعا:** حتماً اگر در تنهایی دعا می کنیم باید به یاد داشته باشیم که اول عیسا برای همه ی ما دعا می کند چون او امروز زنده است و نزد پدر برای ما استغاثه می کند (عبر ۷:۲۵) همراه با همه ی قدسین (مک ۷:۷-۹) مخصوصاً حضرت مریم که مادر ماست (یو ۱۹:۲۶)، و نیز با همه ی کلیساها در جهان.

ب- چگونه شروع کنیم؟

فرو رفتن در تعمق اهمیت بسزایی دارد. گاهی اوقات نمی توانیم زیاد در تعمق بمانیم چون به اهمیت «شروع» واقف نیستیم. بنابراین، با الهام از قدسین و مخصوصاً از ایگناسیوس قدیس اهل لایولا (کشیش اسپانیولی، ۱۴۹۱-۱۵۵۶، مؤسس مشهور گروه ژوسویت و مؤلف کتاب «اعمال روحانی») یاد می گیریم که چگونه تعمق نمودن را شروع نماییم. با توجه به نکات زیر ببینیم چگونه بهتر است شروع کنیم:

- **ابتدا با مزمو (۲۴:۱-۲):** «هم چون آهوی تشنه از پی آب روان، جان من نیز برای تو، ای خدای من، مشتاق است. جان من تشنه ی خداست، تشنه ی خدای زنده، تا کی توانم بروم و رویش را ببینم». خواهش عمیق قلب خود را به خدا ابراز می نماییم، مثلاً «خداوندا تمام وجود، تمام ذهن،

تمام اراده، تمام احساسات، تمام نیرو، و تمام قدرت حافظه ی خود را به تو تقدیم می کنم جهت سپاس جلالت و خدمت به ملکوتت».

سکوت

- از خداوند روح القدس را بطلبیم، چون «نمی دانیم چگونه دعا کنیم ولی روح القدس در قلب، ما زمزمه می کند: ای پدر» (روم ۸: ۲۶).

- متن انجیل را که شب قبل انتخاب کرده ایم به صورتی خیلی فشرده دوباره می خوانیم و در ذهن خود، مکان مذکور را مجسم می نماییم، هم چنین عیسا، شاگردانش و دیگر یهودیان را. و می کوشیم در تخیل خود، گفتگوی ایشان را بشنویم و از فکر و احساسات عیسا و دیگران آگاه شویم...
- با فروتنی و اطمینان کامل از خداوند آن چیزی را که در تعمق بر متن امروز درخواست داریم بگوییم، مثلاً در ارتباط با رستاخیز او درخواست کنیم که امروز با حیات نوین او سهمیم گردیم. یا در ارتباط با صلیب او به عمق گناهان خود پی برده، بخشش بطلبیم و یا با یادآوری از شام آخر، محبت واقعی او در زندگی خود پیاده کنیم...

ج- ملاقات با عیسا را طولانی کنیم

در سکوت و هم چنان که متن مذکور (انجیل) را در ذهن خود مرور می کنیم اجازه دهیم خود روح القدس ما را در تعمق و دعا هدایت کند و هر بار که اندیشه ای نامربوط بر ما هجوم می آورد آن را دور کنیم و بار دیگر در تعمق فرو رویم. این شروع مجدد در واقع نشانگر وفاداری ماست.
- متن مذکور را در نظر گرفته، روی کلمه ای که امروز برای ما پیامی دارد بمانیم و به آرامی این کلمه را دل خود تکرار کنیم.
- کار شگفت خداوند در زندگی ما و نیز کوتاهی ما در جواب دادن به این دعوت خداوند را به خودمان یادآوری کنیم.
- با قدرت درک خود بکوشیم پیام متن مذکور را بهتر و روشن تر درک کنیم.
- تصمیم بگیریم همین امروز این پیام را در زندگی خود پیاده کنیم و با این کار محبت خود را به خداوند ابراز نماییم.

د- خاتمه ی تعمق:

با یک گفتگوی صمیمانه با عیسا و ابراز محبت خود نسبت به او، تعمق خود را تمام می کنیم و دعای ربانی را به آهستگی می خوانیم.

یادآوری:

۱- همراه با تعمق و دعا کارهای دیگری را نیز در نظر بگیریم:

- از ذکر خداوندا، خداوندا بدون این که اراده ی او را در زندگی خود انجام دهیم (لو ۶:۴۶)، پرهیز نماییم و بکوشش کنیم زندگی خود را دگرگون ساخته و در طول روز اراده ی او را انجام دهیم.

- گاهی اوقات به خصوص در زمان وسوسه، همراه با دعا روزه نیز بگیریم.

- سؤال هایی که از انجیل، در زندگی ما پیش می آید مطرح کنیم. یکی از چهار انجیل را در ارتباط با این سؤال بخوانیم و هر جمله یا متنی که به نظر ما برای این سؤال پاسخی هست آن را بنویسیم و بینیم در برابر این سؤال، خود عیسا و شاگردانش به دیگر یهودیان چگونه پاسخ می دهند.

- روی یک دفترچه بنویسیم: ۱- نکات مهم تعمق ما و احتمالاً پیامی که از خداوند در این موقعیت و نیز در زمان برجسته ی زندگی روحانی ما، دریافت می کنیم بنویسیم. بدین ترتیب با دوباره خوانی این مطلب و با یافتن نکاتی که تکرار می شود خواهیم توانست دعوت و اراده ی خداوند را بیشتر درک کنیم.

۲- اسامی اشخاصی را که باید برایشان دعا کنیم یادداشت نموده و برای هر مورد جداگانه دعا کنیم، مثلاً برای اسقف ما و همکاران ایشان، کلیسای ما و مأموریتش، خادمین متعدد و دعوت شدگان جدید به خدمت، اتحاد کلیساها، افرادی که در شرف ایمان آوردن هستند و اشخاصی که در تجربه ی سخت هستند مانند: بیماران، فقرا و ماتیمان و نیز برای موارد مهم در دنیای ما مثل: صلح، عدالت، برابری و خدمت به فقرا و هم چنین مسئولان کشور ما و غیره.

چگونه دعای مداوم داشته باشیم؟

«در هر وقت دعا کرده بیدار باشید» (لو ۲۱:۳۶).

دعای مداوم طبق گفته ی عیسا، میوه ای از تعمق عمیق ما می باشد که می توانیم برای این منظور طبق سنت قدیم کلیساهای شرق از تسبیح نیز استفاده کنیم و یک جمله ساده را در دل خود تکرار نماییم، مثلاً «عیسا ی مسیح، نجات دهنده ی ما، بر ما گنهکاران ترحم فرما» و یا جمله ی ساده دیگری که از انجیل انتخاب می کنیم. در مواقع مختلفی از روز که کار ساده ای داریم می توانیم این جمله را مرتباً تکرار کنیم و به حضور عیسا در زندگی خود بیشتر توجه نماییم و با او بمانیم.



خلاصه ای از مراحل تعمق:

۱- شروع:

الف) تشنگی خود را به خداوند ابراز نماییم.

- سکوت

ب) روح القدس را بطلبیم.

ج) صحنه ی وقایع متن انجیل را در ذهن خود مجسم نماییم.

د) فیضی را که امروز می خواهیم، از خداوند بطلبیم.

۲- ملاقات را طولانی نماییم:

آرام خواندن متن انجیل و تأمل روی کلمات مهم:

الف) کلمه ی مهم را در دل خود تکرار کنیم و بر روی آن تفکر نماییم.

ب) کارهای شگفت خدا، و نیز گناهان خود را به یاد آوریم.

ج) روی معنی متن تفکر نماییم.

د) در مورد دگرگون ساختن زندگی خود تصمیم بگیریم.

۳- خاتمه: گفتگویی صمیمانه با عیسا داشته باشیم.



شرط دوم- روزه طبق انجیل

برای همه ی ایمان داران به خدای یکتا، مساله ی روزه گرفتن، دعا کردن، و صدفه دادن از مسائلی است که همیشه در زندگی با آن سروکار دارند. برای مسیحیانی که در کشورهای مسلمان زندگی می کنند درک این موضوع طبق انجیل و گفتار عیسا مسیح بسیار مهم است. به ویژه که در این ایام بعضی ها متأسفانه اهمیت این موضوع را در نظر نمی گیرند. در متنی که پیش رو داریم مساله ی روزه از دیدگاه کتاب مقدس و آداب و رسوم کلیساها بررسی می شود با این امید که برای ایمانداران مفید واقع شود. آمین.

روزه از دیدگاه ایمان مسیحی

هنگام مطالعه ی انجیل در می یابیم که روزه گرفتن نسبت به محبت که یگانه فرمان نوین عیسا ی مسیح می باشد اهمیت زیادی ندارد و مشاهده می کنیم که وقتی عیسا ی مسیح به همراه شاگردانش در جشن ها و ضیافت های بزرگی مانند عروسی در قانای جلیل شرکت می کردند بعضی از یهودیان از وی انتقاد می کردند که «چرا شاگردان تو روزه نمی گیرند؟» (مر ۲: ۱۸). همه ی ما می دانیم که در عهد عتیق و نیز در ادیان مختلف، روزه گرفتن نوعی تمرین روحانی برای تقویت ایمان است تا بتوان بیشتر به خدا نزدیک شد، با گناه مبارزه نمود، و مایحتاج روزانه ی خود را نیز با فقرا تقسیم کرد.

عیسا، خود در شروع مأموریتش چهل شبانه روز در صحرا در صمیمیت کامل با پدر آسمانی زندگی کرد و بر وسوسه های شیطان کاملاً پیروز گشت. عیسا، مفهوم روزه گرفتن در محبت را برای یهودیانی که از وی انتقاد می کردند چنین توضیح می دهد:

«آیا ممکن است میهمانان عروسی مادامی که داماد با ایشان است روزه بگیرند؟ زمانی که داماد با آنهاست نمی توانند روزه بگیرند. اما زمانی خواهد رسید که داماد از ایشان گرفته شود، در آن ایام روزه خواهند گرفت» (مر ۲: ۱۹-۲۰).

عیسا، در این آیات وضعیت آینده شاگردانش را بعد از صعود روشن می کند و به ما یادآوری می کند که چون در انتظار آمدن پرجلال او هستیم نمی توانی در دنیا کاملاً خوشحال باشیم و این تشنگی روحانی نسبت به آمدن داماد، ما را بر آن می دارد که از لذت های دنیوی دوری جسته، بیدار باشیم و دل به این دنیا نبندیم.

«پس چون با مسیح برخیزانیده شدید آن چه را که در بالا است بطلبید در آن جا ایی که مسیح است به دست راست خدا نشسته. در آن چه بالا است تفکر کنید نه در آن چه در زمین است. زیرا که مردید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است. چون مسیح که زندگی ما است ظاهر شود آن گاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد» (کول ۳: ۱-۴).

بنابراین، روزه گرفتن تنها بدین معنی نیست که بر ضد وسوسه های شیطان مبارزه کنیم، بلکه می بایست تا اندازه ای از امور خوب و مثبت این دنیا دوری کرده در انتظار ملکوت خدا بمانیم. علاوه بر این، از طریق روزه گرفتن اجازه می دهیم که روح القدس عمیقاً در ما کار کند و ما را کمک نماید تا با وسوسه های شیطان مبارزه کنیم و محبتی را که خداوند به ما عطا کرده نسبت به هموعانمان ابراز نماییم. به عنوان مثال، یهودیان طبق عهد عتیق در ارتباط با استفاده مطلوب از شراب می گفتند «شراب دل انسان را شادمان می کند» (مز ۱۰۴: ۱۵).

پولس می گوید: «مست شراب نشوید که در آن فجور است بلکه از روح پر شوید». هم چنین نوعی دیگر از روزه، پرهیز موقت از روابط زناشویی است و همه ی ما می دانیم که روابط زناشویی یکی از برکات خداوند است.

«زن بر بدن خود مختار نیست بلکه شوهرش، و هم چنین مرد نیز اختیار بدن خود ندارد بلکه زنش. از یکدیگر جدایی مگزینید مگر مدتی به رضای طرفین تا برای روزه و عبادت فارغ باشید و باز با هم بیونید مبادا شیطان شما را به سبب ناپرهیزی شما در تجربه اندازد» (۱ قرن ۷: ۴-۵). البته بعضی از مسیحیان که در این راه دعوت شده اند و این نوع روزه را به عهده می گیرند مطلقاً ازدواج نمی کنند و می کوشند در پاکیزگی مطلق زندگی نمایند تا بیشتر در انتظار آن داماد بمانند. قرن ۷: ۲۹-۳۴ را مطالعه کنید.

شاگردان عیسی مسیح وقتی فهمیدند که در مسیحیت طلاق وجود ندارد بسیار تعجب کردند: «شاگردان به او گفتند اگر حکم شوهر یا زن چنین باشد نکاح نکردن بهتر است. ایشان را گفت: تمامی خلق این کلام را نمی پذیرند مگر به کسانی که عطا شده است» (مت ۱۹: ۱۰-۱۱).

در نتیجه باید بدانیم که در تاریخ کلیسای اولیه، موضوع روزه و هم چنین سکوت و تنهایی اهمیت خاصی پیدا کرده است. از قرن چهارم به بعد در امپراتوری روم وقتی دیگر مسیحیان به خاطر ایمان نشان مورد آزار و اذیت قرار نمی گرفتند مقدسین درک کردند که دیگر خطری آنان را تهدید نمی کند و می توانند به راحتی در این دنیا زندگی و عبادت کنند.

در کلیساهای مختلف، راهبان که در دیر در سکوت و دوری از این دنیا زندگی می کنند اهمیت به سزایی دارند زیرا به ما یادآوری می کنند که همه باید با جدیت روزه بگیریم و از برکات این دنیا که همانا ماندن با عیسا است بهره برده و در انتظار فرا رسیدن ملکوت خدا بیدار بمانیم.

چه وقت روزه بگیریم؟

یهودیان، هر هفته روزهای دوشنبه و پنجشنبه روزه می گرفتند. اما در کلیساهای اولیه مسیحیان روزهای چهارشنبه و جمعه روزه می گرفتند. می دانیم که عیسا در روز جمعه مصلوب شد و به همین دلیل در این روز روزه می گیریم؛ و یکشنبه، روز رستاخیز عیسا، را جشن می گیریم. در کلیسا یک روزه بزرگ داریم که در شرق مدت آن پنجاه روز می باشد و اصطلاحاً دوران انابت نامیده می شود (هفت هفته و یک روز).

مدت این روزه در اروپا چهل روز است، همانند دوران روزه عیسی مسیح، موسا و ایلیا (۱ پ ۱۹:۸). در این ایام، کلیسا با روزه ی سخت، خود را جهت سهیم شدن در مرگ و رستاخیز عیسی مسیح پاک می کند و چون حق جویان در شب عید بزرگ رستاخیز عیسی مسیح تعمید خواهند گرفت بایستی تمرینی عمیق و جدی برای مبارزه با وسوسه های شیطان داشته باشند، و این تمرین همراه با دعا و روزه می باشد.

علاوه بر این روزه ها، روزه ی دیگری نیز هست که معمولاً قبل از اعیاد مختلف مانند عید میلاد عیسا و غیره گرفته می شود. روزه هایی که در ارتباط با اعیاد کلیسا است به ما یادآوری می کنند که به نوعی دعوت شده ایم تا با دوری جستن از این دنیای فانی، شریک در رازهای مختلف عیسی مسیح و خلقت نوینی گردیم که او بر پا نموده.

علاوه بر این آداب و رسومی که کلیسا برای روزه گرفتن وضع کرده، گاهی اوقات خود شخص بر اساس نیاز روحانی خود و اشکالاتی که در این رابطه احساس می کند روزه می گیرد و در بعضی موارد برای نیازهای این دنیا از قبیل نیاز به آرامش، صلح، دوستی و غیره می توان روزه های دسته جمعی یا انفرادی گرفت. لازم به تذکر است که نباید در این رفتارها زیاده روی کرد زیرا ممکن است به تکبر و غرور که بدترین گناه است دچار شویم.

«بنده ات را نیز از اعمال متکبرانه باز دار تا بر من مسلط نشود، آن گاه بی عیب و از گناه عظیم میرا خواهم بود.» (مز ۱۹:۱۳).

عیسا نیز در مورد تظاهر و ریاکاری در ایام روزه هشدار می دهد: «اما چون روزه دارید مانند ریاکاران ترش رو مباشید زیرا که صورت خویش را تغییر می دهند تا در نظر مردم روزه دار نمایند. هر آینه به شما می گویم اجر خود را یافته اید. لیکن تو چون روزه داری سر خود را تدهین کن و روی خود را بشوی تا در نظر مردم روزه دار ننمایی بلکه در حضور پدرت که نهان است و پدر نهان بین تو، تو را آشکارا جزا خواهد داد» (مت ۶:۱۶-۱۸).

بنابراین، برای تشخیص دادن هدف و روحیه ی اعمال خود در برابر اراده ی خدا، کلیسا به ما توصیه می کند که به یک پدر روحانی رجوع کنیم و با اطمینان و فروتنی کامل اعمال خود را به او گفته از راهنمایی های او استفاده نماییم.

در خاتمه، گفتن این نکته ضروری است که با علم به این که در دنیای امروز، نیازهای مردم خصوصاً جوانان بیشتر شده است مسیحیان باید وقت بیشتری برای روزه گرفتن در نظر بگیرند ولی متأسفانه می بینیم که ظاهراً برعکس شده است، به دلایل مختلف از جمله این که در زمان کلیسای اولیه که مردم معمولاً کمتر غذا می خوردند روزه گرفتن نسبتاً آسان تر بود، اما امروزه مخصوصاً در مشرق زمین مردم اغلب غذای بیشتری می خورند که این امر روزه گرفتن را برایشان مشکل کرده است.

در آخر این که بایستی با روزه گرفتن با عادات و رفتارهایی نظیر اصراف در خوردن غذا و متکی بودن به امیال نفسانی در این دنیا و نیز با تبعیضات طبقاتی ما بین مردم یک کشور و یا ما بین دنیای غرب و شرق مبارزه نماییم و تمام اعمال و رفتار خود را با محبت همراه سازیم. در عهد عتیق نیز خدا

درباره ی روزه یادآوری می کند که به خاطر محبت به او (یهوه) باید روزه گرفت. «آیا جهت محبت به من روزه می داشتید؟» (زکریا: ۴) و پولس رسول نیز یادآوری می کند که از دیدگاه روحانی ما جنگجو هستیم:

«خلاصه، ای برادران من، در خداوند و در توانایی قوت او زور آور شوید. اسلحه ی تمام خدا را بپوشید تا بتوانید با مکرهای ابلیس مقاومت کنید. زیرا که ما را کشتی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه با ریاست ها و قدرت ها و جهان داران این ظلمت و با فوج های روحانی شرارت در جای های آسمانی. لهذا اسلحه ی تام خدا را بردارید تا بتوانید در روز شریر مقاومت کنید و همه کار را به جا آورده، بایستید. پس کمر خود را به راستی بسته و جوشن عدالت را در در کرده بایستید. و نعلین استعداد انجیل سلامتی را در پا کنید. و بر روی این همه سپر ایمان را بکشید که به آن بتوانید تمامی تیرهای آتشین شریر را خاموش کنید و خود نجات و شمشیر روح را که کلام خداست بردارید و با دعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید و برای همین به اصرار و التماس تمام به جهت همه ی قدسین بیدار باشید» (افس ۶: ۱۰-۱۸).

چگونه روزه بگیریم؟

در عهد عتیق و حتی نزد برخی از مسیحیان امروزی، روزه بدین صورت است که در ایام روزه هیچ گونه مواد پروتئینی و غذاهایی از قبیل لبنیات را که از حیوانات اهلی به دست می آید، استفاده نمی کنند. علاوه بر این، قبل از ظهر و هم چنین قبل از پذیرفتن نان مقدس هیچ گونه غذایی نمی خورند، اما امروزه ظاهراً روزه گرفتن تا اندازه ای آسان تر شده است. معمولاً کلیساها قوانین مختصری به عنوان یادآوری متذکر می شوند و بعضی ها این گونه برداشت می کنند که اگر طبق این قوانین عمل کنند مراسم روزه را کاملاً به جای آورده اند ولی این نوع تصور از روزه کاملاً اشتباه است.

کلیسا به ما یادآوری می کند که باید روزه بگیریم اما نمی گوید که هر شخص چگونه باید روزه بگیرد و آن را به عهده ی مسئولیت و وجدان همان شخص می گذارد تا با توجه به نیازهای روحانی و نقاط ضعفی که در وجود خود احساس می کند برای خود مواردی از روزه تعیین کند و در برابر خداوند این مسئولیت خطیر را به عهده بگیرد.

یکی از مواردی که می بایستی ایمان داران رعایت کنند این است که شیطان، مدعی برادران و خواهران مسیحی ما می باشد. در این رابطه در کتاب مکاشفه می خوانیم:

«آوازی بلند در آسمان شنیدم که می گوید: اکنون نجات و قوت و سلطنت خدای ما و قدرت مسیح او ظاهر شد زیرا که آن مدعی برادران ما که شبانه روز در حضور خدای ما برایشان دعوی می کند به زیر افکنده شد» (مکا: ۱۰: ۱۰).

بنابراین، باید سعی کنیم به هوش باشیم و با شیطان همکاری نکنیم. مخصوصاً در محیط کلیسا

سعی نماییم که درباره ی کسی صحبت نکنیم و کسی را داوری ننماییم و اگر کسی در شرایط وسوسه غیبت و بدگویی قرار می گیرد باید در ایام روزه تصمیم بگیرد که این عادت زشت و ناپسند را کنار گذاشته نقاط مثبت دیگران را تشخیص دهد و آنها را بیان کند. توجه کنید که در این مثال مساله ی هم آهنگی و محبت نسبت به هموعان مطرح است. یکی دیگر از نکاتی که کلیسا در مورد روزه گرفتن تذکر می دهد در مورد استفاده کردن از گوشت است که می بایست در ایام مشخص، گوشت نخوریم که ظاهراً ممکن است مساله ای ساده ای به نظر برسد اما موضوعی بسیار پر معنی است:

طبق کتاب مقدس می دانیم که در ایام آفرینش هیچ نوع دشمنی در دنیا وجود نداشت، بنابراین غذای انسان و همه ی حیوانات سبزیجات و میوه بوده است:

«به همه ی حیوانات زمین و به همه ی پرندگان آسمان و به همه ی زحشرات زمین که در آنها حیات است هر علف سبز را برای خوراک دادم و چنین شد» (پید ۱:۳۰).

اما چون گناه در انسان ها نفوذ کرد، بعد از توفان نوح، خدا فرمان داد تا گوشت نیز جزء غذاهای روزمره باشد: «هر جنبنده ای که زندگی دارد برای شما طعام باشد همه را چون علف سبز به شما دادم» (پید ۹:۳).

و این نشانه ی دشمنی در میان موجودات می باشد. اما پیامبران، در زمان تبعید به بابل اعلام می دارند که خداوند خلقت نوینی را سرشار از آرامش، صلح و دوستی مهیا می سازد که حنادر آن خلقت، شیر علف خواهد خورد: «گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد (اش ۷:۱۱).

بنابراین، هنگامی که در ایام روزه گوشت نمی خوریم در حقیقت کوشش می کنیم که در هم آهنگی کامل با خلقت، زیر نظر محبت های پر لطف خداوند زندگی کنیم و هر نوع دشمنی و کینه توزی و وحشت را از رفتار خود بزدا کنیم و صلح و آرامش را در زندگی خود تجربه نماییم. عیسای مسیح در ایام روزه در مورد مقابله با وسوسه های شیطان می فرماید: «آدمی فقط به نان زندگی نخواهد کرد بلکه به هر کلامی که از دهان خدا برمی آید» (مت ۴:۴).

بنابراین، در ایام روزه، انسان نباید تنها روزه را به نخوردن و نیاشامیدن و یا مثلاً تماشا نکردن محدود کند بلکه باید کوشش کند با تعمق در انجیل و سکوت و تمرکز حواس، کلام خدا را بهتر بفهمد و عیسای مسیح را بهتر بشناسد، تا بتواند از نزدیک به دنبال عیسا برود. بنابراین، ایام روزه باید همیشه با نیایش و دعا همراه باشد، و هم چنین باید نیایش در نیمه های شب همراه با روزه در نظر گرفته شود و در حد توانایی نیز باید به فقرا و نیازمندان نیز کمک کرد که طبق گفته ی عیسا هر کس به نیازمندان و فقرا کمک کند به عیسای مسیح کمک کرده است:

«آن گاه، پادشاه به اصحات طرف راست گوید: بیایید ای برکت یافتگان از پدر من، ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است به میراث گیرید، زیرا چون گرسنه بودم مرا طعام دادید،

تشنه بودم سیرابم نمودید، غریب بودم مرا جا دادید، عریان بودم مرا پوشانیدند، مریض بودم عیادتکم کردید، در حبس بودم دیدن من آمدید» (مت ۲۵: ۳۴-۳۶).

و قبل از عیسا نیز اشعیای نبی یادآوری می کند که روزه نباید همراه با ظاهرسازی باشد زیرا روزه مبارزه ای است در راه عدالت و آزاد ساختن بیچارگان.

«آیا روزه ای را که می پسندم مثل این است، روزه ای که آدمی جان خود را برنجاند و سر خود را مثل نی خم ساخته، پلاس و خاکستر زیر خود بگستراند؟ آیا این را روزه و روزه مقبول خداوند می خوانی؟ مگر روزه ای که من می پسندم این نیست که بندهای شرارت را بگشایید و گره های یوغ را باز کنید و مظلومان را آزاد سازید و هر یوغ را بشکنید، مگر این نیست که نان خود را با گرسنگان تقسیم نمایید و فقیران رانده شده را به خانه ی خود بیاورید و چون برهنه ای را ببینید او را بپوشانید و خود را از آنانی که از گوشت شما می باشند مخفی نسازید؟» (اش ۵۸: ۶-۸).

بنابراین، می بینیم که از عهد قدیم، روزه با دعا و کمک به فقرا همراه بوده است.



سوال برای تعمق بیشتر:

- ۱- در این ایام روزه چه نکته ی مهمی در زندگی خود انتخاب کرده اید که خداوند در باره ی آن تو را دعوت می کند که روزه را بر پا داشته و این نکته را دگرگون سازی؟
 - ۲- میوه های این کوشش چگونه بود؟ آیا در باره ی آن سپاسگزاری کرده اید؟
 - ۳- در باره ی این موضوع در دفتر خود چیزی نوشته اید؟
- در این کوشش چگونه به هشدار عیسی مسیح توجه کرده اید؟ (مت ۱۶: ۳).



تعلیم رسمی کلیسای کاتولیک

نیایش در زندگی مسیحی

(این قسمت ترجمه‌ای از کتاب تعلیم «کلیسای کاتولیک» از شماره‌های ۲۵۵۸ تا ۲۷۵۸ می‌باشد).

(قبل از خواندن متن ذیل، کتاب مقدس را بخوانیم: لوقا ۱۲:۱۲-۱۳:۳۶).

«راز ایمان چه راز بزرگی است!» کلیسا در ایمان نامه‌ی رسولان به این راز اعتراف می‌کند و آن را در آیین نیایشی مربوط به رازهای مقدس برگزار می‌نماید تا زندگی ایمانداران در روح القدس، برای جلال خدای پدر با عیسا آشکار شود. بنابراین، راز ایمان مستلزم این است که ایمانداران به آن ایمان آورند، آن را برگزار کنند و در رابطه‌ای پویا و شخصی با خدای حقیقی و زنده، حیات خود را از آن بگیرند. این رابطه‌ی شخصی و زنده نیایش نامیده می‌شود.

مقدمه: نیایش چیست؟

ما همی دانیم خود راز شما لیک می‌خواهیم آواز شما
(مثنوی، دفتر اول)

نیایش برای من، تلاطم دل، نگاهی ساده به سوی آسمان، فریادی از سر شناخت و محبت و استقبال از رنج و شادی با آغوش باز است.^۱

نیایش: عطیه‌ی خدا، روی آوردن انسان به سوی خدا

«نیایش روی آوردن فکر و قلب انسان به سوی خدا یا طلب چیزهای نیکو از خداست».^۲ اما زمانی که نیایش می‌کنیم آیا از اوج غرور و خواهش خود سخن می‌گوییم یا از «اعماق قلبی فروتن و نادم»^۳ هرکس خویشتن را فروتن سازد سرافراز شود.^۴ فروتنی، اساس نیایش است. فقط آن هنگام که با فروتنی اعتراف می‌کنیم «آن چه دعا کنیم به طوری که می‌باید نمی‌دانیم»^۵ برای پذیرش رایگان عطیه‌ی نیایش آمادگی می‌یابیم. «انسان در حضور خدا مستمند و بینواست»^۶.

۱- قدیس ترزا اهل لیزیو
۲- قدیس یوحنا دمشقی
۳- مز ۱۳۰:۱
۴- ر.ک لوقا ۹:۱۸-۱۴
۵- روم ۸:۲۶
۶- قدیس آگوستین

«اگر بخشش خدا را می دانستی!»^۷ شگفتی نیایش در کنار چاه آب آشکار می شود، جایی که برای یافتن آب می آییم: عیسا به آن جا می آید تا تمام انسان ها را ملاقات کند. اول او ما را می جوید و از ما آب می خواهد. عیسا تشنه می شود، تقاضای وی از اعماق اشتیاق خدا برای ما برمی خیزد. چه درک کنیم و چه درک نکنیم، نیایش، ملاقات تشنگی خدا با ماست. خدا تشنه می شود تا ما نیز برای او تشنه گردیم.^۸

«تو از او خواهش می کردی و به تو آب زنده عطا می کرد»^۹. اگرچه این سخن به ظاهر متناقض می نماید اما نیایش و استغاثه ی ما جوابی به خواهش خدای زنده است. «مرا که چشمه ی آب حیاتم، ترک نموده و برای خود حوض ها کنده اند یعنی حوض های شکسته که آب را نگاه نمی دارد!»^{۱۰} نیایش، پاسخ ایمانی به وعده ی رایگان نجات و هم چنین جوابی از روی محبت به تشنگی پسر یگانه ی خداست.^{۱۱}



توضیح: عیسا، هنگام نیایش به سوی پدر می نگرد، و تنها در جای خلوت دعا می کند. شاگردانش، کمی دورتر ایستاده و با احترام او را می نگرند. پطرس روی خود را به سوی دیگر شاگردان برگردانده و او را که استاد دعای ما و راه ما به سوی او می باشد به آنها نشان می دهد.

«خداوندا، دعا کردن را به ما بیاموز» (لو ۱۱: ۱).

۷- یو: ۴: ۱۰

۸- قدیس آگوستین

۹- یو: ۴: ۱۰

۱۰- ار: ۲: ۱۳

۱۱- ر. ک. یو: ۷: ۳۷-۳۹: ۱۹: ۲۸: اش: ۱۲: ۳: ۵۱: ۱: زک: ۱۲: ۱۰: ۱۳: ۱۰

نیایش: عهد و پیمان

نیایش از کجا می‌آید؟ نیایش چه با کلماتی بیان شود و چه با حرکات بدنی، این کل وجود انسان است که نیایش می‌کند. کتب مقدسه گاهی جان یا روح، اما اغلب دل را (بیش از هزار بار) منبع و سرچشمه ی نیایش ذکر می‌کنند. طبق کتب مقدسه، دل است که نیایش می‌کند پس اگر دل ما از خدا دور باشد کلمات نیایش بیهوده و بی‌ثمر خواهند بود.

دل مسکونی است که در آن جا هستم و زندگی می‌کنم. طبق اصطلاحات زبان سامی یا کتاب مقدسی، ددل جایی است که «به سوی آن کشیده می‌شویم». دل مرکز مخفی وجود ماست، فراتر از آن چه استدلال ما و دیگران به آن جا دسترسی یابد، فقط روح خدا می‌تواند دل انسان را درک کند و آن را کاملاً بشناسد. دل، جایگاه تصمیم‌گیری است، عمیق‌تر از توانایی‌های ذهنی و روانی ما. دل، جایگاه حقیقت است، آن جا که مرگ یا زندگی را برمی‌گزینیم. دل، جایگاه دیدار است زیرا ما که مطابق صورت خدا آفریده شده‌ایم فقط در ارتباط با دیگران زنده هستیم. دل، جایگاه عهد و پیمان است.

نیایش مسیحی، رابطه ی پیمان بین خدا و انسان در عیسا است. نیایش، عمل دو جانبه‌ای از سوی خدا و از سوی انسان است که از طریق روح القدس و هم از سوی خود ما سرچشمه گرفته، در اتحاد با خواست انسانی پسر خدا که انسان گردید به سوی خدا هدایت می‌شود.

نیایش: مشارکت و مصاحبت

نیایش در عهد جدید، رابطه ی زنده‌ای میان فرزندان خدا با پدری می‌باشد که نیکویی اش فراتر از حد و اندازه بوده و نیز با پسرش عیسا مسیح و با روح القدس می‌باشد. فیض ملکوت خدا «اتحاد تثلیث ملوکانه ی اقدس... که با کل روح انسان برقرار می‌شود»^{۱۲} بنابراین، زندگی و پویایی نیایش، عادت به زندگی در حضور خدای سه بار قدوس و در مشارکت با اوست. این مشارکت و مصاحبت زندگی، همیشه ممکن است زیرا روح القدس به ما داده شده است. همراه با یکتا پسر خدای زنده نیایش می‌کنیم «ای پدر». بنابراین، نیایش و دعا در درجه ی اول کار یک نفر منزوی و تنها نیست بلکه کار روح القدس در ایمانداران است. اما با ماست که وسط سکوت و کوشش همکاری کرده و روح القدس را بپذیریم، که این کار یک عمر است (روم ۸: ۲۶).^{۱۳}

نیایش را زمانی نیایش مسیحی می‌خوانیم که در مشارکت با مسیح باشد و در سرتاسر کلیسا گسترش یابد، کلیسایی که بدن رازگونه مسیح است. دایره نیایش در همان دایره ی محبت مسیح خلاصه می‌شود.^{۱۴}



۱۲- قدیس گریگوری اهل نازیانوس

۱۳- ر. ک روم ۸: ۲۶؛ عبر ۷: ۲۵

۱۴- ر. ک افس ۳: ۱۸-۲۱

سوال برای تعمق بیشتر:

۱- آیا مکان مناسبی در خانه ی خود آماده کرده اید (مر ۱: ۳۵؛ لو ۱۹: ۴۶) و در آن جا از شمابلی با شمع استفاده می کنید؟ چرا؟

۲- در باره ی زمان نیایش: آیا بهترین یا برترین زمان را جهت نیایش به عنوان نوبر ایام خود انتخاب کرده اید؟ (لو ۱۸: ۱؛ ۲۱: ۳۶؛ افس ۶: ۱۸؛ ۱-تسا ۵: ۱۷؛ ۲-تسا ۱: ۱۱؛ کول ۱: ۹).

۳- طبق بعضی از رهنمودهای انجیل، باید همیشه نیایش کرد، ولی کدام نیایش را می توان همیشه در نظر گرفت، و کدام نیایش را باید در وقت مناسب انجام داد؟

۴- عیسا می فرماید: دعای خود را تکرار مکن (مت ۶: ۷)، چگونه این متن را با دعای دایم (لو ۱۲: ۶؛ ۱۸: ۱؛ ۲۱: ۳۶؛ افس ۶: ۱۸؛ ۱-تسا ۵: ۱۷) که در فوق اشاره شده است، که در ظاهر با یک دیگر در تضاد می باشند، تفسیر می نمایید؟ دلیل رهنمود عیسا در (مت ۶: ۷) چیست؟ آیا به کار بردن این جمله باید ما را منع نماید که توسط دعای قلب، همیشه با او بمانیم؟ (یو ۱: ۳۸-۳۹؛ ۶: ۵۶؛ ۸: ۳۵؛ ۱۵: ۴-۱۰؛ یو ۲: ۶، ۱۴، ۲۴، ۲۷-۲۸ و...).



فصل اول

مکاشفه ی نیایش

دعوت جهانی به نیایش

هم دعا از تو اجابت هم ز تو ایمنی از تو مهابت هم ز تو
(مثنوی، دفتر ۲، ۶۹۲)

انسان در جستجوی خداست. خدا در کار خلقت، تمام موجودات را از نیستی به هستی فرامی خواند. انسان که خدا «تاج جلال و اکرام آفرینش را بر سر او گذارد»، بعد از فرشتگان قرار دارد و قادر است به این شناخت برسد: «ای یهوه خداوند ما، چه شکوهمند است نام تو در تمامی زمین»^۱. انسان حتا بعد از این که بر اثر گناه، شباهت خود را با خدا تا اندازه ای از دست داد چون با عمل گناه، صمیمیت بشر با خدا زخمی شده است اما باز انسان به صورت خالق خویش باقی می ماند و اشتیاق خود را به کسی که او را به هستی فراخواند حفظ می نماید. تمام مذاهب شهادت می دهند که انسان ذاتاً در جستجوی خداست.^۲

اول خدا انسان را دعوت می کند. انسان شاید خالق خویش را فراموش کند یا خود را از روی او پنهان سازد، شاید دنبال بت ها بیفتد یا خدا را متهم کند که او را ترک کرده است، با این وجود، خدای زنده و حقیقی به صورتی خستگی ناپذیر هر شخصی را به آن ملاقات رازگونه که همان نیایش می باشد دعوت می کند. در نیایش، اقدام محبت آمیز خدای وفادار همیشه اول می آید، در واقع نخستین قدم ما همواره پاسخ است. هم چنان که خدا به تدریج خود را به انسان ظاهر می سازد. نیایش، هم چون دعوتی متقابل نمودار می گردد که بی شباهت به نمایش عهد نیست، این نمایش از طریق سخنان و اعمال، دل را متعهد می سازد و در سرتاسر تاریخ نجات خود را آشکار می کند.

۱- مز ۸: ۶: ۸

۲- ر. ک. ا. ۱۷: ۲۷

قسمت اول

نیایش در عهد عتیق

مکاشفه ی نیایش در عهد عتیق، مابین سقوط انسان و برخاستن وی قرار دارد یعنی مابین ندای مجزون خدا به اولین فرزندان: «کجا هستی... این چه کار است که کردی؟»^۳ و پاسخ پسر یگانه ی خدا در هنگام آمدن به جهان: «اینک می آیم تا اراده ی تو را ای خدا به جا آورم»^۴. نیایش با تاریخ زندگی انسان پیوند خورده است زیرا نیایش، ارتباط انسان با خدا در بستر وقایع تاریخی است. خلقت - سرچشمه ی نیایش

در مرحله ی اول، انسان در برخورد با پدیده های خلقت به نیایش می رسد. نه باب اول کتاب پیدایش این رابطه با خدا را همانند هدیه ی هابیل از نخست زادگان گله ی خویش و همانند نیایش اسم الاهی (یهوه) در زمان انوش و خنوخ که «با خدا راه می رفت»^۵ توصیف می کنند. قربانی نوح در نظر خدا التفات می یابد و خدا او را برکت می دهد و تمامی خلقت به واسطه ی او متبارک می شود زیرا دل او راست و عادل بود. نوح همانند انوش که قبل از وی زندگی می کرد «با خدا راه می رفت»^۶. این نوع نیایش را بسیاری از عادلان و صالحان همه ی ادیان انجام می دهند. خدا در عهد خلل ناپذیر خود با تمام موجودات زنده،^۷ همواره مردم را به نیایش فرا خوانده است. اما بالاتر از هر چیز و هر کس با پدر ما ابراهیم است که نیایش در عهد عتیق توسط او نمایان می شود.

وعده ی خدا و نیایش ایمان

وقتی خدا ابراهیم را دعوت کرد «چنان که خداوند به او فرموده بود»^۸ روانه می شود. دل ابراهیم کاملاً مطیع کلام خداست و از این رو اطاعت می کند. چنین توجه و بیداری قلبی که تصمیماتش طبق اراده ی خدا گرفته می شود برای نیایش ضروری است در حالی که کلمات و سخنان فقط در ارتباط با آن اهمیت می یابند. نیایش ابراهیم ابتدا به وسیله ی کارهایش بیان می شود: او که مرد سکوت و آرامش است در هر مرحله از مسافرتش مذبحی برای خداوند می سازد. فقط بعدها اولین نیایش ابراهیم از طریق کلمات ظاهر می شود: شکایتی در لفافه که وعده ی خدا را که ظاهراً هنوز به تحقق نپیوسته به او یادآوری می کند.^۹ بنابراین، یک جنبه ی مهم از نیایش دعا از همان ابتدا آشکار می شود: تجربه ی ایمان انسان به وفاداری خدا است.

۳- پید ۳:۹، ۱۳.

۷- پید ۱۲:۴.

۴- عبر ۵:۱۰، ۷.

۸- پید ۱۲:۴.

۵- ر.ک پید ۴:۴، ۲۶:۵، ۲۴.

۹- ر.ک پید ۱۵:۲ و آیات بعد.

۶- پید ۶:۹، ۸:۲۰، ۹:۱۷.

از آن جا که ابراهیم به خدا ایمان دارد و در حضور وی و در عهد با وی سلوک می نماید،^{۱۰} این پدر قوم برای استقبال و پذیرایی از مهمانی را از آمیز در خیمه اش آماده کرده است. مهمان نوازی عالی ابراهیم در بلوطستان ممری، مژده ی تولد پسر حقیقی وعده را پیشگویی می کند.^{۱۱} بعد از آن، وقتی خدا طرح خود را به طور محرمانه با وی در میان می گذارد، دل ابراهیم به مهربانی خدا نسبت به انسان ها آگاه می شود و جرأت می یابد تا با اعتمادی عمیق و سرشار برایشان شفاعت نماید.^{۱۳} خدا، در آخرین مرحله ی تصفیه ی ایمان ابراهیم که «وعده ها را پذیرفته بود» از وی می خواهد تا پسری را که خود به او داده بود قربانی کند. ایمان ابراهیم تضعیف نشد («خدا بره ی قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت») چون که «یقین داشت که خدا قادر به برانگیزاندن از مردگان است»^{۱۴} پس پدر ایمان داران به شباهت پدری که پسر یگانه ی خود را دریغ نمی دارد بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم خواهد کرد درمی آید.^{۱۵} نیایش، انسان را به شباهت خدا برمی گرداند و او را قادر می سازد که در قدرت محبت خدا که بسیاری را نجات می دهد شریک شود.^{۱۶} خدا وعده ی خود را بار دیگر برای یعقوب، جد دوازده قبیله ی بنی اسرائیل تجدید می کند.^{۱۷} یعقوب قبل از این که با برادر بزرگترش، عیسو مواجه شود تمام شب با شخصی اسرارآمیز کشتی می گیرد، شخصی که از گفتن نامش امتناع می ورزد اما قبل از این که در طلوع فجر او را ترک کند وی را برکت می دهد. سنت روحانی کلیسا، از این روایت، سمبل نیایش را به عنوان نبرد ایمان و پیروزی پشتکار و مقاومت باز می شناسد.^{۱۸}

موسا و نیایش شفاعت کننده

رفت موسا کاتش آرد او به دست آتشی دید او که از آتش برست
(مثنوی، دفتر اول)

هنگامی که وعده ها در حال تحقق یافتن بودند (گذر، خروج، عطیه ی شریعت و بستن عهد)، نیایش موسا برجسته ترین نمونه ی نیایش شفاعت می شود که در «شفیعی میان خدا و انسان یعنی انسانی که مسیح عیسا باشد»^{۱۹} به تحقق کامل خواهد پیوست. در این جا بار دیگر ابتکار عمل و شروع از جانب خداست. او از میان بوته ی مشتعل، موسا را ندا می کند.^{۲۰} این رویداد به عنوان نخستین نمونه ی واقعی نیایش در سنت روحانی یهودیان و هم مسیحیان مشترکاً باقی مانده است. وقتی «خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب» موسا را می خواند تا خادم او باشد به این خاطر است که او خدای زنده ای است که می خواهد انسان ها حیات داشته باشند.

- | | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| ۱۰- ر.ک پید ۱۵: ۶: ۱۷: ۱-۲. | ۱۶- ر.ک روم ۸: ۱۶-۲۱. |
| ۱۱- ر.ک پید ۱۸: ۱-۱۵: لو ۱۶: ۳۸. | ۱۷- ر.ک پید ۲۸: ۱۰: ۲۲. |
| ۱۲- ر.ک پید ۱۸: ۱۶: ۳۳. | ۱۸- ر.ک پید ۳۲: ۲۴-۳۰: لو ۱۸: ۸. |
| ۱۳- عبر ۱۱: ۱۷. | ۱۹- ۱- تیمو ۲: ۵. |
| ۱۴- پید ۲۲: ۸: عبر ۱۱: ۱۹. | ۲۰- خروج ۳: ۱-۱۰. |
| ۱۵- روم ۸: ۳۲. | |

خدا خود را برای نجات انسان‌ها مکشوف می‌سازد اگرچه این کار را به تنهایی یا علی‌رغم میل آنان انجام نمی‌دهد: خدا موسی را دعوت می‌کند تا پیامبر او باشد و در شفقت و مهربانی او یعنی در کار نجات مشارکت جوید. در این مأموریت نشانه‌هایی از عنصری آسمانی [اراده‌ی خدا] وجود دارد و فقط بعد از مباحثه‌ای طولانی، موسی می‌تواند خواسته‌های خود را با اراده‌ی خدای نجات‌دهنده هم آهنگ کند. اما در این گفتگوی صمیمانه که خدا و موسی با هم داشتند موسی نیز می‌آموزد که چگونه نیایش کند: او باز می‌ایستد، بهانه‌جویی می‌کند و بالاتر از همه، سؤال‌هایی می‌پرسد و به خاطر سؤال اوست که خدا اسم ناگفتنی خود را که از طریق اعمال محبت خدا آشکار خواهد شد به او می‌گوید.

«خداوند با موسی چهره به چهره سخن می‌گفت مثل کسی که با دوست خود سخن می‌گوید». ۲۱. نیایش موسی، نمونه‌ی نیایشی ژرف است که از طریق آن خادم خدا به مأموریتش وفادار می‌ماند. موسی بارها و به تفصیل با خدا گفتگو می‌کند، به بالای کوه می‌رود تا سخنان او را بشنود و از او راهنمایی می‌خواهد هنگام پایین آمدن از کوه سخنان خود را بازمی‌گوید و آنها را هدایت کند. موسی «در تمامی خانه‌ی من امین است، با وی روبه‌رو و آشکارا و نه در رمزها سخن می‌گویم» چون که «موسی مردی بسیار فروتن بود بیشتر از مردمانی که بر روی زمین اند». ۲۲.

موسی از این صمیمیت با خدای امین، دیرغضب، کثیرالاحسان و محبت‌۲۳ برای شفاعت خویش قدرت و اطمینان یافت «او به جهت خود نیایش نکرد بلکه برای قومی که خدا، وی را قوم خویش ساخته بود». موسی از قبل برای آنان در طی جنگ با عمالیقیان شفاعت و برای شفای میریام استغاثه می‌کند. ۲۴ اما عمدتاً بعد از روگردانی‌شان از خداوند است که موسی در حضور خدا «در شکاف صخره ایستاد» تا قوم را نجات دهد. ۲۵ مجادلات او در نیایش - زیرا شفاعت نیز نبردی اسرارآمیز است - این خود الهام بخش شهامت و دلیری شفاعت‌کنندگان بزرگ در میان قوم یهود و نیز در کلیسا خواهد بود: خدا محبت است پس او عادل و امین است. خدا نمی‌تواند خود را نقض کند، او باید کارهای شگفت خود را به یاد آورد زیرا جلال وی در میان توده‌ی مردم است و نمی‌تواند قومی را که اسم او را بر خود دارد ترک کند.

۲۱- خروج ۳:۱۱.

۲۲- اعد ۳:۱۲-۷:۸.

۲۳- ر. ک خروج ۳:۶.

۲۴- ر. ک خروج ۱۷:۸-۱۲:۱۲ اعد ۳:۱۴.

۲۵- مز ۱۰۶:۲۳:۱-۳۲:۱۰ ر. ک خروج ۱۰:۳۲-۳۴:۹.



استغاثه ی موسا، پیشمود استغاثه ی عیسا
خروج: ۲۳-۲۲:۵، ۱۱:۳۲-۱۴:۳۲، اعد: ۱۱:۲، ۱۴:۱۳-۱۹:۱۶، ۲۲:۱۶، ۲۱:۷؛
تث: ۹:۲۵-۲۹:۱؛ ار: ۱:۱۵؛ مز: ۹:۹۹، ۱۰:۶، ۲۳:۱۰۶

سوال برای تعمق بیشتر:

برای چه کسی نیایش و استغاثه کنیم؟

۱- موسا برای چه کسانی استغاثه کرد؟ و عیسا چطور؟ (لو: ۱۲:۶-۱۴:۹، ۱۸:۲۹، ۲۲:۳۲؛

۲۳:۲۳؛ یو: ۱۷:۹، ۲۰:۲؛ عبر: ۲:۱۳).

۲- بعضی از پدران کلیسا که در صحرا تنها زندگی می کردند، برای همه و حتا برای شیطان استغاثه می کردند،

در باره ی این رفتار چه تصویری دارید؟ (افس: ۱-۹، ۱۰:۱-۱۶:۲۰).

۳- خود شما برای چه کسی استغاثه می کنید؟ آیا فقط برای وابستگان خود، یا برای همگان (ر.ک مت: ۴۴:۵).



داود و نیایش پادشاه

نیایش قوم خدا در مکان حضور خدا، نخست در صندوقچه‌ی مقدس عهد (تابوت عهد) و سپس در معبد اورشلیم درخشیدن می‌گیرد. در آغاز، رهبران قوم - شبانان و انبیاء - نیایش را به آنان آموختند. سموئیل کودک، بایستی از مادرش حنا آموخته باشد که چگونه «در حضور خداوند بایستد» و هم چنین از عیلی کاهن که چگونه به کلام خداوند گوش دهد: «لبیک خداوندا، بنده ات می‌شنود». ۲۶ هم چنین سموئیل باید ارزش و ثمره‌ی شفاعت را نیز شناخته باشد: «اما من، حاشا از من که به خداوند گناه ورزیده ترک دعا کردن برای شما نمایم بلکه راه نیکو و راست را به شما تعلیم خواهم داد». ۲۷

داود، پادشاه به نیکوترین شکلی «مطیع خدا» است، چوپانی که برای قومش و به نام آنها نیایش می‌کند. اطاعت و فرمانبرداری او از خدا، سپاسگزاری و توبه‌اش نمونه‌ای عالی برای نیایش قوم خواهد شد. نیایش داود، نیایش مسیح خداوند، نشانی از اعتماد کامل به وعده‌خداست و بیانگر اعتمادی محبت‌آمیز و شادی بخش به خدا، که تنها پادشاه و خداوند می‌باشد. ۲۸ داود که در سرودن مزامیر از روح القدس الهام یافته بود، اولین نبی نیایش یهودی و مسیحی است. نیایش مسیح، پسر داود و ماشیح حقیقی، مفهوم این نیایش را آشکار کرده و تحقق خواهد بخشید.

بنای معبد اورشلیم یعنی خانه‌ی نیایشی که داود می‌خواست آن را بسازد به پسرش سلیمان سپرده خواهد شد. نیایش تقدیس معبد بر عهد و وعده‌ی خدا و نیز بر حضور فعال نام او در میان قومش تکیه دارد و اعمال عجیب او را در واقعه‌ی خروج را به یاد می‌آورد. ۲۹ پادشاه دست‌هایش را به سوی آسمان بلند می‌کند و از طرف خود، از طرف تمام قوم و نسل‌های آینده، برای بخشش گناهانشان و رفع احتیاجات روزانه‌شان عاجزانه از خدا طلب می‌کند تا امت‌ها بدانند که او یگانه خداست و دل قومش به تمام و کمال به وی تعلق دارد.

ایلیا، انبیا و توبه‌ی قلبی

معبد، جایگاهی برای تعلیم نیایش جهت قوم خدا بود: زیارت‌ها، جشن‌ها و قربانی‌ها، تقدیمی زمان غروب، بخور و نان تقدمه (نان فطیر تبرک شده) که تمامی این نشانه‌های قدوسیت و جلال خدای حضرت اعلا که کاملاً نزدیک است، درخواست‌ها و شیوه‌های نیایش بودند. اما تشریفات گرایی غالباً پرستش ظاهری را تشویق و تقویت می‌کرد. قوم، نیازمند تعلیماتی در ایمان و توبه‌ی قلبی بودند و این کار مأموریت انبیای هم قبل از تبعید و هم بعد از آن را تشکیل می‌داد.

ایلیا، (پدر) انبیا «طبقه‌ی طالبان او، طالبان روی توای خدای یعقوب» ۳۰ می‌باشد. نام ایلیا که به معنای «خداوند خدای من است» فریاد قوم را در پاسخ به نیایش وی بر کوه کرمل پیشگویی می‌کند. ۳۱ حضرت یعقوب رسول برای تشویق ما به نیایش، به نمونه‌ی ایلیا اشاره می‌کند: «دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد». ۳۲

۲۶-۱ سمو ۳:۹-۱۰:۱ ر.ک ۱:۹-۱۸،

۲۷-۱ سمو ۱۲:۳۲.

۲۸-ر.ک ۲ سمو ۷:۱۶-۲۹/

۲۹-۱ پاد ۱۰:۸۵-۱۶/

۳۰-مز ۲۴:۶/

۳۱-۱ پاد ۱۸:۳۹/

۳۲-یع ۵:۱۶-۱۸/

ایلیا پس از این که در خلال انزوا و تنهایی اش در وادی کریت، رحمت را آموخت، به بیوه ی صرفه صیدون تعلیم می دهد که به کلام خدا ایمان آورد و ایمان زن را با نیایش مصرانه اش تصدیق می نماید: خدا، فرزند بیوه زن را به او باز می گرداند و حیات دوباره می بخشد.^{۳۳} قربانی بر کوه کرمل، امتحانی تعیین کننده و قاطع برای ایمان قوم خداست. در جواب دعای ایلیا «مرا اجابت فرمای خداوند، مرا اجابت فرما»، آتش از جانب خداوند فرود آمده، قربانی سوختنی را به هنگام گذرانیدن هدیه ی عصر می سوزاند. آیین نیایش کلیساهای شرق، استغاثه ی ایلیا را در دعای نزول روح القدس در عشای ربانی تکرار می کند.

سرانجام، ایلیا همانند موسا که قبل از او این تجربه را داشت درحالی که راه بیابان را در پیش می گیرد دو در «شکاف صخره» مخفی شود تا حضور رازگونه خدا عبور کند، تا خدای زنده و حقیقی خود را به قومش ظاهر سازد کند.^{۳۴} اما فقط موسا و ایلیا است که بر کوه تجلی آشکارا چهره ی بی نقاب کسی را که در جستجویش بودند یعنی؛ «نور معرفت جلال خدا در چهره ی عیسی مسیح» مصلوب و برخاسته [می درخشد] می بینند.^{۳۵}

انبیا در برخورد «فرد فرد» خود با خدا، نور و توانایی برای انجام رسالت خویش می گیرند. نیایش آنان فرار از این دنیای بی وفا و بی ایمان نیست بلکه توجه به کلام خداست. گاهی نیایش انبیا، مجادله یا شکایت است اما عمدتاً شفاعتی است که در انتظار مداخله ی خدای نجات دهنده و خداوند تاریخ و آماده نمودن مقدمات این مداخله است.^{۳۶}

مزامیر، نیایش جمعی

از زمان داود تا آمدن ماشیح، متونی در کتب مقدسه پدیدار شدند که نشان دهنده ی تعمق بیشتر در نیایش اشخاص و نیایش جمعی است.^{۳۷} بنابراین، مزامیر به تدریج در پنج کتاب سرود (یا «سپاسگزاری») گردآوری شدند که شاهکار نیایش در عهدعتیق هستند.

مزامیر، نیایش قوم خدا را که در خلال اعیاد بزرگ در اورشلیم و روزهای سبت در کنیسه ها جمع می شدند تقویت و بیان می کردند. نیایش آنها چه به صورت فردی و گروهی از یک دیگر جدایی ناپذیر هستند زیرا علاوه بر کسانی را که درحال نیایش هستند، تمام انسان های دیگر را مورد توجه قرار می دهد. مزامیر از دل مشارکت های سرزمین مقدس و یهودیان پراکنده نشأت گرفت اما در نهایت تمام خلقت را در برمی گیرد. نیایش مزامیر، وقایع نجات بخش گذشته را یادآوری می کند با این وجود، تا آینده و حتا تا پایان تاریخ نیز گسترش می یابد، وعده های خدا را که قبلاً داده شده اند

۳۳- ر.ک ۱-پاد ۱۷:۷-۲۴

۳۴- ر.ک ۱-پاد ۱۹:۱۴-۱۹:۳۳ خروج ۲۳-۱۹

۳۵- ۲-قرن ۴:۶؛ ر.ک لو ۹:۳۰-۳۵

۳۶- ر.ک عا ۷:۵ و ۲:۵؛ اش ۶:۸ و ۱۱:۱۱؛ ار ۱:۶؛ ۱۵:۱۵-۱۸؛ ۲۰:۱۸

۳۷- عز ۹:۶-۱۵؛ نوح ۱:۴-۱۱؛ یون ۲:۳-۱۰؛ طو ۱۱:۳-۱۶؛ یهودیت ۹:۲-۱۴

به یاد می آورد و منتظر عیسیای مسیح می ماند که این وعده ها را به صورتی قاطع و نهایی تحقق خواهد بخشید. مزامیر که عیسا نیز با آنها دعا می کرد و در او تحقق یافتند، و برای نیایش کلیسا هم چنان اساسی باقی می مانند.

کتاب مزامیر کتابی است که در آن کلام خدا نیایش انسان می گردد. در دیگر کتاب های عهد عتیق، «کلمات» کارهای [خدا] را اعلام می کنند و راز نهفته در خود را روشن می نمایند. کلمات مزمور نویس که برای خدا سروده شده اند، علاوه بر ستایش خداوند کارهای نجات بخش خدا را هم بیان می کنند. یک روح هم کار خدا و هم جواب انسان را الهام می بخشد. عیسا این دو را یکی خواهد ساخت. مزامیر در عیسا به ما تعلیم می دهند که چگونه نیایش کنیم.

گونه های متنوع و زیاد نیایش های کتاب مزامیر هم در آیین نیایش معبد و هم در دل انسان شکل می گیرد. در مزامیر چه سروده ها، نیایش های ندبه سپاسگزاری های، شخصی یا جمعی، چه سروده های سلطنتی یا سروده های زیارتی یا تعمق های حکیمانه باشند، آینه ی کارهای شگفت خدا در تاریخ قوم خود هستند و در عین حال بازتاب تجارب انسانی مزمور نویس نیز می باشند. اگرچه مزامیر ممکن است بازتاب وقایع گذشته باشند اما از چنان سادگی و روانی برخوردارند که مردمان تمام دوران ها و شرایط گوناگون می توانند آنها را در دعای خود به کار ببرند.

برخی ویژگی های ثابت که در سرتاسر مزامیر به وضوح دیده می شوند: مانند سادگی فی البداهه بودن نیایش، اشتیاق برای خود خدا از طریق و با تمام نیکویی های که در خلقت وی می باشد؛ وضعیت اندوهبار ایمان داری که با انتخاب محبت خود خدا، در معرض هجوم دشمنان و وسوسه ها قرار دارد اما در اطمینان از محبت خدا را انتظار می کشد که از طریق محبت و تسلیم اراده ی خدای امین انجام می شود. نیایش مزامیر همیشه با سپاسگزاری قدرت می گیرد و به این دلیل است که عنوان این مجموعه همان گونه که به دست ما رسیده است کاملاً گویا و برازنده آن است: «سپاسگزاری ها». کتاب مزامیر که به منظور پرستش دسته جمعی گردآوری شده، هم به نیایش دعوت می کند و هم جواب این دعوت را می سراید: هلولویا! «خداوند را حمد گوید!»

چه چیزی دلپسندتر از یک مزمور است؟ داود این را به خوبی بیان می کند: «خداوند را با سرودها و مزامیر بسرایید. خدای ما را با شادی و فیض حمد گوید!». آری، مزمور برکتی در دهان قوم، ستایش خدا، تجلیل جماعت، تحسین و شادی عمومی، سخنی که برای همه گفته می شود، ندای کلیسا و اعتراف ایمان با سرود است. ۳۸

خلاصه

«نیایش روی آوردن انسان با فکر و دل به سوی خدا یا طلب چیزهای نیکو از خداست». (قدیس یوحنا دمشقی)

خدا تمام انسان‌ها را به شیوه‌ای خستگی‌ناپذیر به ملاقات رازگونه با خود دعوت می‌کند. نیایش در سرتاسر تاریخ نجات هم چون دعوتی متقابل بین خدا و انسان آشکار می‌شود.

نیایش ابراهیم و یعقوب هم چون نبرد ایمان جلوه‌گر شد که مشخصه‌ی آن اعتماد به خدا و اطمینان به وعده‌های او در مورد پیروزی موعود پشتکار و پایداری است.

نیایش موسا به ابتکار خدای زنده برای نجات قومش جواب می‌دهد. نیایش وی شفاعت یگانه میانجی ما عیسای مسیح را پیشگویی می‌کند.

نیایش قوم خدا در سایه‌ی مسکن حضور او بر زمین یعنی صندوقچه‌ی مقدس عهد و معبد اورشلیم، تحت هدایت شبانان مخصوصاً داود پادشاه و انبیا درخشیدن گرفت.

انبیا قوم را به توبه‌ی قلبی فرا می‌خوانند و هنگامی که با غیرت چهره‌ی خدا را می‌طلبند همانند ایلیا برای قوم شفاعت می‌کنند.

مزامیر شاهکار نیایش عهدعتیق هستند. مزامیر از دو ویژگی جدایی‌ناپذیر برخوردارند یعنی نیایش شخصی و نیایش جمعی. مزامیر در تمام ابعاد تاریخ گسترش می‌یابند، وعده‌های خدا را که قبلاً تحقق یافته‌اند یادآوری می‌کنند و در انتظار آمدن ماشیح می‌باشند.

مزامیر که عیسا در دعای خود به کار می‌برد و در او نیز تحقق یافتند، یکی از عناصر الزامی و دائمی نیایش کلیسا هستند و در هر دوره و هر شرایطی برای انسان مناسب می‌باشند.



قسمت دوم در کاملیت زمان

بار غمی که خاطر ما خسته کرده بود عیسا دمی خدا فرستاد و برگرفت

(حافظ)

روند نیایش در کلمه ای که تن گرفت و در میان ما ساکن شد کاملاً برابیمان مکاشفه شد. تلاش برای شناخت و نیایش وی از طریق آنچه شاهدانش در انجیل برای ما اعلام می کنند شیوه ای است برای نزدیکی به عیسا خداوند قدوس، همان طور که درباره ی بوتی مشتعل انجام داد: ابتدا با نیایش در او تفکر و تأمل کنیم، سپس به تعالیم وی در مورد نیایش گوش فرا می دهیم تا بدانیم چگونه نیایش ما را می شنود.

عیسا نیایش می کند

پسر خدا که پسر مریم عذرا گردید در دل انسانی خود آموخت که نیایش کند. او [دعا کردن را] از مادرش می آموزد، مادری که کارهای عظیم قادر مطلق را در دل خود نگاه می داشت و هم چون گنجینه ای حفظ می کرد.^{۳۹} عیسا یاد می گیرد با کلمات و نواهای نیایش قوم خویش در کنیسه ی ناصره و معبد اورشلیم دعا کند. اما نیایش وی از سرچشمه ی رازآمیز دیگری نشأت می گیرد همان گونه که در سن دوازده سالگی به طور رازگونه می گوید: «باید من در خانه ی پدرم باشم».^{۴۰} در همین جا، تازگی و طراوت نیایش در کاملیت زمان شروع به ظاهر شدن می کند: نیایش فرزندی که پدر از فرزندان انتظار دارد سرانجام توسط پسر یگانه در انسانیتش، به جهت انسان ها و با آنان حیات می گیرد. انجیل لوقای قدیس بر کار روح القدس و مفهوم نیایش در رسالت عیسا تأکید می کند. عیسا قبل از لحظات حساس و تعیین کننده ی رسالتش، نیایش می کند: قبل از شهادت، پدر درباره ی او در طی تعمید و تجلی و قبل از انجام طرح محبت پدر که با رنج و عذاب خویش به کمال رساند باز نیایش می کند.^{۴۱} عیسا هم چنین قبل از لحظات مهمی که با رسالت شاگردانش سروکار دارد نیایش می کند: در انتخاب و دعوت دوازده رسول، قبل از ابراز ایمان پطرس مبنی بر این که او «مسیح خدا» است و نیز نیایش به جهت آن که ایمان رهبر شاگردان به هنگام وسوسه از بین نرود باز نیایش می کند.^{۴۲} نیایش عیسا قبل از وقایع نجات که پدر از او خواسته بود تا به عمل آورد، اطاعت فروتنانه و مبنی بر اعتماد اراده ی انسانی وی نسبت به اراده ی پدر است.

«هنگامی که او در موضعی دعا می کرد چون فارغ شد یکی از شاگردانش به وی گفت: خداوندا دعا کردن را به ما تعلیم نما»^{۴۳} شاگرد عیسا نیز به هنگام مشاهده ی استاد خود در دعا، تمایل به دعا کردن دارد. با تفکر و گوش دادن به پسر، استاد دعا، فرزندان می آموزند که به پدر خود دعا کنند.

۳۹- ر.ک لو ۱: ۴۹: ۲: ۱۹: ۲: ۵۱. ۴۲- ر.ک لو ۶: ۱۲: ۹: ۱۸: ۲۰- ۲۲: ۴۱- ۴۴.

۴۰- لو ۱۱: ۱.

۴۱- لو ۲: ۴۹.

۴۲- ر.ک لو ۳: ۲۱: ۹: ۲۸: ۲۲: ۳۲.

عیسا اغلب برای دعا در خلوت، بر کوه و ترجیحاً در شب می‌رفت.^{۴۴} او تمام انسان‌ها را در دعای خود به یاد می‌آورد زیرا در راز تن‌گیری خویش، انسانیت را به خود گرفت و به هنگام تقدیم خود به پدر، همه‌ی انسان‌ها را تقدیم می‌کند. عیسا، کلمه‌ای که جسم گردید، با نیایش انسانی خود در تمام تجربه‌های «برادرانش» شریک می‌شود، و با ضعف‌هایشان همدردی می‌کند تا آنها را نجات دهد.^{۴۵} به این خاطر بود که پدر او را فرستاد. سخنان و اعمال وی اعلام آشکار نیایش‌های وی در خلوت هستند.

انجیل‌نگاران، حداقل دو دعا از عیسا را که در طی رسالت عمومی خود روشن‌تر از بقیه تعلیم داده بود روایت کرده‌اند. که هریک با سپاسگزاری شروع می‌شود. در ابتدا عیسا به پدر شهادت می‌دهد، از او سپاسگزاری می‌کند و او را مبارک می‌خواند زیرا رازهای ملکوت را از کسانی که می‌اندیشند دانا هستند پنهان کرده و آنها را به کودکان و فقیرانی که در مژده‌های سعادت جاودانی (خوشابه‌حال‌ها) ذکر شده‌اند آشکار نموده است.^{۴۶} فریاد حاکی از شادی وی «بلی ای پدر!» بیانگر ژرفای قلب او، با «خشنودی» پدر، بازتاب رضایت مادرش به هنگام دریافت فیض خدا و پیش‌گویی آن چه به هنگام اندوه به پدر خواهد گفت می‌باشد. کل دعای عیسا در اطاعت محبت‌آمیز قلب انسانی او به راز اراده‌ی پدر جای دارد مشهود است.^{۴۷}

حضرت یوحنا، دعای دوم، یعنی دعای قبل از رستاخیز ایلعازر را روایت کرده است.^{۴۸} پیش از این واقعه عیسا سپاسگزاری می‌کند: «ای پدر تو را شکر می‌کنم که سخن مرا شنیدی» که مفهوم ضمنی آن این است که پدر همیشه دعا‌های او را می‌شنود. عیسا بلافاصله گفت: «من می‌دانستم که همیشه سخن مرا می‌شنوی» یعنی این که عیسا دائماً چنین درخواست‌هایی می‌کند. دعای عیسا که سپاسگزاری از ویژگی‌های آن است به ما نشان می‌دهد که چگونه بطلبیم: قبل از این که عطیه‌ای داده شود، عیسا خود را به کسی که خویشتن را به وی می‌دهد در صمیمیت ارتباط برقرار می‌کند مطیع می‌سازد. چرا که اعطاکننده عطیه‌ای ارزشمندتر از آن چه که طلبیده به ما خواهد داد، او «گنج» است، دل‌پسرش در او ساکن می‌باشد. عطیه نیز «مزید» می‌شود.^{۴۹}

نیایش کهنانته عیسا در کار تدارک نجات، جایگاهی منحصر به فرد دارد.^{۵۰} تعمق بر این نیایش ما را به نتیجه‌گیری بخش اول می‌رساند. این نیایش، قربانی دائمی کاهن اعظم ما را آشکار می‌سازد و در عین حال در بردارنده‌ی تعالیم وی به ما درباره‌ی پدر است که در آخر این کتاب به تفصیل بحث می‌شود.

۴۴- ر.ک مر ۱:۳۵؛ ۶:۴۶؛ لو ۵:۱۶.

۴۵- ر.ک عبر ۲:۱۲؛ ۱۵:۴؛ ۱۵:۱۵.

۴۶- مت ۱۱:۲۵-۲۷؛ لو ۱۰:۲۱-۲۳.

۴۷- ر.ک افس ۱:۹.

۴۸- ر.ک یو ۱۱:۴۱-۴۲.

۴۹- مت ۶:۲۱، ۳۳.

۵۰- ر.ک یو ۱۷.

وقتی که ساعت عیسا برای تمام کردن طرح محبت پدر نزدیک می شد، به عمقی بی حد و مرز در دعای فرزندى محبت خود را آشکار می سازد. نه تنها قبل از این که خود را تسلیم کند («ای ابا، ای پدر لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده ی تو») ۵۱ بلکه حتا در آخرین سخنانش بر صلیب، جایی که نیایش و قربانی اش یکی بیش نیستند: «ای پدر اینها را بیامرز زیرا که نمی دانند چه می کنند» ۵۲، «هر آینه به تو می گویم امروز با من در فردوس خواهی بود» ۵۳، «ای زن اینک پسر تو»، «اینک مادر تو» ۵۴، «تشنه ام» ۵۵ «الاهی، الاهی، چرا مرا واگذاری» ۵۶، «تمام شد» ۵۷ «ای پدر به دست های تو روح خود را می سپارم» ۵۸ تا «فریادی بلند» که می میرد و روح خود را تسلیم می کند. ۵۹

تمام مشکلات همیشگی انسانی که در اسارت گناه و مرگ بود، تمام خواهش ها و شفاعت های تاریخ نجات در این فریاد کلمه ی تن گرفته خلاصه شد. در این جا پدر همه ی آنها را می پذیرد و ماورای تمام امیدها، آنها را با رستاخیز پسرش جواب می دهد. بنابراین، روند نیایش در تدارک خلقت و نجات انجام می شود و به تکامل می رسد. کتاب مزامیر، کلید نیایش در عیسا را به ما می دهد. پدر در «امروز» رستاخیز چنین می گوید: «تو پسر من هستی، امروز تو را تولید کردم. از من درخواست کن و من امت ها را به میراث تو خواهم داد و اقصای زمین را ملک خاص تو خواهم گردانید». ۶۰

نامه به عبرانیان با اصطلاحات نمایشی بیان می کند که چگونه نیایش عیسا، پیروزی نجات را کامل می کند. «عیسا در ایام بشریت خود چون که با فریاد شدید و اشک ها نزد او که به رهانیدنش از موت قادر بود تضرع و دعای بسیار کرد و به سبب تقوای خویش مستجاب گردید. هرچند پسر بود به مصیبت هایی که کشید اطاعت را آموخت و کامل شده جمیع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت». ۶۱

عیسا دعا کردن را به شاگردان تعلیم می دهد

ما به گفتار خودت خو کرده ایم ما ز شیر حکمت تو خورده ایم
(مثنوی، دفتر اول، ۵۶۰)

عیسا، ضمن دعا کردن به ما تعلیم می دهد که چگونه دعا کنیم. راه نیایش ما همان نیایش او به پدرش است، نیایشی مملو از ایمان، امید و محبت. اما انجیل تعلیم صریح و روشن عیسا را در باب دعا برای ما بیان می کند. او همانند معلمی خردمند ما را در هر جایی که هستیم می پذیرد و به تدریج ما را به سوی پدر راهنمایی می کند و سوق می دهد. عیسا در موعظه ی خود به جمعیتی که پیرامونش را

۵۱- لو ۲۲:۴۲	۵۷- یو ۱۹:۳۰
۵۲- لو ۲۳:۳۴	۵۸- لو ۲۳:۴۶
۵۳- لو ۲۳-۴۳	۵۹- ر. ک مر ۱۵:۳۷؛ یو ۱۹:۳۰
۵۴- یو ۱۹:۲۶-۲۷	۶۰- مز ۷:۸-۷:۸؛ ر. ک اع ۱۳:۳۳
۵۵- یو ۱۹:۳۰	۶۱- عبر ۷:۵-۷:۹
۵۶- مر ۱۵:۳۶؛ ر. ک مز ۲۲:۲	

گرفته بودند تعالیم خود را بر درک آنان از نیایش عهدعتیق بنا می‌کند و تازگی و طراوت ملکوت آینده را برایشان بازگو می‌نماید. سپس این تازگی را در مثل‌ها به ایشان مکشوف می‌سازد. سرانجام با شاگردانش به صراحت از پدر و روح القدس سخن می‌گوید، شاگردانی که تعلیم دهندگان نیایش در کلیسا خواهند بود.

عیسا، بعد از موعظه بر روی کوه، بر توبه ی قلبی اصرار می‌ورزد: آشتی با برادر خود قبل از گذرانیدن قربانی بر قربانگاه، محبت کردن دشمنان و دعا برای جفا کنندگان، دعا به پدر در خلوت، تکرار باطل نکردن، بخشش دیگران از ته دل، طهارت قلبی و طلبیدن ملکوت قبل از هر چیز دیگر. ۶۲ این بازگشت فرزندگونه، کاملاً به سوی پدر جهت‌گیری شده است.

دل انسان، زمانی که کاملاً توبه کند، دعا کردن در ایمان را می‌آموزد. ایمان، پیوند فرزندگی با خداست که ماورای احساس و فهم ما می‌باشد. چنین چیزی ممکن است چون که پسر محبوب، ما را قادر می‌سازد به پدر دسترسی داشته باشیم. او می‌تواند از ما بخواهد که «بطلبیم» و «بگوییم» زیرا او خود، در و راه است. ۶۳

درست همان‌گونه که عیسا به پدر دعا می‌کند و قبل از دریافت عطایایش او را سپاس می‌گذارد، شجاعت و غیرت فرزندگی را به ما تعلیم می‌دهد: «آن‌چه در عبادت سؤال می‌کنید یقین بدانید که آن را یافته اید و به شما عطا خواهد شد». ۶۴ قدرت دعا و ایمان چنان است که نباید در آن تردید نمود: «مؤمن را همه چیز ممکن است». ۶۵ عیسا همان‌طور که از «بی‌ایمانی» نزدیکانش و «کم‌ایمانی» شاگردانش ۶۶ محزون است به همان‌گونه ایمان عظیم افسر رومی و زن کنعانی ۶۷ را تحسین می‌کند. دعای ایمان نه تنها در «خداوند، خداوند» گفتن است بلکه در تسلیم دل به انجام اراده پدر می‌باشد. ۶۸ عیسا شاگردانش را دعوت می‌کند تا در دعای خود به همکاری با طرح الهی توجه کنند. ۶۹

در عیسا «ملکوت خدا نزدیک است». ۷۰ او شنوندگانش را به توبه و ایمان و هم‌چنین به هشیاری و بیداری فرا می‌خواند. شاگرد عیسا در دعا متوجه کسی می‌باشد که هست و به یادبود آمدن اولش در فروتنی جسم و در امید بازگشت ثانوی او در جلال به انجام می‌رسد. ۷۱ دعای شاگردان در پیوند با دعای استاد خود یک نبرد است، تنها با بیداری و مراقبت در دعا می‌توان از افتادن در وسوسه و امتحان جلوگیری کرد. ۷۲

۶۲- ر.ک مت ۵:۲۳-۲۴:۴۴-۴۵:۷:۶:۱۴-۱۵:۲۱:۲۵:۳۳. ۶۸- ر.ک مت ۷:۲۱.

۶۳- ر.ک مت ۷:۷-۱۱:۱۳-۱۴. ۶۹- ر.ک مت ۹:۳۸: لو ۱۰:۲: یو ۴:۳۴.

۶۴- مر ۱:۲۴.

۶۵- مر ۹:۲۳: ر.ک مت ۲۱:۲۲. ۷۱- ر.ک مر ۱۳: لو ۲۱:۳۴-۳۶.

۶۶- ر.ک مر ۶:۶: مت ۸:۲۶. ۷۲- ر.ک لو ۲۲:۴۰: ۴۶.

۶۷- ر.ک مت ۸:۱۰، ۱۵:۲۸.

لوقا سه مثل اصلی درباره‌ی دعا برای ما بیان کرده است:

- اول، مثل «دوست مُصر»^{۷۳} ما را به مداومت در دعا دعوت می‌کند: «بگوید و برای شما باز خواهد شد». پدر آسمانی کسی را که بدین صورت دعا کند «تمام حاجات وی را عطا می‌کند» و بالاتر از همه، روح القدس را که در بردارنده تمام نعمت هاست خواهد بخشید، که همه‌ی عطاهای دیگر را در بردارد.
- دوم، مثل «بیوه زن سمح»^{۷۴} بر یکی از ویژگی‌های دعا متمرکز شده است: می‌باید همیشه و بی وقفه دعا کنیم و در ایمان پایدار باشیم. «لیکن چون پسران آید آیا ایمان را بر زمین خواهد یافت؟»
- سوم، مثل «فریسی و باجگیر»^{۷۵} هر که با فروتنی دل دعا کند مورد توجه قرار می‌دهد. «خدایا بر من گناهکار ترحم فرما!» کلیسا این دعا را دعای خود ساخته است: «*Kyrie eleison*»

وقتی عیسا، راز دعا به پدر را آشکارا به شاگردانش می‌گوید به ایشان مکشوف می‌سازد که دعای آنها و نیز دعای ما زمانی که وی در انسانیت جلال یافته‌ی خود به سوی پدر باز خواهد گشت چگونه باید باشد. آن چه تازگی دارد این است که «به اسم او طلب کنیم».^{۷۶} ایمان به پسر، شاگردان را به معرفت پدر می‌رساند زیرا عیسا «راه و راستی و حیات»^{۷۷} است. ثمره‌ی ایمان در محبت دیده می‌شود: یعنی کلام و فرمان‌های عیسا را رعایت کنیم، یعنی با او در پدر ساکن شویم، پدری که در او ما را چنین محبت می‌کند که در ما ساکن می‌شود. در این عهد نوین، بنیان این اطمینان که خواهش‌های ما شنیده خواهد شد بر دعای عیسا استوار است.^{۷۸}

علاوه بر این، وقتی دعای ما با دعای عیسا یکی می‌شود پدر به ما «مدافعی دیگر عطا خواهد کرد تا همیشه با ما بماند یعنی روح راستی».^{۷۹} این بُعد جدید دعا و پیامدهای آن در سرتاسر موعظه‌ی وداع^{۸۰} نشان داده شده است. دعای مسیحی در روح القدس، مشارکت با پدر است، نه تنها از طریق عیسا بلکه نیز در او: «تاکنون به اسم من چیزی طلب نکردید، بطلبید تا بیابید و خوشی شما کامل گردد».^{۸۱}

عیسای ما را می‌شنود و اجابت می‌کند

ترجمانی هر چه ما را در دل است دست‌گیری هر که پایش در گل است

(مثنوی، اول، ۹۸)

دعا به صورت درخواست از عیسا از قبل طی رسالتش، از طریق نشانه‌های که پیش درآمد قدرت مرگ و رستاخیزش بودند اجابت شده است: عیسا دعای ایمان را می‌شنود، دعاهایی که به زبان آورده شدند (جدامی، یا ئیروس، زن کنعانی و دزد نادم)^{۸۲} یا در سکوت ابراز شدند (حاملان مرد مفلوج، زنی که مبتلا به خونریزی بود و ردای عیسا را لمس کرد، اشک‌ها و عطر زن گناهکار).^{۸۳} خواهش مبرم و مصرانه‌ی دو مرد کور «پسر داود بر من ترحم کن» یا «ای عیسا، پسر داود، بر من ترحم فرما!»^{۸۴} این نیایش در سنت کلیسا به صورت دعا به عیسا مشهود است: «خداوند عیسا ی مسیح،

۷۳- لو ۵:۱۱-۱۳. ۷۴- ر.ک لو ۱:۸-۸. ۷۵- ر.ک لو ۹:۱۸-۱۴. ۷۶- یو ۱۴:۱۳. ۷۷- ر.ک مر ۱:۴۰-۴۱:۵:۳۶:۷:۲۹:۷. ر.ک لو ۲۳:۳۹-۴۳. ۷۸- ر.ک مر ۲:۵:۲۸:۵:۲۸:۷:۳۷-۳۸. ۷۹- یو ۱۴:۱۶-۱۷. ۸۰- ر.ک یو ۱۴:۲۳، ۱۵:۷، ۱۶:۱۶-۱۳:۱۵، ۲۳-۲۷. ۸۱- یو ۱۶-۲۴. ۸۲- ر.ک مر ۱:۴۰-۴۱:۵:۳۶:۷:۲۹:۷. ر.ک لو ۲۳:۳۹-۴۳. ۸۳- ر.ک مر ۲:۵:۲۸:۵:۲۸:۷:۳۷-۳۸. ۸۴- ر.ک یو ۱۴:۱۳-۱۴.

پسر خدا بر من گناهکار ترحم فرما!» عیسا با شفا دادن بیماری‌ها و بخشیدن گناهان، همیشه به دعایی که در ایمان کرده شود جواب می‌دهد: «ایمانت تو را شفا داده است، به سلامتی برو». آگوستین قدیس، این سه بُعد از دعای عیسا را به طرز باشکوهی چنین خلاصه می‌کند: «او به عنوان کاهن اعظم ما برای ما دعا می‌کند، به عنوان سر ما در ما دعا می‌کند و ما به او هم چون خدای خود دعا می‌کنیم. بنابراین، بیایید صدای او را در خودمان و صدای خود را در او باز شناسیم».

نیایش مریم عذرا

نیایش مریم در سپیده دم کاملیت زمان برای ما آشکار شده است. دعای او قبل از تن‌گیری پسر خدا و قبل از نزول روح القدس، به روشی منحصر به فرد با طرح محبت و رحمت پدر همکاری می‌کند: در هنگام اعلام مژده ی لقاح عیسا، در هنگام پنطیکاست به جهت شکل‌گیری کلیسا که بدن عیسی است.^{۸۵} موهبت خدا در ایمان کنیز فروتنش، رضایتی را که او از ابتدای عالم انتظار می‌کشید به دست می‌آورد. مریم که قادر مطلق وی را «سرشار از نعمت» ساخت با تقدیم تمام وجود خویش، جواب می‌دهد: «اینک کنیز خداوندم، مرا بر حسب سخن تو واقع شود». «*Fiat*» (آری گفتن مریم به فرشته) نیایش مسیحی است: تا همه چیز از آن خدا باشد زیرا او کاملاً از آن ماست.

انجیل برای ما بیان می‌کند که مریم چگونه دعا می‌کند و در ایمان شفاعت می‌نماید. در قانا^{۸۶}، مادر عیسا از پسرش در مورد نیازهای جشن عروسی درخواست می‌کند. این جشن، نشان جشن دیگری است، جشن عروسی بره که تن و خون خود را به خواهش کلیسا، که عروسی می‌باشد، می‌دهد. این ساعت عهدجدید است، در پای صلیب^{۸۷} که مریم، نام خود یعنی زن، حوای جدید، «مادر واقعی تمام زندگان» را می‌شنود.

به این دلیل است که سرود مریم،^{۸۸} *Magnificat* (لاتین) یا *Megalynai* (بیزانتین) هم سرود مادر خدا و هم سرود کلیساست، سرود دختر صهیون و قوم جدید خدا، سرود سپاسگزاری برای پری فیض و نعمت‌هایی که در کارنجات داده شدند و سرود «درماندگی» که امیدشان با کامل شدن و انجام وعده‌های پدرانمان به تحقق پیوسته است، وعده‌هایی که «به ابراهیم و ذریت وی تا ابدالابد» داده شده‌اند.

۸۴-مت ۹: ۲۷؛ مز ۱۰: ۴۸/

۸۵-لو ۱: ۳۸؛ اعا ۱: ۱۴/

۸۶-ر.ک یو ۲: ۱-۱۲/

۸۷-ر.ک یو ۱۹: ۲۵-۲۷/

۸۸-ر.ک لو ۱: ۴۶-۵۵/

خلاصه

نیایش فرزندى عیسا الگوى كامل نیایش در عهد جدید است، نیایش عیسا كه اغلب در خلوت و در خفا انجام می شد با اراده ی پدر مطابقتی بر مبنای محبت دارد، حتی تا صلیب و اطمینانی قوی به اینکه اجابت خواهد شد. عیسا در تعالیم خود، به شاگردانش یاد می دهد كه با دلی پاک و با ایمانی زنده و پایدار و با دلیری فرزندى دعا كنند. او آنان را به بیداری و هشیاری فرا می خواند و ایشان را دعوت می كند كه خواست های خود را به اسم او به خدا تقدیم كنند. عیساى مسیح خود به دعاهایی كه خطاب به اوست جواب می دهد.

نیایش مریم عذرا در آری گفتنش به مژده ی فرشته (Fiat) و سرود ستایش وی (Magnificat) با تقدیم تمام وجودش در ایمان، برجستگی و تشخیص یافته است.



«دیگر شراب ندارند» (یو ۲:۳).

قسمت سوم

نیایش در زمان کلیسا

در روز پنتیکاست، «روح وعده» بر شاگردان که «به یک دل در یک جا»^{۸۹} جمع بودند قرار گرفت. در حالی که منتظر روح القدس بودند «جمیع اینها... به یک دل در عبادت و دعا مواظب می بودند».^{۹۰} روحی که کلیسا را تعلیم می دهد و سخنان^{۹۱} عیسا را به یادش می آورد هم چنین مأمور بود که کلیسا را در زندگی نیایشی شکل دهد.

ایمانداران در اولین جماعت اورشلیم «در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند».^{۹۲} این ترتیب، ویژگی نیایش کلیساست که بر ایمان رسولی بنیان نهاده شده، با محبت اعتبار و قوت یافته و در راز قربانی مقدس تغذیه می شود.

در وهله ی اول، این دعاها دعاهایی هستند که ایمانداران در کتب مقدس می خوانند و می شنوند، هم چنین آنها را دعای خود نیز می کنند مخصوصاً دعاهاى مزامیر از نظر تحققشان در مسیح انجام می دهند.^{۹۳} روح القدس که بدین گونه خاطره و یاد مسیح را در دعای کلیسایش زنده نگاه می دارد، کلیسا را به سوی کاملیت در راستی هدایت می کند و هم چنین اصول جدیدی را الهام می بخشد که بیانگر راز دست نیافتنی کار مسیح است که در زندگی کلیسا یعنی رازها و مأموریت کلیسا انجام می دهد. این اصول در سنت های بزرگ نیایشی و روحانی توسعه می یابند. شکل های دعا که در کتب مقدس رسمی و رسولی وجود دارند پایه و اساس نیایش مسیحی باقی می مانند.

۱- برکت و پرستش

برکت، بیانگر حرکت اساسی دعای مسیحی است: برکت، ملاقات خدا و انسان است. در نیایش برکت، موهبت خدا و پذیرش آن توسط انسان در رابطه ای که با هم دارند یکی می شوند. نیایش برکت، جواب انسان به عطایای خداست: زیرا خدا برکت می دهد. دل انسان در جواب، کسی را که سرچشمه تمام برکت هاست متبارک می خواند.

این حرکت با دو شکل بنیادی بیان می شود: نیایش ما در روح القدس و از طریق مسیح به سوی پدر بالا می رود و او را به خاطر برکاتی که به ما می دهد متبارک می خوانیم،^{۹۴} و عاجزانه فیض روح القدس را می طلبد که از طریق مسیح و از جانب پدر که ما را برکت می دهد نازل می شود.^{۹۵} پرستش، اولین رفتاری است که انسان خود را در حضور خالق خویش مخلوق می شناسد. پرستش، عظمت خداوندی را برمی افرازد که ما را آفرید،^{۹۶} و قدرت مطلق نجات دهنده که ما را از شریر

۸۹-۱ع:۲/۱ ۹۳-ر.ک لو ۲۴:۲۷، ۴۴/۲

۹۰-۱ع:۱/۱۲ ۹۴-ر.ک افس ۱:۳-۱۴:۲ قرن ۳:۱-۷:۱ پط ۱:۳-۹۲

۹۱-ر.ک یو ۱۴:۲۶ ۹۵-ر.ک قرن ۲:۱۳:۱۳ روم ۵:۱۵-۶:۶ افس ۶:۲۳-۳۴/۳

۹۲-۲ع:۲/۴۲ ۹۶-ر.ک مز ۹۵:۱-۶

می‌رهاند. پرستش، اولین رفتاری است که انسان خود را در حضور خالق خویش مخلوق می‌شناسد. پرستش، عظمت خداوندی را برمی‌افزاید که ما را آفرید، ۹۶ و قدرت مطلق نجات‌دهنده که ما را از شریر می‌رهاند. پرستش، فریاد روح انسان در برابر «پادشاه جلال» ۹۷ و سکوت احترام‌آمیز در حضور خدای «اعظم» ۹۸ است. پرستش خدای سه بار قدوس و سرور محبت، پرستشی که آمیخته با فروتنی است به خواهش‌های ما اطمینان می‌بخشد.

۲- نیایش استغاثه

واژه‌ی استغاثه در عهدجدید در مفهوم، بسیار غنی است: خواستن، طلبیدن، سؤال کردن، التماس، تضرع و حتا «جد و جهد در دعا». ۹۹ معمولی‌ترین شکل استغاثه جهت فوریت بیشتر آن درخواست است: به واسطه‌ی دعای استغاثه، آگاهی خویش را از رابطه‌ی خود با خدا بیان می‌کنیم. ما مخلوقاتی هستیم که از خود موجودیتی نداریم، مالک بدبختی و آخرت خود نیستیم. ما گناهکارانی هستیم که به عنوان مسیحی می‌دانیم از پدر خود دور شده‌ایم. درخواست ما در واقع بازگشت به سوی اوست. در عهدجدید به ندرت به دعا‌های ندبه و مراثی که در عهدعتیق بسیار متداول بود برخورد می‌کنیم. استغاثه‌ی کلیسا در مسیح رستاخیز کرده، استغاثه‌ای سرشار از امید و تازگی است گرچه هنوز هم در وضعیت انتظار و آرزومندی به سر می‌بریم و هرروزه از نو توبه کنیم. استغاثه‌ی مسیحی که حضرت پولس آن را «ناله» می‌نامد از عمق دیگری یعنی از عمق خلقتی که «در آه کشیدن و درد زه» است و نیز از عمق وجود خودمان برمی‌خیزد. «ما نیز در خود آه می‌کشیم در انتظار خلاصی جسم خود زیرا که به امید نجات یافتیم». ۱۰۰ در نهایت، روح القدس «به ناله‌هایی که نمی‌شود بیان کرد» «ضعف ما را مدد می‌کند زیرا که آن چه دعا کنیم به طوری که می‌باید نمی‌دانیم لیکن روح برای ما شفاعت می‌کند». ۱۰۱

اولین کار در دعای استغاثه طلب بخشش است همانند باجگیر در مثل عیسا: «خدایا بر من گناهکار ترحم فرما!» ۱۰۲ طلب بخشش پیش نیاز نیایش بی‌عیب و صالحانه است. فروتنی حاکی از اعتماد ما را به نور مشارکت بین پدر و پسرش عیسا مسیح و بین هم دیگر هدایت می‌کند به نحوی که «هرچه سؤال کنیم از وی می‌یابیم». ۱۰۳ طلب بخشش، پیش شرط آیین نیایشی راز قربانی مقدس و نیایش شخصی هر یک از ما می‌باشد.

درخواست مسیحی بر اشتیاق و جستجو برای ملکوت آینده طبق تعالیم مسیح، متمرکز شده است. ۱۰۴ در این درخواست‌ها سلسله مراتبی وجود دارد: ابتدا برای ملکوت خدا نیایش می‌کنیم، سپس برای آن چه جهت استقبال و همکاری با آمدن ملکوت لازم است. این همسوئی با مأموریت مسیح و روح القدس که اینک مأموریت کلیساست، موضوع نیایش جامعه‌ی رسولی است. ۱۰۵ نیایش پولس رسول به معنای والای آن، به ما نشان می‌دهد چگونه هم و غم الاهی برای تمام کلیسا باید نیایش مسیحی را الهام بخشد. ۱۰۶ هر ایمان‌دار با دعا کردن برای آمدن ملکوت خدا تلاش می‌کند.

۹۷- مز ۲۴: ۹-۱۰ ر

۹۸- قدیس آگوستین.

۹۹- ر. ک. روم ۱۵: ۳۰؛ ۴: ۱۲ ۱۰۴- ر. ک. مت ۶: ۱۰؛ ۳۳: ۱۱؛ ۲: ۱۳ ر

۱۰۰- روم ۸: ۲۲-۲۴

۱۰۱- روم ۸: ۲۶ ۱۰۶- ر. ک. روم ۱: ۱۰؛ افس ۱: ۱۶-۲۳؛ فیلی ۱: ۹-۱۱؛ کول ۱: ۳-۶ ر

وقتی که ما در محبت نجات بخش الاهی مشارکت می‌کنیم، در می‌یابیم که تمام نیازها را می‌توان موضوع درخواست خود قرار داد. مسیح که همه چیز را به خود گرفت تا همه را نجات دهد، به واسطه‌ی درخواست‌های ما از پدر به اسم او،^{۱۰۷} جلال می‌یابد. با این اعتماد است که حضرت یعقوب و حضرت پولس ما را به دعا در همه وقت^{۱۰۸} تشویق می‌کنند.

۳- نیایش شفاعت

کای کمینه بخششت ملک جهان من چه گویم چون تو می‌دانی نهان (مثنوی، دفتر اول، ۵۸)

شفاعت، دعای اسغاثه است که ما را به نیایش عیسا هدایت می‌کند. او یگانه شفیع تمام انسان‌ها به ویژه گناهکاران نزد پدر است.^{۱۰۹} او «قادر است آنانی را که به وسیله‌ی وی نزد خدا آیند نجات بی‌نهایت بخشد چون که دائماً زنده است تا شفاعت ایشان را بکند».^{۱۱۰} روح القدس «خود برای ما شفاعت می‌کند... و برای مقدسین برحسب اراده‌ی خدا شفاعت می‌کند».^{۱۱۱}

از زمان ابراهیم، شفاعت - یعنی درخواست برای شخص دیگری - ویژگی قلبی بوده که با رحمت خدا هماهنگی داشته است. در عصر کلیسا، شفاعت مسیحی مشارکت در شفاعت خود مسیح است و این شفاعت همان مشارکت مقدسین است. کسی که مشغول نیایش شفاعت است «نه تنها ملاحظه‌ی کارهای خود را می‌کند بلکه کارهای دیگران را نیز» و حتا برای کسانی که او را اذیت و آزار رسانیده‌اند دعا می‌کند.^{۱۱۲}

اولین جوامع مسیحی این نوع صمیمیت و مصاحبت را عمیقاً تجربه و زندگی کردند.^{۱۱۳} بنابراین، پولس رسول آنها را در رسالت موعظه‌ی انجیل شریک می‌سازد^{۱۱۴} حتا برای ایشان نیز شفاعت می‌کند.^{۱۱۵} شفاعت مسیحی هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد: «برای جمیع مردم، برای پادشاهان و جمیع صاحبان منصب»، برای جفاکنندگان، برای نجات کسانی که انجیل را رد می‌کنند.^{۱۱۶}

۱۰۷- ر.ک یوحنا: ۱۴: ۱۳
 ۱۰۸- ر.ک یوحنا: ۵: ۸- افس: ۱۶: ۲۳- فیل: ۱۹- ۱۱: ۱- کول: ۳: ۶
 ۱۰۹- ر.ک روم: ۸: ۳۴- ۱: ۲- ۱: ۲- تیمو: ۲: ۸- ۵: ۸
 ۱۱۰- عبر: ۵: ۲۷
 ۱۱۱- روم: ۸: ۲۶- ۲۷
 ۱۱۲- فیل: ۲: ۴- ر.ک اع: ۷: ۶۰- لو: ۲۳: ۲۸- ۳۴
 ۱۱۳- فیل: ۲: ۴- ر.ک اع: ۷: ۶۰- لو: ۲۳: ۲۸- ۳۴
 ۱۱۴- ر.ک افس: ۶: ۱۸- ۲: ۲- کول: ۴: ۳- ۴: ۱- تسال: ۵: ۲۵
 ۱۱۵- ر.ک ۲- تسال: ۱۱: ۱- کول: ۳: ۱- فیل: ۳: ۴
 ۱۱۶- تیمو: ۲: ۱- ر.ک روم: ۱۲: ۱۴- ۱۰: ۱



سوال برای تعمق بیشتر:

- ۱- وقتی دعا می‌کنید آیا معمولاً بیشتر با خدا صحبت می‌کنید؟ یا با پدر؟ یا عیسا؟ یا با روح القدس؟ یا با مریم؟ یا با مقدسین صحبت می‌کنید؟ این مراتب را به دنبال هم بنویسید. چرا این گونه رفتار را بهتر می‌دانید؟
- ۲- در آئین نیایش گروهی، خطاب کلیسا اغلب به چه کسی است؟ چرا؟ (مت ۱۸: ۱۹-۲۰)، چگونه کلیسا این نیایش را به اتمام می‌رساند؟ (یو ۱۳: ۱۴-۱۵؛ ۱۶: ۱۶؛ ۲۴: ۲۶-۲۷؛ عبر ۷: ۲۵).

۴- نیایش سپاسگزاری

راستی پیش آر یا خاموش کن
وانگهان رحمت ببین و نوش کن

سپاسگزاری، ویژگی نیایش کلیساست و کلیسا در برگزاری راز قربانی مقدس موجودیت خود را عمیق تر از آنچه هست آشکار می‌کند. به راستی مسیح در کار نجات، خلقت را از گناه و مرگ نجات داد تا آن را از نو تقدیس گرداند و برای جلال پدر همه را به سوی وی برگرداند. سپاسگزاری اعضای بدن در سپاسگزاری سر این بدن تجلی یافته و در آن سهیم می‌شود.

در این جا نیز هم چون دعای استغاثه، هر واقعه و هر نیازی، موجب تقدیم سپاسگزاری می‌شود. نامه‌های حضرت پولس غالباً با سپاسگزاری شروع و پایان می‌یابد و خداوند عیسا همیشه در آن حاضر است: «در هر امری شاکر باشید که این است اراده خدا در حق شما در مسیح عیسا»، «در دعا مواظب باشید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید». ۱۱۷

۵- نیایش ستایش

ستایش، نوعی نیایش است که قبل از هر چیز به خدایی خدا می‌پردازد. خدا را به خاطر خودش تمجید می‌کند و جلال می‌دهد، کاملاً ماورای آنچه می‌کند و او را فقط به خاطر خودش می‌ستاید. ستایش در شادی قلب پاک، که خدا را به ایمان دوست دارد بیش از آن که او را در جلال ملاقات نموده باشد آشکار می‌سازد. روح القدس به واسطه ستایش با جان‌های ما ملحق می‌شود تا شهادت دهد که ما فرزندان خدا هستیم، ۱۱۸ و نیز شهادت به پسر یگانه که در او فرزند خوانده شده ایم و به توسط او پدر را جلال می‌دهیم. ستایش، اشکال دیگر نیایش را دربر می‌گیرد و آنها را به سوی او که سرچشمه و هدف نیایش است می‌برد: «یک خدا یعنی پدر که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم». ۱۱۹

حضرت لوقا در انجیل خود غالباً تعجب و ستایش را در ضمن روایت کارهای شگفت عیسا بیان می‌کند و در کتاب اعمال رسولان آنها را به عنوان اعمال روح القدس مورد تأکید قرار می‌دهد: جماعت مسیحیان اورشلیم، شفای مرد مفلوج توسط پطرس و یوحنا، جمعیتی که خدا را برای این کار تمجید می‌کنند و امت‌ها در پیسیدیه که «شاد خاطر شده و کلام خدا را تمجید نمودند». ۱۲۰ «با یک دیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دل‌های خود به خداوند بسرایید و ترنم نمایید». ۱۲۱ اولین جوامع مسیحی همانند نویسندگان الهام یافته ی عهدجدید، کتاب مزامیر را به شیوه‌ای نوین می‌خواندند و راز مسیح را در آن می‌سرودند. را در آن می‌سرودند. در تازگی روح القدس، سرودها و

۱۱۷-۱-تسا ۵: ۱۸؛ کول ۴: ۲. ۱۱۹-۱-قرن ۸: ۶. ۱۲۱-۱-افس ۵: ۱۹؛ کول ۳: ۱۶.
۱۱۸-ر.ک روم ۸: ۱۶. ۱۲۰-اع ۲: ۴۷، ۳: ۹، ۴: ۲۱، ۱۳: ۴۸.

غزل‌هایی در نور واقعه‌ی بی نظیری که خدا در پسرش به انجام رسانید می‌سرودند: راز تن‌گیری، مرگ او که موت را مغلوب ساخت، رستاخیز و صعود وی به دست راست پدر. ۱۲۲ فر و شکوه خدا را سراییدن (Doxology) یا ستایش خدا از این «کار عجیب» تدبیر نجات برمی‌خیزد نشأت می‌گیرد. ۱۲۳

مکاشفه‌ی «اموری که می‌باید زود واقع شود» یعنی سبک نگارش مکاشفه‌ای همراه با سرودهای نیایش آسمانی ۱۲۴ و هم‌چنین شفاعت «شاهدان» (شهیدان) پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. به خاطر شهادت به نام عیسا کشته شدند، گروهی کثیر از کسانی که تجربه‌های سخت را پشت سر گذاشته و قبل از ما وارد ملکوت شده‌اند، همه ستایش و جلال تخت نشین و بره را می‌سرایند. ۱۲۶ کلیسای زمینی نیز در همراهی با آنان، این سرودها را در میان آزمایشات، با ایمان می‌سراید. ایمان توسط استغاثه و شفاعت، امید واقعی خود را می‌یابد و «پدر نورها» را ستایش و حمد می‌گوید که «هر بخشش کامل» از او نازل می‌شود. ۱۲۷ بنابراین ایمان، ستایش پاک و ناب است.

راز قربانی مقدس تمام اشکال نیایش را دربرداشته و بیان می‌کند: این راز «تقدیمی پاک» کل بدن عیسا برای جلال نام خداست ۱۲۸ و طبق سنت‌های کلیساهای شرق و غرب، «قربانی ستایش» است.

خلاصه

روح القدس که کلیسا را تعلیم می‌دهد و تمام اعمال و سخنان عیسا را به یاد ایمانداران می‌آورد، او را در زندگانی نیایشی تعلیم داده و اصطلاحات جدید براساس همان اشکال اصلی نیایش یعنی برکت، استغاثه، شفاعت، سپاسگزاری و ستایش را الهام می‌بخشد. چون که خدا دل انسان را برکت می‌دهد انسان نیز می‌تواند خدا را که سرچشمه‌ی هر برکتی است متبارک بنامد. بخشش، طلب ملکوت خدا و هر نیاز واقعی، موضوعات دعای استغاثه هستند. نیایش شفاعت یعنی استغاثه برای دیگران، هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد و دشمنان شخص را نیز دربر می‌گیرد. هر شادی و هر رنجی، هر واقعه و نیازی را می‌توان موضوع سپاسگزاری قرار داد که با مشارکت در زندگی عیسا، تمامی زندگی شخص را با برکت پر خواهد کرد: «در هر امر شاکر باشید» (۱-تسا:۵:۱۸). نیایش ستایش به طور تام و کامل از خدا سرچشمه گرفته و مستقیماً بر خود او تقدیم شده، نام او را برمی‌افرازد و او را جلال می‌دهد و تنها برای وجود خود او فراتر از این که چه کاری انجام داده است بلکه به سادگی تنها برای این که او هست به او تقدیم می‌گردد.



سوال برای تعمق بیشتر:

۱- خود عیسا معمولاً برای نیایش از چه روشی استفاده می‌کرد؟ (لو:۲۱-۴۱:۴۹-۱۶:۱۹-۴۶:۲۳: مز:۳۱:۶: مت:۲۷:۴۶: مز:۲۲:۲).

۲- چگونه از مزامیر داوود دعا استفاده می‌کنید؟ در آن، چه نکات مثبت و چه خطراتی وجود دارد؟

۳- چگونه از متون کتاب مقدس، جهت نگرستن به چهره‌ی عیسا استفاده می‌کنید؟ در کدام متن بیشتر و در کدام متن کمتر؟ استفاده از کتاب چه خطری در بر دارد؟

- ۱۲۲- ر.ک فیل ۲:۶-۱۱:۱ کول ۱:۱۵-۲۰:۲ افس ۵:۱۴:۱- تیمو ۳:۱۶، ۶:۱۵-۱۶:۲ تیمو ۲:۱۱-۱۳:۱۳
- ۱۲۳- ر.ک افس ۱:۳-۱۴:۱۶ روم ۱۶:۲۵-۲۷:۲۷:۳ افس ۳:۲۰-۲۱:۲۵-۲۴
- ۱۲۴- ر.ک مکا ۴:۸-۱۱:۵:۹-۱۴:۱۱:۷:۱۰-۱۲:۱۲
- ۱۲۵- مکا ۶:۱۰
- ۱۲۶- ر.ک مکا ۱۸:۲۴:۱۹-۱:۸
- ۱۲۷- یع ۱:۱۷
- ۱۲۸- ر.ک ملا ۱:۱۱

فصل دوم

سنت نیایش

ای خدا ای فضل تو حاجت روا با تو، یاد هیچ کس نبود روا (مثنوی، اول، ۱۸۶۷)

نیایش به لبریز شدن خود به خود انگیزه های درونی محدود نمی شود یعنی برای نیایش، شخص باید اراده ی نیایش کردن داشته باشد. دانستن مکاشفات کتب مقدسه درباره ی نیایش نیز کافی نیست بلکه شخص باید بیاموزد چگونه نیایش کند. روح القدس از طریق یک انتقال زنده و پویا (سنت مقدس) در « کلیسای مؤمن و نیایشگر » فرزندان خدا را تعلیم می دهد که چگونه نیایش کنند. سنت نیایش مسیحی یکی از شیوه هایی است که در آن، ایمان شکل می گیرد و رشد می کند مخصوصاً از طریق تعمق و مطالعه ی زندگی ایماندارانی که وقایع و کلمات تدبیر نجات را در دل های خود چون گنج حفظ می کنند و نیز از طریق درک عمیقشان از آن واقعیات روحانی که تجربه می کنند، و به آن تکیه می کنند ممکن می شود.

قسمت اول

در سرچشمه های نیایش

روح القدس چون آب زنده است که در قلب نیایشگر « تا حیات جاودانی می جوشد ». ^۱ روح القدس همان است که ما را تعلیم می دهد تا آن را در سرچشمه اش یعنی عیسا بپذیریم. به راستی در نیایش مسیحی سرچشمه های متعددی وجود دارد که عیسا در آن جا منتظر ماست تا بتوانیم از روح القدس بنوشیم.

کلام خدا

کلیسا با اقتدار و به طور ویژه تمام ایمانداران مسیحی را به فراگرفتن « فضیلت معرفت عیسا مسیح » (فیل ۳: ۸) با خواندن مداوم کتب مقدسه ی الهی تشویق و ترغیب می کند... در هر صورت به یاد آوریم که نیایش بایستی با خواندن کتب مقدسه همراه باشد تا گفتگویی بین خدا و انسان صورت گیرد زیرا « به هنگام نیایش با وی گفتگو می کنیم و در مطالعه، کلمات الهی او را می شنویم ». ^۲

نویسندگان روحانی در تفسیر متی ۷: ۷، حالت دلی را که به واسطه ی کلام خدا، در نیایش تقویت و تغذیه می شود بدین صورت خلاصه می کنند: « در قرائت کلام خدا جستجو کن و در تعمق خواهی یافت، در نیایش روحانی را بکوید و به واسطه ی تأمل و تفکر برای شما باز کرده خواهد شد ».

آیین نیایشی کلیسا

در آیین نیایشی رازهای کلیسا، مأموریت عیسا و روح القدس، راز نجات را اعلام و حاضر نموده و ارائه می دهند و به مشارکت می گذارد، رازی که در دل نیایشگر ادامه می یابد. مفسرین، گاهی دل را با مذبح (قربانگاه) مقایسه می کنند. نیایش، آیین پرستشی کلیسا را در خلال و بعد از برگزاریش، آن را باطنی نموده و در خود هضم می سازد. نیایش حتا زمانی که «در نهان»^۳ انجام می شود همیشه نیایش کلیسا خواهد بود زیرا مشارکت با تثلیث اقدس است.

فضایل الاهیاتی

ورود به نیایش همانند ورود به آیین نیایشی است یعنی هر دو از طریق دروازه ی تنگ ایمان میسر می شود. به واسطه ی نشانه های حضور خداوند است که صورت او را می جوئیم و برایش اشتیاق داریم، زیرا این کلام خداست که می خواهیم بشنویم و به جا آوریم. روح القدس که ما را برای برگزاری آیین نیایشی در انتظار بازگشت عیسا تعلیم می دهد به ما می آموزد که در امید، نیایش کنیم. نیایش کلیسا و نیایش فردی، امید را در ما تقویت می کند. مخصوصاً مزامیر با زبان واقعی و متنوعشان، ما را تعلیم می دهند تا امید خود را در خدا تثبیت نماییم: «انتظار بسیار برای خداوند کشیده ام و به من مایل شده فریاد مرا شنید».^۴ همان گونه که پولس رسول دعا کرد: «خدای امید، شما را از کمال خوشی و سلامتی در ایمان پر سازد تا به قوت روح القدس در امید افزوده گردید».^۵

«امید باعث شرمساری نمی شود زیرا که محبت خدا در دل های ما که به قدرت روح القدس به ما عطا شد ریخته شده است».^۶ نیایش که از زندگی پرستشی شکل گرفته باشد همه چیز را به سوی محبت می کشاند که بدان وسیله ما در عیسا محبت کرده می شویم و ما را قادر می سازد تا با محبتی همانند محبت او نسبت به ما به وی پاسخ دهیم. محبت سرچشمه ی نیایش است، هر کسی که از آن بنوشد به اوج و قله ی نیایش می رسد. طبق گفته ی کشیش شهر آرس:

«ای خدای من، تو را دوست می دارم و یگانه اشتیاق من محبت کردن تو تا واپسین دم زندگی است. تو را دوست می دارم ای که تو خدایی بی نهایت محبوب هستی. مردن در محبتت را بیشتر از زندگی بدون محبت تو می پسندم. خداوندا تو را دوست می دارم و یگانه فیضی که می طلبم محبت نمودن تو تا ابدآباد است... خدایا اگر زبانم نمی تواند محبت مرا نسبت به تو هر لحظه بیان کند از دلم می خواهم تا زمانی که نفس می کشم آن را برایت تکرار کند که تو را دوست دارم.»^۷

۳- ر.ک مت ۶:۶

۴- مز ۴۰:۱

۵- روم ۱۵:۱۳

۶- روم ۵:۶

۷- قدیس یوحنا یوینی

«امروز»

با شنیدن کلمه‌ی خداوند و مشارکت در راز گذر او می‌آموزیم که در لحظات معینی نیایش کنیم اما روح القدس برای تمام زمان‌ها، به ما عطا می‌شود، در حوادث روزمره‌ی زندگی، این روح القدس است که ما را به سوی دعا کردن فرا می‌خواند. تعالیم عیسا درباره‌ی نیایش به پدر، به همان شیوه‌ی تعالیمش درباره‌ی مشیت الاهی است:^۸ زمان در دست‌های پدر است، اکنون در حال حاضر با او روبه‌رو می‌شویم نه دیروز و نه فردا بلکه امروز: «امروز کاش آواز او را می‌شنیدید! دل خود را سخت مسازید».^۹

نیایش در وقایع روزمره و در هر لحظه یکی از راه‌های ملکوت است که برای «فرزندان کوچک»، برای خادمین عیسا و برای کسانی که مشمول خوشا به حال‌ها هستند آشکار شده است. به جا و شایسته است دعا کنیم تا این که آمدن ملکوت عدالت و صلح، سیر تاریخ را تحت تأثیر قرار دهد اما مهم و شایسته نیز هست که در موقعیت‌های روزمره عادی نیز با نیایش یاری او را بطلبیم. تمام اشکال نیایش را می‌توان همانند خمیرمایه‌ای دانست که خداوند آن را به ملکوت تشبیه می‌کند.^{۱۰}

خلاصه

روح القدس از طریق میراث زنده یعنی سنت، فرزندان خدا را در کلیسا به دعا کردن تعلیم می‌دهد. کلام خدا، آیین نیایشی کلیسا و فضیلت‌های ایمان، امید و محبت، منابع نیایش هستند.



قسمت دوم

شیوه‌ی نیایش

باد ما و بود ما از داد توست هستی ما جمله از ایجاد توست (مثنوی، اول، ۵۸)

در سنت زنده‌ی نیایش، هر کلیسا طبق زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خود، زبانی برای نیایش به ایماندارانش عرضه می‌کند: کلمات، آهنگ‌ها، حرکات بدنی و شمایل‌نگاری. رهبریت رسمی کلیسا وظیفه دارد که درستی این روش‌های نیایش را نسبت به سنت ایمان رسولی تشخیص دهد، ولی توضیح مفاهیم آنها در رابطه با عیسا مسیح، کار شبانان و معلمین کلیسا است.

نیایش به پدر

روشی دیگر برای نیایش مسیحی جز در نام عیسا نیست. نیایش ما به هر شکلی که باشد - چه فردی و چه جمعی، چه درونی چه با کلمات - فقط زمانی به نزد پدر می‌رسد که «به اسم» عیسا باشد. بنابراین، انسانیت مقدس عیسا راهی است که روح القدس به آن وسیله ما را تعلیم می‌دهد تا خدای پدر را نیایش کنیم.

۱۰- ر.ک لو ۲۰:۱۳-۲۱/

۸- ر.ک مت ۱۱:۶، ۳۴/

۹- مز ۷:۹۵-۸/

نیایش به عیسا

نیایش کلیسا که از کلام خدا و برگزاری آیین نیایشی تغذیه و تقویت می شود به ما تعلیم می دهد که به خداوند عیسا نیایش کنیم. حتا اگر نیایش کلیسا قبل از هرچیز خطاب به پدر باشد، در تمام سنت های آیین نیایشی، دعای خطاب به عیسا نیز وجود دارد. عهدجدید و برخی مزامیر که در نیایش کلیسا استفاده می شوند نیایش به عیسا را در اشکال گوناگون بر زبان ما جاری می سازند و بر دل های ما حک می کنند: پسر خدا، کلمه ی خدا، خداوند، نجات دهنده، بره ی خدا، پادشاه، پسر محبوب، پسر مریم عذرا، شبان نیکو، حیات، نور، امید، رستاخیز ما، دوست انسان و غیره از جمله ی دعاهایی است که به عیسای مسیح کرده می شود.

اما یگانه اسمی که همه چیز را شامل می شود اسمی است که پسر خدا در راز تن گیری خود دریافت نمود یعنی عیسا. انسان نمی تواند اسم الهی را بر زبان آورد اما «کلام خدا» که انسانیت ما را به خود گرفت، آن اسم الهی را به ما بخشید و می توانیم آن را بطلبیم: «عیسا» یعنی «یهوه نجات می دهد». ۱۱ اسم «عیسا» همه چیز را دربر می گیرد: خدا، انسان و تمامی کار خلقت و نجات را شامل می شود. نیایش کردن به «عیسا»، طلبیدن و خواندن او در درون ماست. اسم او یگانه اسمی است که دربردارنده ی حضور و نجات خداست. عیسا آن قیام کرده است و هر که اسم عیسا را بطلبد، پسر خدا را دعوت و خوش آمد می گوید که پسر محبوب خدای پدر بود و به خاطر ما خود را به خدا تقدیم نمود. ۱۲

این نیایش ساده ی ایمان در سنت نیایش کلیساهای شرق و غرب، تحت اشکال فراوانی توسعه یافت. معمولی ترین اصطلاح که توسط نویسندگان روحانی دیر سینا، یا دیر سوریه و یا دیر کوه آتوس کشور یونانی به ما رسیده این دعاست: «خداوند عیسای مسیح، پسر خدا، بر ما گناهکاران رحمت فرما». این دعا، سرود ستایش عیسا در فیلیپیان ۲: ۶-۱۱ را با فریاد باجگیر و مردان کوری که در طلب نور بودند درهم می آمیزد. ۱۳ دل انسان توسط این دعا نسبت به راز اسارت انسان و رحمت خداوند نجات دهنده کافی می بود.

نیایش اسم قدوس عیسا همیشه ساده ترین روش نیایش است. وقتی که دل آگاه و فروتن این اسم قدوس را مرتباً تکرار می کند، نیایش از در عبارت تکراری و پوچ گم نخواهد شد. ۱۴ بلکه در کلام خدا مانده و «با صبر میوه می آورد». ۱۵ این نیایش «در هر لحظه» امکان پذیر است زیرا نیایشی در میان سایر نیایش ها نیست بلکه تنها وسیله ی ممکن است: نیایش، محبت نمودن خدایی است که همه چیز را حیات بخشیده و همه را در عیسای مسیح برمی افرازد.

نیایش کلیسا، «قلب عیسا» را همانند نام بسیار قدوس وی احترام و تکریم می نماید. این نیایش، کلمه ی تن گرفته و قلبی را پرستش می کند که علاوه بر محبتش نسبت به انسان، اجازه می دهد گناهان ما آن را تسلی بخشد، نیایش مسیحی دوست دارد «راه صلیب» را در جای پاهای عیسای نجات دهنده دنبال کند. توقف گاه های مابین محکمه ی پیلاطس تا جلجتا و قبر، راه عیسا را که توسط صلیب مقدس خود جهان را نجات داد، دنبال می کند.

۱۱-ر.ک خروج ۳:۱۴:۳۳-۱۹:۳۳:۱ مت: ۲۱/۱
 ۱۲-روم ۱۰:۱۳:۱۰:۱۳:۲۱:۱۵:۳:۱۶-۱۵:۳:۲۰/۲۰
 ۱۳-ر.ک مر ۱۰:۲۶-۵۲:۱۸:۱۳

«بیای روح القدس»

«احدی جز به روح القدس عیسا را خداوند نمی تواند گفت». ۱۶ هرگاه خطاب به عیسا دعا می کنیم این روح القدس است که توسط فیض مداوم خود، ما را به راه دعا می کشاند. از آن جاکه او ما را با به خاطر آوردن عیسا تعلیم می دهد که دعا کنیم چگونه می توانیم خطاب به روح القدس نیز دعا نکنیم؟ به این دلیل است که کلیسا از ما می خواهد هرروزه مخصوصاً در ابتدا و انتهای کارهای مهم خود، روح القدس را به یاد آورده و او را بطلبیم.

اگر روح القدس را پرستش نکنم چگونه می تواند از طریق تعمید مرا الهی گرداند؟ اگر بایستی او را پرستش کرد آیا نباید مورد نیایش و پرستش ما قرار گیرد؟ ۱۷

شکل سنتی طلب روح القدس این است که، از طریق خداوند ما عیسای مسیح، از پدر درخواست می کنیم تا روح تسلی دهنده ۱۸ را به ما بدهد. عیسا در همان لحظه ای که عطیه ی روح راستی ۱۹ را وعده می دهد تأکید می کند که این طلب به اسم او انجام شود. اما ساده ترین و مستقیم ترین نیایش به روح القدس، این نیایش سنتی است: «بیای روح القدس». تمام سنت های آیین نیایش، این درخواست را در سرودها و بندگردان های دسته جمعی کلیسا بسط داده اند.

بیای روح القدس، دل های ما ایمانداران خود را پراساز و آتش محبت خود را در آنها مشتعل کن. ۲۰
ای پادشاه آسمانی، ای روح مدافع و روح راستی که همه جا حاضری و همه چیز را پر می سازی، ای گنجینه ی تمام خوبی ها و سرچشمه ی تمام حیات، بیای و در ما ساکن شو، ما را پاک ساز و نجات بده، ای که تو نیکویی مطلق هستی. ۲۱

روح القدس که تدهینش کل وجود ما را فرا می گیرد، استاد درونی نیایش مسیحی است. اوست که سنت زنده ی نیایش را می سازد. یقیناً به تعداد افراد نیایشگر، روش نیایش کردن نیز وجود دارد، اما یک روح است که در همه و با همه عمل می کند. در مشارکت و پیوند روح القدس است که نیایش مسیحی، نیایش در کلیسا می شود.

در مشارکت با مادر مقدس خدا

روح القدس، در نیایش، ما را با شخص پسر یگانه ی خدا در انسانیت جلال یافته اش متحد می سازد، انسانیتی که از طریق آن و در آن، نیایش فرزندی ما در کلیسا با نیایش مادر عیسا متحد می سازد. ۲۲
مریم، رضایت خود را در ایمان، به هنگام اعلام مژده ی تولد عیسا بیان کرد و آن را بدون هیچ گونه شک و تردیدی در پای صلیب حفظ نمود. از آن هنگام او مادر برادران و خواهران پسرش عیسای مسیح شد «که هنوز در مسافرت خود بر روی زمین در محاصره ی خطرات و مشکلات هستند». ۲۳ عیسا یگانه شفیع ما، راه نیایش ماست. از طریق مریم مادر او و مادر ما، می توانیم او را به خوبی ببینیم که تماماً مطیع اوست: طبق سنت شمایل نگاری کلیساهای شرق و غرب، مریم «راه را نشان می دهد» و خودش «نشان و علامت» این راه است.

۱۶- قرن ۱۲: ۳ / ۲۰- نماز نامه ی رومی، پنطیکاست.
۱۷- قدیس گریگوری اهل نازینوس. ۲۱- آیین نیایش بیزانین، دعای شب پنطیکاست.
۱۸- ر.ک لو ۱۳: ۱۴ / ۲۲- ر.ک اء ۱۴: ۱۴ / ۱۹- ر.ک یو ۱۴: ۱۷: ۱۵: ۲۶: ۱۶: ۱۳ / ۲۳- نور ملل (واتیکان دوم).

کلیساها از آغاز با همکاری منحصر به فرد مریم با کار روح القدس، نیایش خود را به مادر خدا گسترش داده و اساس آن را بر شخص عیسی مسیح قرار داده اند که در رازهای زندگی خود که به ما سپرده است اعلام می شود. در سرودها و آوازهای بی شماری که بیانگر این نیایش می باشند معمولاً دو جریان وجود دارد که مرتباً جای خود را با هم عوض می کنند: اول، خداوند را برای «کارهای عظیمی که به کنیز فروتن و حقیر خود و از طریق او به تمام انسان ها کرده» سپاس می گوید، ۲۴ دوم، دعاها و سپاسگزاری های فرزندان خدا را با اعتماد به مادر عیسا بیان می کند زیرا مریم اکنون انسانیتی را که پسر خدا در او تقبل نمود می شناسد.

این جریان دوگانه ی نیایش به مریم در دعای Ave Maria «درود بر تو ای مریم» بیانی ویژه و منحصر می یابد. «سلام بر تو ای مریم یا [شاد باش ای مریم]». سلام جبرئیل فرشته، آغازگر این نیایش است. این خود خداست که از طریق فرشته اش به عنوان واسطه، مریم را سلام می گوید. نیایش ما سلام به مریم را با توجهی که خدا به کنیز فروتن خود دارد از سر گرفته و از شادی که خدا در او می یابد خشنود می گردد. ۲۵

«ای نعمت رسیده (پراز فیض)، خداوند با توست»: این دو عبارت در سلام فرشته، روشن کننده هم دیگر هستند. مریم پراز فیض است زیرا خداوند با اوست. فیضی که او از آن غنی شده، حضور خداوند است که سرچشمه ی تمام نعمت ها و فیض هاست. «ای دختر صهیون ترنم نما... یهوه خدایت در میان توست». ۲۶ مریم که خود خداوند از قبل در او ساکن شده بود، همان دختر صهیون، صندوقچه ی مقدس عهد (تابوت عهد) و مسکن جلال خداست. او «خیمه ی خدا با آدمیان» ۲۷ است. مریم، پراز فیض، به او که می آید تا در او ساکن شود خودش را کاملاً می دهد تا او تولد یافته و به جهان هدیه شود.

«تو در میان زنان مبارک هستی و مبارکست ثمره ی رحم تو (عیسا)». بعد از سلام فرشته به مریم، ما با سلام ایصایات به مریم سلام می گوئیم. «پراز روح القدس»، ایصایات اولین نفر از سلسله نسل هایی است که مریم را «مبارک» خوانده اند. ۲۸ «خوشا به حال او که ایمان آورد...»؛ ۲۹ مریم «در میان زنان مبارک» است زیرا به تحقق کلام خدا ایمان آورد. ابراهیم به خاطر ایمانش برکتی برای تمام ملت های روی زمین شد. ۳۰ مریم به خاطر ایمانش، مادر ایمان داران گشت، مادری که از طریق وی تمام ملت های روی زمین، عیسا «ثمره ی رحم» را که برکت خود خداست دریافت می کنند.

«مریم مقدس، مادر خدا»: ما هم نیز همراه ایصایات چنین فریاد تحسین و تعجب برمی آوریم: «از کجا این به من رسیده که مادر خداوندم نزد من آید؟» ۳۱ مریم که پسرش عیسا را به ما داد مادر خدا و مادر ماست، از این رو می توانیم علایق و دعاها را به وی بسپاریم: او برای ما و برای خودش نیایش می کند: «مرا بر حسب سخن تو واقع شود». ۳۲ اگر خود را به نیایش وی ملحق سازیم می توانیم همراه او خود را به اراده ی خدا بسپاریم: «اراده ی تو کرده شود».

«برای ما گناهکاران دعا کن امروز و در ساعت مرگمان»: اگر از مریم بخواهیم برای ما دعا کند یعنی به این شناخت دست یافته ایم که ما گناهکارانی بیچاره هستیم و نیازهای خود را به «مادر رحمت» و کاملاً مقدس می گوئیم. اکنون، در امروز زندگیمان، خود را به مریم می سپاریم و اطمینان ما از لحظه ی کنونی تا «ساعت مرگمان» گسترش می یابد. باشد که او در آنجا حاضر باشد همان گونه که در هنگام مرگ پسرش بر صلیب در آنجا حضور داشت. باشد که او ما را هم چون فرزندان خود در ساعت گذرمان بپذیرد. ۳۳ تا ما را به سوی پسرش عیسا در فردوس هدایت نماید.

۲۴-ر. ک لو: ۱: ۴۶-۵۵	۲۹-لو: ۱: ۴۵
۲۵-ر. ک لوقا: ۱: ۴۸: ۳: ۱۷	۳۰-ر. ک پید: ۱۲: ۳
۲۶-صف: ۳: ۱۴، ۱۷	۳۱-لو: ۱: ۴۳
۲۷-مکا: ۲: ۲۱: ۳	۳۲-لو: ۱: ۳۸
۲۸-لو: ۱: ۴۱-۴۸	۳۳-ر. ک یو: ۱۹: ۲۷

تقوای قرون وسطای کلیساهای غرب، ضمن گسترش نیایش تسبیح مریم «rosary»، آن را جانشین «آیین نیایش ساعت‌ها» نمود. در شرق، در کلیساهای بیزاننتین مناجاتی که Paraclesis و Akathistos نامیده می‌شوند به مراسم سرودخوانی دسته‌جمعی وفادار باقی ماندند درحالی که در سنت‌های ارمنی، قبطی و سریانی، سرودها و آوازهای عمومی خطاب به مادر خدا ترجیح داده شد. اما در دعای درود بر توای مریم (Ave Maria) Theotokos، در سرودهای ماراپرم یا سرودهای قدیس گریگوری نازک، سنت نیایش اساساً یکسان است.

مریم، نیایشگر کامل (Orans) و چهره‌ی کلیسا می‌باشد. وقتی به او نیایش می‌کنیم، به همراه او به طرح پدر می‌پیوندم که پسرش را برای نجات تمام انسان‌ها می‌فرستد. ما نیز همانند شاگرد محبوب، ورود مادر عیسا به خانه‌ی خودمان خوش آمد می‌گوییم^{۳۴} زیرا او مادر تمام زندگان شده است. ما می‌توانیم به او و به سوی او نیایش کنیم. نیایش کلیسا به وسیله‌ی نیایش مریم تقویت می‌شود و در امید با آن یکی می‌گردد.

در مورد موضوع فوق کتاب‌های «تسبیح جهت دعای مدام» و «در طلب روح القدس» را بخوانید.

خلاصه

نیایش قبل از هرکس به پدر خطاب می‌شود. هم‌چنین می‌تواند به عیسا تقدیم شود مخصوصاً با نیایش نام قدوسش: «خداوند عیسا، سیح، پسر خدا، بر ما گناهکاران رحمت فرما. «احدی جز به روح القدس، عیسا را خداوند نمی‌تواند گفت (۱-قرن ۱۲: ۳). کلیسا از ما می‌خواهد تا روح القدس را به عنوان معلم درونی نیایش مسیحی بطلبیم. کلیسا به خاطر همکاری منحصر به فرد مریم با عمل روح القدس دوست دارد که در مشارکت با مریم عذرا نیایش کند، به همراه او کارهای بزرگ خداوند را که برای او کرده تمجید نماید و دعاها و ستایش‌های خود را با اعتماد به او تقدیم کند.



قسمت سوم

رهنمودهایی برای نیایش

حرف و صوت و گفت را بر هم زنم تا که بی این هر سه با تو دم زنم
(مثنوی، اول، ۱۷۳۰)

ابر شاهدان

شاهدانی که قبل از ما وارد ملکوت شده‌اند،^{۳۵} مخصوصاً کسانی که کلیسا آنها را قدیس می‌داند به وسیله‌ی نمونه‌ی زندگیشان و انتقال نوشته‌ها و دعاهایشان امروزه در سنت زنده‌ی نیایش مشارکت دارند. آنها در وجود خدا تعمق می‌کنند، او را می‌ستایند و به‌طور مداوم در فکر آنها می‌باشند که بر روی زمین رها شده‌اند. این شاهدان وقتی به شادی استاد خود داخل شدند «بر چیزهای بسیار گمارده» شدند.^{۳۶} شفاعت آنان عالی‌ترین کار در همراهی با نقشه‌ی الاهی است. ما می‌توانیم و بایستی از آنان بخواهیم که برای ما و برای تمام جهان شفاعت نمایند.

۳۴-ر.ک یو: ۱۹/ ۲۷

۳۵-ر.ک عبر: ۱۲/ ۱

۳۶-ر.ک مت: ۲۵/ ۲۱

در مشارکت مقدسین، راه‌های مختلف زندگی روحانی با استفاده از تاریخ و تجربیات روحانی کلیساهای محلی مختلف گسترش پیدا می‌نماید. موهبت شخصی برخی از شاهدان به محبت خدا نسبت به انسان قابل انتقال بوده است همانند انتقال «روح» ایلیا به الیشع و به یحیای تعمید دهنده، تا پیروانشان در این روح مشارکت داشته باشند.^{۳۷} هم چنین زندگی روحانی نتیجه‌ی به هم پیوستن جریان‌های دیگری مثل آیین نیایشی و الاهیاتی به وجود می‌آید که به تطابق ایمان در تمدن و محیط مختلف تاریخ‌ها شهادت می‌دهد. راه‌های مختلف زندگی روحانی مسیحیان در سنت زنده‌ی نیایش سهیم هستند و راهنمایی‌های غیرقابل اجتناب برای ایمان داران می‌باشند. این راه‌ها در تنوع غنی خود، نور یگانه‌ی روح القدس را منعکس می‌سازند.

«روح القدس به راستی مسکن قدسین است و قدسین مکانی برای روح القدس هستند که در آنها هم چون خانه‌ی خویش ساکن می‌شود زیرا آنها خود را به عنوان مسکن خدا تقدیم کرده‌اند و معبد او خوانده شده‌اند».^{۳۸}

خادمین نیایش

خانواده‌ی مسیحی اولین مکان تعلیم نیایش است [و هم چنین به صورت خالص گروه‌های تعلیم به تعمید خواستگان]. خانواده که بر اساس راز مقدس ازدواج بنیان نهاده شده «کلیسای خانگی» است که در آن جا فرزندان خدا می‌آموزند که «هم چون کلیسا» نیایش کنند و در نیایش بمانند. نیایش روزانه‌ی خانوادگی برای کودکان و نوجوانان اولین شهادت خاطره‌ی زنده‌ی کلیساست که با صبر و متانت توسط روح القدس بیدار می‌شود.

خادمین دست‌گذاری شده نیز برای شکل‌گیری نیایش برادران و خواهرانشان در عیسامسئول هستند. آنها که خادمین شبان نیکو می‌باشند دست‌گذاری شده‌اند تا قوم خدا را به سوی آب‌های زنده‌ی نیایش یعنی کلام خدا، آیین نیایش، حیات الاهی [زندگی براساس ایمان، امید و محبت] و امروز خدا در موقعیت‌های عملی و واقعی هدایت نمایند.

بسیاری از افراد روحانی تمام زندگی خود را به جهت نیایش وقف کرده‌اند. تارکان دنیا، راهبان، و راهبه‌ها از زمان بنیانگذاران دیرها در بیابان، روزگار خود را به ستایش خدا و شفاعت برای قوم وی تقدیم کرده‌اند. این زندگی مقدس و تخصیص یافته، بدون نیایش پایدار باقی نمی‌ماند و گسترش نمی‌یابد. نیایش یکی از منابع زنده‌ی تعمق و زندگی روحانی کلیساست.

هدف از تعلیمات مذهبی به کودکان، جوانان و بزرگسالان باید این باشد که آنان را در تعمق بر کلمه‌ی خدا در نیایش شخصی و کاربرد آن در تمام زمانها تعلیم دهد تا در یک زندگی نوین ثمر بیاورند. تعلیمات مذهبی هم چنین زمانی برای ادراک و فهم تقوای عمومی است. حفظ کردن دعا‌های اصلی، ضامن حفظ اساسی زندگی نیایشی است. اما مهم‌تر آن است که آموزش یافتگان را با مفهوم و معانی درونی آنها دقیقاً آشنا سازیم.

۳۷- ر.ک ۲- پاد ۹: ۱؛ ۱: ۱؛ ر.ک ملا ۳: ۲۳ که در ترجمه‌ی قدیم ۴: ۵ وجود دارد. ۳۸- قدیس بازیل.

گروه‌های نیایش که به حق «مکاتب نیایش» نامیده شده‌اند امروزه یکی از نشانه‌ها و از نیروهای قدرتمند احیای نیایش در کلیسا هستند به شرطی که قوت خود را از چشمه‌های معتبر نیایش مسیحی بگیرند. توجه به اتحاد کلیساها نشانه‌ای از نیایش حقیقی در کلیسا است.

روح القدس، عطایای حکمت، ایمان و ادراک را به خاطر این نفع جمعی یعنی نیایش (جهت‌گیری روحانی)، به افراد به خصوصی از ایمانداران می‌دهد. زنان و مردانی که این عطایا را دارند خادمین واقعی سنت زنده‌ی نیایش هستند.

براساس گفته‌های یوحنا صلیبی، شخصی که می‌خواهد به سوی کمال پیش برود بایستی «مواظب باشد که به چه کسی اعتماد می‌کند زیرا استاد هرگونه که باشد شاگرد نیز آن‌گونه خواهد بود و پسر نیز همانند پدر». گذشته از اینها «مدیر، علاوه بر این که باید عالم و پرهیزکار باشد بایستی تجربه نیز داشته باشد... اگر مدیر روحانی هیچ تجربه‌ای از زندگی روحانی نداشته باشد قادر نخواهد بود جان‌های کسانی را که خدا به زندگی روحانی دعوت می‌کند به سوی آن هدایت کند و هرگز نخواهد توانست آنها را درک کند».^{۳۹}

مکان‌های مناسب نیایش

کلیسا، خانه‌ی خدا و مناسب‌ترین مکان برای نیایش همگانی جماعت محلی است. کلیسا هم چنین مکان ویژه‌ی پرستش حضور واقعی عیسا در راز قربانی مقدس می‌باشد. انتخاب مکان مناسب برای یک نیایش واقعی اهمیت خاصی دارد.

- این مکان برای نیایش شخصی می‌تواند «گوشه‌ی خلوتی» با کتب مقدسه و شمایل‌ها باشد تا در آن جا به صورت نهان در حضور پدر خود باشیم.^{۴۰} این نوع پرستشگاه کوچک در خانواده‌ی مسیحی، نیایش دسته‌جمعی را تقویت می‌کند.
- در مناطقی که دیر وجود دارد، این وظیفه‌ی دیرها است که مشارکت ایمان داران در آیین نیایشی، ساعت‌ها را افزایش دهند و خلوتگاه مناسبی برای نیایش عمیق‌تر شخصی فراهم نمایند.
- زیارت، مسافرت زمینی ما را به سوی آسمان ممکن می‌سازد و برطبق سنت، فرصت بسیار مناسبی برای احیا شدن در دعاست. برای زائرانی که در جستجوی آب حیات می‌باشند، آرامگاه قدسین مکان‌های مخصوصی برای احیای اشکال نیایش مسیحی «در کلیسا» هستند.

خلاصه

کلیسای در راه به سوی خدا در نیایش با نیایش قدسین که کلیسا شفاعت آنان را می‌طلبد شریک می‌شود. مکاتب مختلف روحانیت مسیحی، در سنت زنده‌ی نیایش شرکت دارند و راهنماهایی ارزشمند جهت زندگی روحانی هستند.

خانواده‌ی مسیحی اولین مکان برای تعلیم نیایش است.

خادمین دستگذاری شده، زندگی تقدیس شده، تعالیم مذهبی، گروه‌های نیایشی و «جهت‌گیری روحانی» کمک مطمئنی برای انجام نیایش در کلیسا هستند.

مناسب‌ترین مکان‌ها برای نیایش عبارتند از: پرستشگاه‌های فردی یا خانوادگی، دیرها، اماکن زیارتی و بالاتر از همه کلیسا است که مکان نیایش همگانی جامعه‌ی مسیحیان یک منطقه و مکان اختصاصی پرستش راز قربانی مقدس می‌باشد.



سوال برای تعمق بیشتر:



- ۱- چرا گاهی اوقات فراموش می کنید که نیایش کنید؟
- ۲- در نیایش، به احساسات چه اهمیتی می دهید؟ (ر.ک لو ۱۰:۲۱:۲۲:۴۴:مت ۲۷:۴۶: لو: ۴۱-۴۴، ۴۶-۴۷: یو: ۱۹: ۲۵: فیل: ۱-۳: ۱-۴: ۱-۴: ۱-۲: ۱-۵: روم: ۲: ۲- تیمو: ۴: ۱۶-۱۸).
- ۳- پدران کلیسا در باره ی زندگی روحانی توضیح می دهند که این زندگی، سلسله ای اندوه، تسلی حزن و خوشبختی بعد از یک دیگر می باشد تا بتوانیم ایمان خود را عمیق تر سازیم (یو: ۲۱: ۱۷، ۲۹: یح: ۱: ۳: ۱- پطرا: ۷)، آیا در زمان حزن و اندوه هم چون زمان خوشبختی و تسلی دعا می کنید؟ البته با کوشش بیشتر.
- ۴- وقتی اغتشاش فکری دارید چگونه عکس العمل نشان می دهید؟ آیا با عصبانیت و نومیدی دعا را نموده، با از نو دوباره شروع می کنید، همراه با طلب کمک از روح القدس؟
- ۵- آیا رازهای کلیسا، مخصوصاً نان مقدس، بیشتر از احساسات در دعا به تو کمک می کنند؟

فصل سوم حیات در نیایش

شکر نعمت افزون کند کفر، نعمت از کفت بیرون کند
(مثنوی، اول، ۹۳۹)

نیایش، حیات دل نوین است. نیایش باید ما را در تمام لحظات زندگیمان جانی تازه بخشد. ولی ما غالباً تمایل داریم او را که حیات ما و تمام هستی ما از اوست فراموش کنیم. به این دلیل است که پدران روحانی در سنت‌های تثبیه و نبوتی (انبیائی اسرائیل)، اصرار دارند که نیایش، ذکر خدا و یاد اوست که اغلب توسط یادآوری قلبی بیدار می‌شود: «ما بایستی بیش از تعداد نفس کشیدن‌هایمان خدا را ذکر کنیم». اما اگر در لحظات خاصی، مملو از معرفت و اشتیاق نیایش نکنیم نمی‌توانیم «همه وقت» نیایش کنیم. این زمان‌های خاص برای نیایش مسیحی هم در کیفیت و هم در طول مدت آن وجود دارد. سنت کلیسا، آهنگ و نظم عیسا برای نیایش در جهت تقویت و نیایش مداوم به ایمان داران توصیه می‌کند. برخی از این نیایش‌ها روزانه هستند مانند نیایش صبحگاهی و شامگاهی، سپاسگزاری قبل و بعد از غذا، آیین نیایش ساعت‌ها. یکشنبه‌ها که بر راز قربانی مقدس متمرکز شده تقدس خود را قبل از هر چیز از نیایش می‌گیرد. دوره‌ی آیین نیایشی سالانه کلیسا و اعیاد بزرگ آن آهنگ اصلی زندگی نیایشی مسیحیان هستند.

خداوند هرکسی را به شیوه‌ها و راه‌هایی که خود در نظر دارد هدایت می‌کند و ایماندار نیز برحسب احساس قلبی خود و انتظارات فردی خویش از دعا به آن جواب می‌دهد. به هر حال، «سنت مسیحی» سه روش اصلی نیایش را حفظ کرده است: نیایش با کلمات (شفاهی)، تعمق و تأمل. این سه روش، یک ویژگی مشترک دارند یعنی بیداری و آرامش قلبی. مراقبت و بیداری قلبی در نگهداری کلام و ساکن شدن در حضور خدا. این سه روش را مهمترین زمان زندگی نیایشی قرار می‌دهد.

قسمت اول

شیوه‌های بیان نیایش

هر که او از هم زبانی شد جدا بی زبان شد گرچه دارد صد نوا
(مثنوی، اول، ۲۸)

۱- نیایش زبانی

خدا از طریق کلام خود با انسان سخن می‌گوید. نیایش ما چه در ذهن و چه بر زبان با کلمات شکل می‌گیرد. با این وجود، مهمترین مساله این است که دل انسان بایستی برای او که در نیایش با وی سخن می‌گوییم حاضر باشد: «اجابت شدن یا نشدن نیایش ما به تعداد کلمات بستگی ندارد بلکه به اشتیاق جان‌های ما»^۱.

۱- قدیس یوحنا کرزوستوم.

نیایش زبانی، یکی از عناصر اساسی زندگی مسیحی است. عیسا به شاگردانش که توسط دعای سکوت استاد خود شگفت زده هستند دعای «ای پدر ما» را با کلمات تعلیم می دهد. او نه تنها با صدای بلند دعاها را آیین نیایشی کنیسه را قرائت کرد بلکه همان گونه که اناجیل نشان می دهند او صدایش را برافراشت تا نیایش شخصی خود را بیان نماید که از صدای تمجید کننده ی پدر خود تا رنج و اندوه جتیمانی ادامه داشت.^۲

نیاز به فعال کردن از حواس در نیایش درونی با ویژگی طبیعت انسانی ما همسازی دارد. ما روح و جسم هستیم و نیازمند این که احساسات خود را به صورت ظاهری و بیرونی ابراز نماییم. بایستی با تمام وجودمان نیایش کنیم تا تمام نیروی ممکن را به دعای خود بدهیم.

این نیاز، هم چنین به اراده ی الهی نیز ارتباط دارد. خدا پرستندگان در روح و راستی را می طلبد و در نتیجه نیایش زنده ای را می خواهد که از اعماق جان و روح آدمی برخیزد. خدا بیان ظاهری جسم ما را که با نیایش درونی آمیخته باشد از ما می خواهد زیرا با این کار، پرستشی را که شایسته ی اوست به جا آورده می شود.

نیایش زبانی از آن جا که بیرونی و کاملاً انسانی است آسانترین و در دسترس ترین روش نیایش همگانی می باشد. در هر صورت، حتا نیایش درونی نیز نمی تواند از نیایش زبانی بی نیاز باشد. نیایش تا بدان حد درونی می شود که از او که «با وی سخن می گوئیم»^۳ شناخت داشته باشیم. بنابراین، نیایش زبانی، شکل ابتدایی نیایش تفکری می گردد.

۲- تعمق

تعمق ما قبل از هر چیز جستجو و طلب است. فکر و ذهن انسان جستجو می کند تا چگونگی و چرای زندگی مسیحی را درک کند، به این منظور که خود را با خواسته ی خداوند هم آهنگ کرده و به آن جواب دهد. حفظ بیداری و دقت لازم نیایش، همیشه کار مشکلی است، ما معمولاً برای این کار از کتاب بهره می گیریم و مسیحیان در این زمینه کمبودی ندارند، کتب مقدس مخصوصاً اناجیل، شمایل های مقدس، متون پرستشی روزانه یا فصول کلیسایی، نوشته های پدران روحانی، آثار روحانی، کتاب عظیم خلقت و کتاب تاریخ - صفحه ای که «امروز» خدا در آن نوشته شده.

تعمق بر آن چه می خوانیم ما را هدایت می کند تا آن را با وضعیت خود مقایسه کنیم و آن را از آن خود سازیم. در این جا کتاب دیگری گشوده می شود: کتاب حیات. ما از اندیشه به واقعیت گذر می کنیم. تا آن جا که فروتن و وفادار باشیم، در تعمق، حرکت هایی را کشف می کنیم که قلب ما را برمی انگیزد و ما می توانیم آنها را تمیز دهیم. اگر می خواهیم اعمالمان عین راستی و حقیقت باشد باید این سؤال روشن کننده را از خود بپرسیم که: «خداوند، تواز من می خواهی چه کاری انجام دهی؟»

تعداد شیوه های تعمق به اندازه ی تعداد استادان روحانی زیاد و متنوع می باشد. مسیحیان مرتباً این روش ها را برای اشتیاق بیشتر به تعمق به کار می برند تا شبیه آن سه نوع زمین نباشند که در ابتدای مثل «برزگر» ذکر شده است.^۴ هر روش، خود یک راهنما است. مهمترین موضوع این است که با روح القدس و در یگانه طریق نیایش یعنی عیسا مسیح پیشروی کرد.

۲- ر.ک مت ۱۱:۲۵-۲۶؛ مز ۱۴:۳۶

۳- قدیس ترزا.

۴- ر.ک مر ۴:۷-۱۵؛ ۱۹

تعمق با تفکر، تخیل، احساس و اشتیاق انسان سر و کار دارد. بسیج این توانایی‌های انسان برای عمیق‌تر کردن اعتقادات ایمان، ارتقای توبه‌ی قلبی و تقویت اراده‌ی خود برای پیروی از عیسا، ضروری است. نیایش مسیحی همانند قرائت کتب الهی یا دعای تسبیح حضرت مریم قبل از هرچیز می‌کوشد که بر رازهای عیسا تعمق و تأمل نماید. این نوع تعمق نیایشگرانه ارزش و اعتبار زیادی دارد اما نیایش مسیحی باید فراتر از اینها حرکت کند، باید تا معرفت محبت خداوند عیسا مسیح و تا اتحاد با او از پای ننشیند.

۳- نیایش تأملی

نیایش تأملی چیست؟ قدیس ترزا چنین جواب می‌دهد: «نیایش تأملی (oration mental) به عقیده‌ی من چیزی مگر مشارکتی صمیمانه بین دوستان نیست یعنی تخصیص اوقاتی برای تنها بودن هر چه بیشتر تا با او که می‌دانیم ما را دوست دارد».

نیایش تأملی «او را که جانم دوستش دارد»^۵ جستجو و طلب می‌کند. او عیسا است و در او پدر را می‌بینیم. ما او را می‌طلبیم زیرا مشتاق او بودن همیشه ابتدای محبت است. او را در آن ایمان پاک و خالص می‌طلبیم که باعث می‌شود از او متولد شویم و در او حیات داشته باشیم. در این نیایش درونی نیز می‌توانیم تعمق کنیم تا توجه ما بر خود خداوند متمرکز شود.

انتخاب «زمان و مدت نیایش از اراده‌ای قوی و آگاه نشأت می‌گیرد که اسرار دل را آشکار می‌سازد. هیچ‌کس نمی‌تواند نیایش تأملی داشته باشد مگر وقتی برای آن اختصاص دهد. کسی که برای خداوند وقت اختصاص می‌دهد باید تصمیم قاطع داشته باشد که تسلیم آزمایشات و ملاقات سرد احتمالی میانه راه نشود. انسان نمی‌تواند همیشه تعمق کند اما می‌تواند همیشه نیایش درونی داشته باشد، نیایشی که به وضعیت سلامت جسمانی، کار یا حالت احساسی وی بستگی ندارد. دل جایگاه این طلب و ملاقات در فقر و در ایمان است.

ورود به نیایش تأملی همانند ورود به آیین راز قربانی مقدس است: ما دل خود را «معطوف و متمرکز» می‌کنیم. تمام وجود خود را تحت قدرت روح القدس جمع‌آوری می‌نماییم، در جایگاه خداوند که خود ما هستیم ساکن می‌شویم و ایمان خود را بیدار می‌کنیم تا به حضور او که منتظر ماست برسیم. نقاب‌هایمان را برمی‌داریم و دل‌های خود را به سوی خداوند که ما را محبت می‌کند برمی‌گردانیم تا آن که خود را همانند قربانی به او تقدیم کنیم تا به دست او پاک و متبدل گردیم.

نیایش تأملی، نیایش فرزندان خداست، نیایش گناهکار بخشیده شده‌ای که محبت را با آغوش باز می‌پذیرد محبتی را که با آن محبت می‌شود، و می‌خواهد با محبت نمودن هرچه بیشتر به آن جواب دهد.^۶ ولی او می‌داند که محبت متقابلش توسط روح القدس در قلبش ریخته می‌شود زیرا همه چیز از رحمت خداست. نیایش تأملی ما تسلیم فروتنانه و فقیرانه به اراده‌ی محبت‌آمیز پدر در اتحاد هرچه عمیق‌تر با پسر محبوب او حاصل می‌شود.

۵- غزل: ۱: ۷؛ ک. ۳: ۱-۴ / ۶- ک. ۷: ۳۶-۵۰: ۱۹؛ ۱-۱۰ / ۱۰۷

نیایش تأملی، ساده ترین بیان راز نیایش است. این نیایش یک عطیه و یک فیض است که فقط در فروتنی و فقر روحانی دریافت می شود. نیایش تأملی ارتباط عهدی است که توسط خدا در دل هایمان پایه ریزی شده است.^۷ نیایش تأملی مشارکتی است که در آن تثلیث اقدس، انسان یعنی صورت خدا را «به شباهت او» در می آورد.

نیایش تأملی هم چنین بیش از هر چیز، زمان مخصوص وقف شده برای نیایش است. پدر وجود درونی ما را از طریق روح القدس خودش تقویت می بخشد «تا مسیح به وساطت ایمان در دل های [ما] ساکن شود و «در محبت ریشه کنیم».^۸

نیایش تأملی، نگاه خیره ی ایمان است که بر عیسای متمرکز شده. «من او را می نگرم و او نیز مرا می نگرد»: این سخنی است که یکی از روستائیان آرس درباره ی نیایش خویش در جلو قربانگاه به کشیش قدیس خود گفت. این تمرکز بر عیسا، فراموش کردن و چشم پوشی از خود است. نگاه عیسا دل های ما را پاک می سازد، نور چهره ی عیسا چشمان دل ما را منور می گرداند و ما را تعلیم می دهد که همه چیز را در نور راستی و محبت وی برای تمام بشریت بنگریم. تأمل هم چنین نگاه خود را به رازهای زندگی عیسا معطوف می کند. بنابراین «معرفت درونی خداوند» ما را می آموزد تا بیشتر او را محبت کرده پیروی نماییم.^۹

نیایش تأملی، شنیدن کلام خداست. چنین دقت و حساسیتی از انفعال بسیار به دور بوده و اطاعت ایمان، قبول بی قید و شرط یک غلام، تعهد و اطاعت محبت آمیز یک کودک می باشد. نیایش تأملی در جواب مثبت پسر که خادم و بنده شد و در آری گفتن کنیز فروتن خداوند خلاصه می شود.

نیایش تأملی به معنای سکوت «سمبول دنیای آینده»^{۱۰} یا «محبت خاموش»^{۱۱} می باشد. کلمات در این نوع نیایش به صورت سخن ادا نمی شوند. کلمات همانند مشعلی است که آتش محبت را برمی افروزد. در این سکوت غیرقابل تحمل برای انسان «بیرونی» است که پدر کلمه ی خود را که انسان شد، رنج کشید، مرد و برخاست و سخن می گوید. روح فرزند خواندگی در این سکوت، ما را قادر می سازد تا در نیایش عیسا مشارکت نماییم.

نیایش تأملی، شراکت و اتحاد با عیسا است تا حدی که بتوانیم در راز او مشارکت جویم. کلیسا راز عیسا را در قربانی مقدس برگزار می کند و روح القدس آن را در نیایش تأملی، احیا می نماید به طوری که محبت ما آن را در اعمالمان آشکار می سازد.

نیایش تأملی مشارکت در محبت است که به انسان های کثیری حیات می بخشد تا جایی که شخص راضی می شود در شب تاریک روحانی سفر نماید و به ایمان وفادار می ماند و پیش می رود شب گذر، عید رستاخیز، از شب درد و رنج و قبر می گذرد - سه عنصر اصلی ساعت های عیسا که روح او [و نه «جسمش که ضعیف است»] فرا می رسد که ثمرات زندگی در نیایش را حیات می بخشد. ما باید همراه او و با اراده بخواهیم که «یک ساعت با [او] بیدار باشیم».^{۱۲}

۷-ر.ک ار ۳۱:۳۳

۱۰-قدیس اسحاق نینوا.

۱۱=قدیس یوحنا صلیبی.

۱۲-ر.ک مت ۲۶:۴۰

۸-افس ۳:۱۶-۱۸

۹-قدیس ایگناسیوس اهل لایولا.

خلاصه

کلیسا ایمانداران را به نیایش مرتب و مداوم دعوت می‌کند: نیایش‌های روزانه، آیین نیایشی ساعت‌ها، قربانی مقدس یکشنبه، اعیاد سالنامه آیین نیایشی.

سنت مسیحی شامل سه روش اصلی زندگی نیایشی است: نیایش زبانی، تعمق و تأمل. نکته‌ی مشترک این سه روش، تفکر قلبی است. نیایش زبانی که در طبیعت انسانی بر اتحاد جسم در روح بنا شده، بدن را با نیایش درونی قلب پیوند می‌دهد که همانا پیروی از نمونه‌ی نیایش مسیحی به پدر و تعلیم نیایش «ای پدر ما» به شاگردانش می‌باشد.

تعمق، جستجوی همراه با دعاست که با اندیشه، تخیل، احساس و اشتیاق انسانی سروکار دارد. هدف آن تملک موضوع مورد نظر در مواجهه آن با واقعیت زندگی خودمان است.

نیایش تأملی، ساده‌ترین بیان راز نیایش است. نگاه دقیق ایمان است که بر عیسا متمرکز شده، توجه دقیق به کلمه‌ی خدا و محبت خاموش است. با نیایش در نام عیسا به اتحاد واقعی دست می‌یابیم تا جایی که در راز او سهیم می‌شویم.



قسمت دوم

نبرد نیایش

(قبل از خواندن متن ذیل، کتاب مقدس را بخوانیم: پید ۳۲:۲۳-۳۳)

ای که چون تو در زمانه نیست کس الهه خلق را فریاد رس

(مثنوی، اول، ۵۵۶)

نیایش، هم عطیه‌ی فیض است و هم جواب آگاهانه و قطعی ما. نیایش، همیشه مستلزم کوشش و جدیت است. چهره‌های بزرگ نیایش عهدعتیق قبل از عیسا، هم چنین مادر خدا، مقدسین و خود او همگی ما را تعلیم می‌دهند که: نیایش یک نبرد است. نبرد علیه چه کسی؟ علیه خودمان و علیه وسوسه‌های وسوسه‌کننده که هر کاری بتواند می‌کند تا ما را از دعا روگردان و از اتحاد با خدا منحرف نماید. همان‌گونه که زندگی می‌کنیم به همان صورت نیز نیایش می‌کنیم. زیرا نیایش ما نیز همانند زندگی ماست. اگر نخواهیم معمولاً طبق روح عیسا عمل کنیم نمی‌توانیم در نام او نیز مرتباً نیایش کنیم. «نبرد روحانی» زندگی نوین مسیحی، از نبرد نیایش جدا ناشدنی است.

۱- اعتراض و ایراد بر نیایش

در نبرد نیایش، ما بایستی با درخواست‌های نادرست درباره‌ی نیایش، در درون خود و اطرافمان مقابله کنیم. بعضی‌ها، نیایش را فعالیت ساده روانشناسی و برخی دیگر تلاش برای تمرکز، جهت رسیدن به یک خلاء ذهنی می‌دانند. با این وجود، کسانی نیز هستند که نیایش را تا حد کلمات و حالات مذهبی پایین می‌آورند و از روح نیایش غافل می‌مانند. بعضی مسیحیان، ناخودآگاه نیایش را

مشغولیتی ناسازگار نسبت به دیگر کارهایشان می‌دانند: آنها «وقتش را ندارند». کسانی که خدا را از طریق نیایش می‌جویند به سرعت نومید می‌شوند زیرا نمی‌دانند که نیایش نیز از روح القدس سرچشمه می‌گیرد و وجود آنها به تنهایی قادر به نیایش نمی‌باشد.

هم چنین باید در نظر داشت که گاه نیز روبه‌رو شویم که برخی دیدگاه‌ها که از ذهنیات و روحیات «دنیای کنونی» مشتق شده اگر چنانچه بیدار نباشیم در زندگی ما نفوذ می‌کنند. مثلاً بعضی می‌پندارند تنها چیزی حقیقت دارد که بتوان با دلیل و علم صحت آن را معلوم کرد، با این وجود، نیایش رازی است برتر از زندگی خودآگاه و ناخودآگاه ما. برخی بیش از حد به تولید و سود اهمیت و بها می‌دهند بنابراین، نیایشی که مولد نیست در نظر آنها بی‌ارزش و بی‌فایده می‌نماید. هنوز کسانی هستند که آسایش و لذات جسمانی را معیار حقیقت، نیکی و زیبایی می‌دانند در حالی که نیایش «محبت زیبایی» (*Philokalia*) است که در جلال خدای زنده و راستین به دست می‌آید. و بالاخره برخی نیایش را فرار از دنیا در واکنش نسبت به فعالیت‌گرایی می‌دانند اما نیایش مسیحی در واقع نه فرار از واقعیت است و نه ترک زندگی.

بالاخره، نبرد ما باید با واقعیت تجربه‌ی ما به عنوان شکست در نیایش مقابله نماید یعنی با احساساتی از قبیل نومیدی در طی دوره‌های بی‌ثمری، غم و اندوه از آن رو که «اموال بسیار»^{۱۳} داریم و همه را به خداوند نمی‌دهیم، یأس از این که طبق خواسته‌مان مستجاب نمی‌شویم، غرور زخمی که به وسیله‌ی هتک حرمتی که هم چون گناه بر ما وارد می‌شود، مقاومت ما در مقابل این طرز تفکر که نیایش عطیه‌ای آزاد و مستقل از لیاقت ماست و غیره. نتیجه همیشه یکی است: نیایش کردن چه فایده‌ای دارد؟ برای رفع این موانع بایستی جنگید تا فروتنی، اعتماد و پشتکار را به دست آورد.

۲- بیداری فروتنانه‌ی قلبی

مواجهه با مشکلات در نیایش

مشکل همیشگی در دعا کردن، حواس‌پرتی و عدم تمرکز است. این عامل بر کلمات و مفهوم آنها در نیایش زبانی تأثیر می‌گذارد هم چنین می‌تواند به آن شخصی که ما به او نیایش می‌کنیم چه در نیایش زبانی (آیینی، شخصی) چه در نیایش تعمقی و تأملی مؤثر باشد. عزم و تلاش جدی جهت از بین بردن این مشکل، منجر خواهد شد که در دام آن بیفتیم. در حالی که آن چه واقعاً الزامی و اساسی است بازگشت به دل خویش است: زیرا عدم تمرکز برای ما روشن می‌سازد که به چه چیزی چسبیده‌ایم و این آگاهی متواضعانه در مقابل خداوند، محبت قلبی ما را نسبت به او بیدار نموده و به طور جدی و مصمم ما را هدایت می‌کند که دل‌های خود را به جهت پاک شدن به او تقدیم نماییم. نکته‌ی اصلی نبرد همین جاست که کدام آقا را برای خدمت انتخاب کنیم.^{۱۴}

نبرد علیه این حس تملک و سلطه‌گری در مفهوم مثبت آن، مستلزم بیداری و مراقبت یعنی هشیاری دل است. وقتی عیسا بر بیداری تأکید می‌کند همواره آن را به خود و در رابطه با آمدنش در ایام آخر و هر روز یعنی امروز نسبت می‌دهد. داماد در نیمه شب می‌آید: چراغی که نباید هرگز خاموش شود چراغ ایمان است: «دل من به تو می‌گوید که گفته‌ای روی مرا بطلیید».^{۱۵}

۱۳- ر.ک مر: ۱۰/ ۲۲

۱۴- ر.ک مت: ۶/ ۲۱، ۲۴

۱۵- مز: ۲۷/ ۸

مشکل دیگر مخصوصاً برای کسانی که صمیمانه می‌خواهند نیایش کنند بی‌ثمری است. بی‌ثمری مربوط به نیایش تأملی وقتی که دل از خدا دور است و هیچ رغبتی به افکار، خاطرات و احساسات حتی احساسات روحانی ندارد. فقط ایمان پاک و خالص است که در درد و رنج و در قبر عیسا با وفاداری به او همراهی می‌کند. «اگر دانه ی گندم که در زمین می‌افتد نمیرد تنها ماند لیکن اگر بمیرد ثمر بسیار آورد».^{۱۶} اگر بی‌ثمری به دلیل بی‌ریشگی است از آن رو که کلام بر سنگلاخ می‌افتد، پس این نبرد مستلزم بازگشت و اصلاح می‌باشد.^{۱۷}

مواجهه با وسوسه‌ها در نیایش

رایج‌ترین و در عین حال پنهان‌ترین وسوسه، بی‌ایمانی ماست. این مشکل را کمتر می‌توان با ایمانی لفظی دریافت بلکه بیشتر به اعمال ما مربوط می‌شود. هزاران کار و نگرانی را در اولویت ضروری قرار می‌دهیم. این جا نیز بار دیگر لحظه‌ای پیش می‌آید که دل انسان با حقیقت روبه‌رو می‌شود: محبت واقعی قلب چیست؟ گاهی به سوی خداوند به عنوان آخرین پناهگاه رجوع می‌کنیم اما آیا واقعاً ایمان داریم که او آخرین پناهگاه و ملجای ماست؟ گاهی خداوند را دوست و یاور خود می‌خوانیم اما دلمان هم‌چنان مغرور و متکبر باقی می‌ماند. در هر صورت بی‌ایمانی ما نشان می‌دهد که دلی فروتن و حلیم نداریم: «جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد».^{۱۸}

وسوسه‌ی دیگری که از غرور و خودبینی حاصل می‌شود سستی است. منظور نویسندگان روحانی از این کلمه، شکلی از افسردگی و اندوه است که از سهل‌انگاری و سستی در تمرین و انجام ریاضت سرچشمه گرفته و باعث کاهش بیداری و بی‌توجهی دل می‌شود: «روح راغب است لیکن جسم ناتوان».^{۱۹} هرچه جسم سنگین‌تر باشد سقوط آن شدیدتر خواهد بود. گرچه نومییدی دردآور است، اما برعکس غرور و خودبینی می‌باشد. فروتنان از تنگدستی خود متعجب نمی‌شوند زیرا آنها را به سوی اعتماد بیشتر و تداوم محکم‌تر هدایت می‌کند.

۳- اعتماد فرزندی

اعتماد صمیمانه در رنج و تجربه آزموده می‌شود و خود را اثبات می‌کند.^{۲۰} مشکل اصلی به دعای درخواست برای خود یا دیگران در شفاعت مربوط می‌شود. برخی حتا دعا کردن را ترک می‌کنند زیرا می‌پندارند استغاثه‌ی آنها مستجاب نمی‌شود. در این جا دو سؤال مطرح می‌گردد: چرا فکر می‌کنیم استغاثه‌ی ما مستجاب نمی‌شود؟ در چه صورت نیایش ما «موثر» است؟

۱۶- یو ۱۲: ۲۴/

۱۷- ر.ک لو: ۸: ۶، ۱۳/

۱۸- یو ۱۴: ۵/

۱۹- مت ۲۶: ۴۱/

۲۰- ر.ک روم: ۸: ۲۶/

چرا از مستجاب نشدن نیایش شکایت می‌کنیم؟

قطره‌ی دانش که بخشیدی ز پیش متصل‌گردان به دریا‌های خویش
(مثنوی، اول، ۱۸۸۰)

قبل از هر چیز باید از این حقیقت شگفت‌زده شویم که: وقتی خدا را برای تمام محبت‌هایش شکر و سپاس می‌گوییم کمتر به این مسأله توجه می‌کنیم که آیا نیایش ما را می‌پذیرد یا خیر، اما از طرف دیگر می‌خواهیم نتایج استغاثه‌های خود را به چشم ببینیم. برداشت ما از خدا که محرک نیایش ماست چیست: ابزاری است که به کار می‌بریم؟ یا پدر خداوند ما عیسی مسیح؟
آیا متقاعد شده‌ایم که «آن چه که دعا می‌کنیم به طوری که می‌باید نمی‌دانیم»؟^{۲۱} آیا «آن چه را که برای ما نیکوست» از خدا می‌طلبیم؟ پدر ما حاجات ما را می‌داند پیش از آن که از او سؤال کنیم^{۲۲} اما او منتظر درخواست ما می‌شود زیرا شان و مرتبه‌ی فرزندانش در آزادی آنها نهفته است. ما باید با روح آزادی دعا کنیم تا بتوانیم آن چه را که او می‌خواهد تشخیص دهیم.^{۲۳}
«می‌طلبید و نمی‌یابید زیرا به درستی نمی‌طلبید و برای نفع خود جستجو می‌کنید».^{۲۴} اگر با دل منقسم سؤال کنیم «زانیات» هستیم^{۲۵} و خدا ما را مستجاب نمی‌کند زیرا او سلامتی یعنی حیات ما را می‌خواهد. «آیا گمان دارید که کتاب عبث می‌گوید: او به روحی که در ما ساکن کرده است تا به غیرت اشتیاق دارد؟»^{۲۶} این که خدای ما برای ما «غیور» است نشانه‌ی حقیقت محبت وی می‌باشد. اگر اراده‌ی روح خدا را بطلبیم مستجاب خواهیم شد.
اگر آن چه را که از خدا طلبیده‌اید فوراً به دست نمی‌آورید نگران و مضطرب نشوید زیرا زمانی که در دعا با او یکی می‌شوید چیزهای بسیار بزرگتر به شما خواهد داد.
خدا اراده می‌کند که خواسته‌های دل ما در دعا گفته شود تا بتوانیم آن چه را که او برای ما آماده کرده است دریافت کنیم.

چگونه نیایش ما مؤثر است؟

هر چه گویی مر تو را فرمان برم در بد و نیک آمدن آن ننگرم (مثنوی، دفتر اول، ۲۶۴۴)
مکاشفه‌ی نیایش در کار نجات به ما تعلیم می‌دهد که اساس ایمان، بر کار خدا در تاریخ قرار گرفته است. اعتماد فرزندی ما توسط عمل برجسته‌ی او فروزان می‌شود یعنی به وسیله‌ی درد و رنج و رستخیز پسرش. نیایش مسیحی، همکاری با مشیت الهی یعنی طرح محبت وی برای انسان‌هاست.
این اعتماد از دیدگاه حضرت پولس بر نیایش روح در ما و بر محبت وفاداران پدر که پسر یگانه خود را برای ما داد، استوار است.^{۲۷} دگرگونی دل نیایشگر اولین جواب درخواست ماست.

۲۵-۴:۴

۲۶-۴:۵

۲۷-۱۰:۱۳-۱۲:۸:۲۶-۳۹/

۲۱-۸:۸

۲۲-۸:۶

۲۳-۸:۸

۲۴-۴:۳:۴. ک تمام متن بع ۴:۱-۱:۱۰-۵:۸:۱۶/

نیایش عیسا، نیایش مسیحیان را تبدیل به درخواست مؤثر می‌کند. او خود الگوی آن است زیرا او در ما و با ما نیایش می‌کند. از آن جا که قلب پسر فقط رضایت پدر را می‌جوید چگونه نیایش فرزندخواندگان می‌تواند به جای این که بر بخشنده متمرکز شود به بخشش‌ها معطوف باشد؟ عیسا هم چنین برای ما نیایش می‌کند - به جای ما و از طرف ما - تمام درخواست‌های ما یک بار و برای همیشه در فریاد عیسا بر صلیب جمع شد و پدر در رستاخیزش آنها را مستجاب نمود. به این دلیل است که او همیشه نزد پدر برای ما شفاعت می‌کند.^{۲۸} اگر نیایش ما در اعتماد و غیرت فرزندان با نیایش عیسا کاملاً یکی شود هر آن چه را که به اسم او بطلبیم به دست می‌آوریم حتی بیشتر از تمام آن چه خود خواسته‌ایم، روح القدس را دریافت می‌کنیم که در بردارنده ی تمام نعمت‌هاست.

۴- استقامت و پشتکار در محبت

لذت الهام و وحی و راز او (مثنوی، ۱، اول، ۱۲۰۸)

«همیشه دعا کنید... پیوسته به جهت هر چیز خدای پدر را به نام خداوند ما عیسا مسیح شکر کنید».^{۲۹} پولس رسول در ادامه اضافه می‌کند: «با دعا و التماس تمام، در هر وقت در روح دعا کنید و برای همین به اصرار و التماس تمام به جهت همه ی مقدسین بیدار باشید».^{۳۰} زیرا «به کار، مراقبت و روزه ی مداوم فرمان داده نشده ایم اما نوشته شده است که همیشه دعا کنیم». این اشتیاق شدید و خستگی ناپذیر فقط از محبت ناشی می‌شود. نبرد نیایش، برخلاف تنبلی و سستی ما، فروتنی، اعتمادکننده و محبت پایدار است. این محبت دل‌های ما را به روی سه واقعیت روشن‌گر و زندگانی بخش ایمان درباره ی نیایش آگاه می‌کند.

دعا کردن همیشه ممکن است: زمان فرد مسیحی، زمان عیسا رستاخیز کرده است که همیشه با ماست بدون توجه به توفان‌هایی که ممکن است به وقوع بپیوندد.^{۳۱} زمان ما در دست‌های خداست: نیایش مشتاقانه و شدید حتی زمانی که در میان جمع یا تنها یا در محل کار خود هستیم ممکن است... وقتی که خرید و فروش می‌کنیم... یا حتی زمانی که در حال آشپزی هستیم.^{۳۲} نیایش یک ضرورت حیاتی است. دلایل مخالف این گفته تا همین اندازه متقاعدکننده هستند: اگر اجازه ندهیم روح ما را هدایت کند بار دیگر به اسارت گناه می‌افتیم.^{۳۳} چگونه روح القدس می‌تواند در زندگی ما باشد درحالی که دل ما از او دور است؟

هیچ چیزی با نیایش برابری نمی‌کند زیرا نیایش، هر غیرممکن را ممکن می‌سازد و آن چه را که مشکل است آسان می‌نماید. برای انسانی که دعا می‌کند غیرممکن است بتواند گناه کند.^{۳۴} آنانی که نیایش می‌کنند یقیناً نجات می‌یابند، آنانی که نیایش نمی‌کنند یقیناً خودشان را محکوم می‌نمایند.^{۳۵}

۳۲- قدیس یوحنا کریزوستوم.

۳۳- ر.ک غلا: ۵: ۱۶-۲۵

۳۴- قدیس یوحنا کریزوستوم.

۳۵- قدیس آلفونس لیگوری.

۲۸- ر.ک عبر: ۷: ۵: ۷: ۲۵: ۹: ۲۴

۲۹- ۱- تنسا: ۵: ۱۷: ۵: ۱۷: ۵: ۲۰

۳۰- افس: ۶: ۱۸

۳۱- ر.ک مت: ۲۸: ۲۰: ۸: ۲۴

نیایش و زندگی مسیحی جدائی ناپذیرند زیرا موضوع آنها: محبت و چشم پوشی است که از محبت مشتق می شود، مطابقت فرزند گونه و محبت آمیز با طرح محبت پدر، مشارکتی تبدیل کننده در روح القدس است که ما را بیشتر و بیشتر با عیسای مسیح منطبق می سازد، محبت برای تمام انسان ها همان محبتی که عیسا با آن ما را محبت نمود، می باشد. «هرچه از پدر به اسم من طلب کنید به شما عطا خواهد کرد. به این چیزها شما را حکم می کنم تا یک دیگر را محبت نمایید». ۳۶

او که «بی وقفه دعا می کند» نیایش را به اعمال و اعمال نیکورا به نیایش پیوند می دهد. تنها به این طریق می توانیم به طور شایسته اهمیت و اساسی بودن نیایش مداوم را درک کنیم. ۳۷

نتیجه: نیایش عیسا در ساعت های خاص

در دل مؤمن بگنجم ای عجب گر مرا جویی در آن دل ها طلب

(مثنوی، اول، ۲۶۵۵)

عیسا وقتی «ساعتش» فرا رسید به پدر نیایش کرد.^{۳۸} نیایش وی که طولانی ترین نیایشی است که انجیل ذکر کرده، تمام تدبیر خلقت و نجات را، همانند مرگ و رستاخیزش دربر می گیرد. نیایش ساعت عیسا همیشه از آن او باقی می ماند، درست همان گونه که گذر او «یک بار و برای همیشه» در آیین نیایش کلیسایش تا به ابد باقی خواهد ماند.

سنت مسیحی به درستی، این نیایش را نیایش «کهنانتی» عیسا می نامد. این نیایش کاهن اعظم ماست، این نیایش از قربانی وی و از گذر وی به سوی پدری که عیسا خود را کاملاً به او وقف نموده، جدایی ناپذیر می باشد.^{۳۹}

در این نیایش، گذر و قربانی، همه چیز در عیسا تجمع می یابد.^{۴۰} خدا و دنیا، کلمه و جسم، حیات ابدی و زمان، محبتی که خود را می دهد و گناهی که به آن مخالفت می ورزد، شاگردان حاضر و کسانی که به واسطه ی کلام شاگردان، به او ایمان خواهند آورد، فروتنی و جلال. نیایش ساعت عیسا نیایش اتحاد و یگانگی است.

عیسا کار پدر را کاملاً به کمال رساند، نیایش عیسا همانند قربانی خود تا انتهای زمان ادامه دارد. نیایش این ساعت، زمان های آخر را پر می سازد و آنها را به سوی کمال و سرنوشت خود پیوند می دهد. عیسا، پسری که پدر همه چیز را به وی داد، خود را کاملاً به پدر سپرد و در عین حال خود را با آزادی مطلق،^{۴۱} توسط قابلیت نیرویی که پدر بر کل بدن به وی داده بود بیان می کند. پسر که خود را خادم ساخت، خداوند و قادر مطلق (*pantocrator*) است. کاهن اعظم ما که برای ما دعا می کند همانی است که در ما نیایش می کند و خدایی است که نیایش ما را می شنود.

با وارد شدن در نام قدوس خداوند عیسا می توانیم نیایشی را که به ما تعلیم می دهد یعنی «ای پدر ما» را از درون ببذیریم. نیایش کهنانتی وی از درون درخواست های بزرگ نیایش خداوند (دعای ربانی) را به کمال و تحقق می رساند: توجه به نام پدر،^{۴۲} تعلق شدید برای ملکوت (جلال) او،^{۴۳} انجام اراده ی پدر و طرح او برای نجات انسان ها^{۴۴} و رهایی از شریر.^{۴۵}

سرانجام، عیسا در این نیایش، «شناخت» تفکیک ناپذیر پدر و پسر^{۴۶} را برای ما ظاهر کرده و به ما می دهد که خود بزرگترین راز زندگی نیایش است.

۳۸- ر.ک یو ۱۷.
 ۳۹- ر.ک یو ۱۱:۱۷، ۱۳، ۱۹.
 ۴۰- ر.ک افس ۱:۱۰.
 ۴۱- ر.ک یو ۱۱:۱۷، ۱۳، ۱۹، ۲۴.
 ۴۲- ر.ک یو ۱۷:۱۵.
 ۴۳- ر.ک یو ۱۷:۳، ۱۰-۶، ۲۵.
 ۴۴- ر.ک یو ۱۷:۱، ۲، ۴، ۶، ۹، ۱۱، ۱۲، ۴.
 ۴۵- ر.ک یو ۱۷:۱۵.
 ۴۶- ر.ک یو ۱۷:۳، ۱۰-۶، ۲۵.

خلاصه

نیایش مستلزم کوشش است، نبردی علیه خودمان و وسوسه‌های وسوسه‌کننده است. نبرد نیایش از «نبرد روحانی» که لازمه‌ی عمل دائمی برطبق روح عیسا است جدایی ناپذیر می‌باشد: ما همان‌گونه که زندگی می‌کنیم نیایش می‌کنیم زیرا همان‌گونه که نیایش می‌کنیم زندگی خواهیم کرد.

بایستی در نبرد نیایش با دیدگاه‌ها و تفکرات غلط در مورد نیایش، با جریان‌های مختلف فکری و تجارب خودمان با ناتوانی و اشتباه مقابله کنیم. و نیز می‌بایست به این وسوسه‌ها که کارآیی یا حتی امکان نیایش را مورد تردید قرار می‌دهند با فروتنی و اعتماد و پشتکار مقابله نماییم.

مشکلات عمده و اساسی در انجام نیایش حواس پرتی (عدم تمرکز) و بی‌ثمیری است. چاره و علاج این مشکلات در ایمان، توبه و بیداری دل نهفته است.

دو وسوسه که عمدتاً نیایش را تهدید می‌کنند بی‌ایمانی و سستی می‌باشند. سستی که نوعی افسردگی بوده و از سستی در ریاضت روحانی ناشی می‌شود به نومییدی می‌انجامد.

اعتماد صمیمانه هنگامی که احساس می‌کنیم نیایش ما همیشه مستجاب نمی‌شود آزموده می‌گردد. انجیل ما را دعوت می‌کند که درباره‌ی شباهت و تطابق نیایش خود با خواست روح القدس از خودمان سؤال کنیم.

«همیشه دعا کنید» (۱-تسا:۵:۱۷). امکان نیایش همیشه وجود دارد. نیایش حتی یک ضرورت حیاتی است. نیایش و زندگی مسیحی کاملاً به هم وابسته‌اند.

نیایش ساعت عیسا که به درستی «نیایش کهناتی» (ر.ک یو:۱۷) نامیده می‌شود تمامی تدبیر و کار خلقت و نجات را در برمی‌گیرد و درخواست‌های بزرگ دعای «ای پدر ما» را به تحقق و انجام می‌رساند.



سوال برای تعمق بیشتر:

- در دو یا سه سطر، تعریف نیایش را طبق تجربه‌ی خودتان بنویسید و بعد با جمله‌ی بعدی مقایسه کنید.
- ۱- «او من را می‌نگرد و من او را می‌نگرم» این جمله، جواب یک کشاورز پیر به کشیش خود می‌باشد، و ببینید خواهر ترز اهل لیزیو از نیایش چه تعریفی می‌کرد؟
- ۲- اگر نیایش مسیحی چنان که در سوال یک گفته شد، چنین باشد، با نماز مسلمانان چه شباهت‌ها و چه فرق‌های دارا است؟
- ۳- از چه نوع نیایشی بیشتر استفاده می‌کنید: سپاسگزاری؟ تعمق؟ استغاثه؟ تنهای و سکوت؟ آواز خواندن در جماعت؟ چرا؟



کتاب جهت مطالعه بیشتر:

- ۱- در طلب روح القدس.
- ۲- نیایش، جلد یک.
- ۳- نیایش، جلد دو.
- ۴- دعای سپاسگزاری بر سر سفره ی غذا.
- ۵- داستان هایی از تجارب روحانی یک زائر روس.
- ۶- تسییح جهت دعای مداوم.
- ۷- دعای برخاسته از دل.
- ۸- سفر روحانی.
- ۹- مکتب نیایش.
- ۱۰- شهادت برای نیایش.
- ۱۱- نیایش کلیساهای شرق، جلد ۳.

برای کامل کردن این تعلیم مهم درباره ی نیایش، می توان در اتمام جلد دوم این کتاب، تفسیر نیایش ای پدر ما را مطالعه کرد.

تولد خداوند ما عیسی‌ای مسیح فهرست

۷۴	فصل اول: آیا انسان به شباهت خدا نیست؟
۷۴	الف - آفرینش
۸۱	سرود خورشید (از قدیس فرانسیس)
۸۳	ب - آفرینش انسان
۸۸	ج - هبوط
۹۱	خلاصه تعلیمات رسمی
۹۲	یک تبصره ی کلی برای بهتر خواندن عهد عتیق
۹۳	ضمیمه: کتاب مقدس چیست؟
۹۷	آیا اهل کتاب هستیم؟
۹۹	پدران کلیسا
۱۰۱	فصل دوم: از عزل تا امیدواری: ایوب
۱۰۷	فصل سوم: آدم جدید: راز تن گیری
۱۰۷	الف - اعلام مژده ی فرشته به مریم
۱۰۷	سرود عید مژده به مریم
۱۰۸	تفسیر شمایل مژده ی فرشته به مریم
۱۱۰	نردبان یعقوب

۱۱۱	ب - باکره ی آیت
۱۱۴	تفسیر «مژده ی فرشته به مریم»
۱۱۶	سرود مریم
۱۱۶	اشعیا شادی کن
۱۱۸	خلاصه ی تعلیمات رسمی
۱۱۹	ضمیمه: برادران عیسا
۱۲۱	ج - میلاد مسیح
۱۲۲	راز میلاد مسیح
۱۲۶	سرود عید میلاد
۱۲۷	سرود دومین شنبه بعد از عید میلاد
۱۳۱	خلاصه ی تعلیمات رسمی
۱۳۳	چهار انجیل در جریان سنت کلیسایی

فصل اول

آیا انسان به شباهت خدا نیست؟

الف: آفرینش

از برای لطف عالم را بساخت ذره‌ها را آفتاب او نواخت

(مثنوی، دوم، ۲۶۳۲)

«در ابتدا خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید و زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا سطح آب‌ها را فرو گرفت» (پیدا: ۱-۲).

با این کلمات است که کتاب پیدایش، نخستین کتاب از «کتب مقدس» آغاز می‌گردد. اصل و اساس کتاب پیدایش به تعلیمات حضرت موسی که شخصیت مقتدرش بر کل تاریخ قوم خدا تأثیر گذاشته است، باز می‌گردد.

خوب دقت کنیم می‌بینیم که در سطور بالا از چگونگی آفرینش دنیا سخنی به میان نیامده است. قوم یهود همیشه فاصله‌ی زیادی که آفریدگار و مخلوق را از هم جدا می‌سازد احساس می‌نمود. کتاب دوم مکابیان که حاوی شرح مبارزه‌ی اسرائیلیان ایماندار بر علیه یونانیانی است که جانشینان ظالم اسکندر بودند، کتابی است متأخرتر از کتب دیگر و تأیید این عقیده که دنیا از هیچ آفریده شده را تنها در متن این کتاب و به شرح زیر می‌یابیم:

«هفت برادر، توسط آنتیوخوس دستگیر و در حالی که مادرشان آنها را تقویت و تشویق می‌نمود یکی پس از دیگری کشته شدند. موقعی که نوبت به آخرین برادر رسید مادرش به او گفت: «آسمان و زمین را بنگر و آن چه را که در آن جا هست ببین و بدان که خدا آنها را از هیچ به وجود آورده و نسل آدمی نیز به همین ترتیب آفریده شده است» (۲-مک ۷: ۲۸).

مطلب مذکور ما را به یاد جمله‌ای از دعای بزرگ آیین سپاسگزاری که کشیش در ضمن عبادت ادا می‌کند، می‌اندازد: «از نیستی، تو ما را به هستی آورده‌ای».

جوان: پس در ابتدا و در آغاز چه بوده است؟

پیر: غیر از خدا هیچ، و همه چیز به وسیله‌ی او آفریده شد و تنها اوست که آفریده نشد چون او همان است که همه چیز را آفرید (ر.ک یو: ۱: ۳).

جوان: پس این فلسفه است؟

پیر: نه، هیچ فیلسوفی از عصر کهن در این باره اندیشه‌ای ارائه نداده است. یونانی‌ها در اندیشه‌ی خود هنرمندی مافوق ساخته و نامش را «نیمه خدا» گذاشته بودند که نظم و ترتیب کیهان^۱



را که در طبیعت می بینیم از حالت هرج و مرج ابتدایی خارج نموده است. ولی نتیجه ی این اندیشه آن است که هنرمند می بایست نظم و ترتیب را در ماده ای به وجود آورده باشد که از قبل موجود بوده است.

جوان: کتاب مقدس در این باره چه می گوید؟



پیر: انسان نمی توانست به تنهایی آن چه را که کتاب مقدس می گوید درک کند. خود خدا آن را به ما آموخت و بر ما آشکار ساخت. کتاب مقدس به ما می گوید که خداوند تنها توسط کلام آفریننده خود به مخلوقات موجودیت و هستی بخشید. خدا می گوید: «روشنایی بشود» و روشنایی پدید می آید. کافی است که خدا بگوید تا موجودات به هستی در آیند و کلام اوست که هستی موجودات را تشکیل می دهد.



جوان: معنی «کلام» در این تعریف چیست؟



پیر: «کلام» یعنی سخن که به زبان یونانی «لوگوس» گفته می شود و اصطلاحی است که حضرت یوحنا ی انجیل نگار، برای توصیف پسر یکتای خدا به کار می برد (یو: ۱).



جوان: خدا می گوید و موجودات به هستی می آیند ولی موجودات حرکت می کنند و تکامل



می یابند. آیا خدا تکامل را نیز به وجود آورد؟

پیر: نَفَس خداست که به جهان زندگی می بخشد. نفس به یونانی «پنوما» گفته می شود و همان واژه ای است که در کتاب عهد جدید برای مشخص کردن روح القدس به کار رفته. کتاب مقدس به ما می گوید: «روح خدا سطح آب ها را فرو گرفت». کتاب تثنیه، کتاب دیگری از کتب مقدس چنین توضیح می دهد: «مثل عقابی که آشیانه خود را حرکت دهد و بچه های خود را فرو گیرد» (تث ۳۲: ۱۱) یعنی جوجه هایی که با نشستن عقاب بر روی تخم ها چشم به دنیا می گشایند و در زیر بال و پرش بزرگ می شوند، به همین طریق نیز روح خدا، زندگی را شکوفا ساخته و موجودات را به سوی تکامل می برد.



جوان: چگونه بدانیم که خدا همه چیز را آفریده؟ آخر کسی او را مشغول کار ندیده است.



پیر: کشف این موضوع که یک شخص همه چیز را از خلأ، از هیچ، از نیستی خارج ساخته خود شروع باور به خداست. این آغاز، چیزی است که نامش را ایمان نهاده اند و ما در رساله به عبرانیان چنین می خوانیم: «به ایمان فهمیده ایم که عالم ها به کلمه ی خدا مرتب گردید حتماً آن که چیزهای دیدنی از چیزهای نادیدنی ساخته شد» (عبر ۱۱: ۳). کتاب مقدس برای تعلیم این حقیقت روایتی دارد که برای انسان های تمام دوران ها اعم از دانشمندان یا شاعر، پیر یا جوان قابل درک می باشد.



«خدا روشنایی را از تاریکی جدا ساخت...»

و شام بود و صبح بود:

روزی اول.

خدا گفت فلکی باشد... و شام بود و صبح بود:

روزی دوم.

خدا گفت آب های زیر آسمان در یک جا جمع شود

و خشکی ظاهر شود... و خدا خشکی را

زمین نامید و اجتماع آب ها را دریا نامید

خدا گفت زمین نباتات برویاند... علف

و درخت میوه و چنین شد و خدا دید

که نیکوست و شام بود و صبح بود:

روزی سیم.

و خدا گفت نیرها در فلک آسمان باشند...

نیر اعظم را برای سلطنت روز

و نیر اصغر را برای سلطنت شب

و ستارگان... و خدا دید که نیکوست.

و شام بود و صبح بود:

روزی چهارم.

و خدا گفت آب ها به انبوه جانوران پر شود

و پرندگان بالای زمین پرواز کنند...

و چنین شد... و خدا دید که نیکوست.

و خدا آنها (ماهیان و پرندگان) را برکت داد...

و شام بود و صبح بود:

روزی پنجم.

و خدا گفت زمین جانوران را بیرون آورد:

بهایم و حشرات و حیوانات زمین... و چنین شد.

و خدا گفت: آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم

تا بر ماهیان... پرندگان... و بهایم و بر تمامی

زمین... حکومت نمایند. پس خدا آدم را به صورت خود آفرید...

ایشان را نر و ماده آفرید... و خدا هرچه ساخته بود دید و همانا بسیار نیکو بود

و شام بود و صبح بود:

روزی ششم.

... و در روز هفتم خدا از همه کار خود که ساخته بود آرامی گرفت.

پس خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را تقدیس نمود زیرا در آن آرام گرفت

از همه ی کار خود که خدا آفرید و ساخت...» (پید ۱: ۱-۱؛ ۲: ۱-۳).

خدا با این منظومه ی با شکوه به آدمیان تمام اعصار می فهماند که همه چیز را او ساخته و «جمع آنها را به حکمت ساخته است» (مز ۱۰۴).



جوان: کتاب مقدس می گوید که خورشید در روز چهارم آفریده شد اما در متن آفرینش گفته می شود که «شام بود و صبح بود، روزی اول». پس چگونه در روز اول می توانست شام باشد و صبح باشد در حالی که خورشید هنوز به وجود نیامده بود؟



پیر: این سؤال می توانست به فکر نویسنده ی منظومه نیز خطور کند. بنابراین، معلوم می شود که روزهای مذکور روزهایی نیست که از روی طلوع و غروب آفتاب اندازه گیری شده و مدت آنها بر حسب یک گردش زمین به دور خودش یعنی ۲۴ ساعت محاسبه شود بلکه صحبت از روزهای خداست و نه از روزهای آدمی. به همین مناسبت است که حضرت پطروس رسول به ما می گوید: «یک روز نزد خدا چون هزار سال است و هزار سال چون یک روز» (۲ - پطرس ۳: ۸).



جوان: پس زمان خدا و زمان آدمی یکی نیست؟



پیر: البته که نه. خدا در زمان زندگی نمی کند چون او زمان را آفرید همان طور که مکان را آفرید. خدا «از ازل» وجود داشته است و ورای تمام مکان ها می باشد و به همین دلیل نمی توان آن گونه که بعضی از دانشمندان خواسته اند کشفیات علمی را با مکاشفات کتاب مقدس مقایسه نمود چون آنها تصور می کردند که قصد مؤلف کتاب پیدایش نوشتن رساله ای در باب زمین شناسی یا علم دیرین شناسی^۲ بوده است.



جوان: کدام یک حقیقت را می گوید: علم یا کتاب مقدس؟



پیر: حقیقت مکاشفات کتاب مقدس با حقایق پراکنده و نسبی که مورد مطالعه ی علم می باشد هم شأن نیست. مطالعات علمی شامل دنیای ظاهری و دنیای پدیده های گذرا می باشد که بر حسب دقیقه یا متر قابل اندازه گیری بوده و فقط در زمان و مکان انسانی اتفاق می افتد. ولی الهامات کتاب مقدس از ورای زمان گذر کرده تا به خدای آفریننده می رسند، خدایی که زمان و مکان و تمام آن چه را که علم نیز کشف می کند آفریده است، خدایی که هوش انسان را که علم زاییده آن می باشد آفریده است.



جوان: پس در متن کتاب پیدایش چه حقیقتی را کشف می کنیم؟



پیر: انسان ایمان دار پس از مطالعه ی این متن کتاب مقدس، طبیعت را با چشم تازه ای می بیند. او با تعجب، زیبایی آفرینش و شکوهمندی کار خدا را که بازتاب کم رنگی از زیبایی غیر قابل تصور آفریننده است کشف می نماید و همان موقع است که در «غروب آفتاب» یا «با دیدن روشنایی شامگاهی»^۳ در ساعت نماز شب هم راه با تمام کلیساها مزبور^۴ را می سراید:

۲- علم دیرین شناسی (paleontologie) یعنی علم شناسایی نباتات و حیوانات فسیل شده.

۳- نقل از سرود «روشنایی شادی بخش» که یکی از قدیمی ترین و زیباترین سرودهای کلیسای ارتدوکس است.

مزمور ۴۱۰۴

الف

«ای جان من، خداوند را متبارک بخوان؛
 خداوندا ای خدای من، تو بسیار عظیمی،
 به شکوه و جلال آراسته،
 و ردایی از نور پوشیده ای!
 تو آسمان ها را چون خیمه ای می گسترانی،
 مسکن های خود را بر آب های برین بنا می کنی،
 از ابرها ارا به می سازی
 و بر بال های باد به پیش می روی؛
 بادها را پیام آوران خود،
 و برق های سوزنده را خادمان خویش ساخته ای.
 تو زمین را بر اساسش استوار ساختی،
 تا هم چنان پایدار بماند.
 بر آن لباسی از اقیانوس پوشاندی،
 آب ها نیز بر کوه ها گسترده اند.
 از بیم تو آب ها می گریزند،
 از آوای چون رعد تو می هراسانند.
 چون آبشار از فراز کوه ها به دره ها،
 به جایی که بر آنها قرار دادی، فرو می ریزند.
 که دیگر زمین را نپوشانند!
 چشمه ها را در دره ها پدیدار می سازی
 و آب در میان کوه ها روانست؛
 حیوانات صحرا را سیراب می نماید،
 گورخران، تشنگی را به آن فرو می نشانند؛
 در جوار آن پرندگان آشیانه می کنند
 و در شاخسارها آواز سر می دهند.

۴- در ترجمه ی قدیم کتاب مقدس به زبان فارسی، شماره گذاری آیات طبق کتاب مقدس عبری می باشد، اما در بعضی از ترجمه های دیگر شماره گذاری بر طبق کتات مقدس یونانی است.

ب

از مکان های بلند خویش ، کوه ها را سیراب می کنی
و از برکت دست هایت زمین سیر می شود؛
علف تازه را برای گله ها
و گیاهان را به منفعت انسان می رویانی؛
تا از زمین نان خود را به دست آورد،
و شراب که دل انسان را شاد سازد.
روغن را که به چهره اش نور می بخشد،
و نان، که به آن قلبش قوی سازد.
درختان خداوند سیراب می شوند،
سروهای آزاد لبنان که او کاشته است؛
در آنها گنجشک آشیانه می سازد
و لک لک در سرو مسکن می گزیند.
فراز کوه ها از آن بز کوهی است
و صخره ها پناهگاه موش های صحرائی.
ماه را نشانه ی زمان کردی،
و خورشید را که زمان غروبش بشناسد.
تاریکی را می فرستی و شب فرا می رسد؛
آن گاه حیوانات در جنگل بیدار می شوند.
شیر بچه به دنبال صید می غرد
و خوراک از خدا می خواهد.
با طلوع خورشید، آنها بر می گردند
و در لانه ی خویش پناه می گیرند.
انسان برای کار بیرون می آید
و تا شامگاهان تلاش می کند.

ج

ای خداوند، کارهایت وه که چه بسیارند!
هر چیز را با حکمت آفریده ای،

زمین از مخلوقات تو پر است.
 این است دریای بی کران،
 آن جا که جانداران بی شمار
 از بزرگ و کوچک آفریده ای؛
 آن جا که کشتی ها می گردند،
 و «لویاتان» را، که بازیچه سازد
 اینها همه به تو امید دارند
 تا قوتشان را به موقع برسانی.
 تو می بخشی و آنان جمع می کنند،
 تو دست خود را می گشایی، آنها سیر می شوند.
 رویت را می پوشانی، هراسان می شوند،
 نفس آنان را می گیری، می میرند
 و به خاک باز می گردند.
 روح خود را می دمی، به وجود می آیند.
 تو روی زمین را تازه می گردانی.
 تا به ابد جلال بر خداوند باد!
 باشد که خداوند در کارهای خویش خوشنود شود.
 با نگاه او زمین می لرزد،
 چون کوه ها را بساید، آتشفشان شوند.
 می خواهم برای خداوند بسرایم
 تا آن گاه که زنده ام،
 و برای خداوند بنوازم تا که هستم.
 باشد که سرود من او را پسند آید!
 شادی من در خداست.
 باشد که گناهکاران از زمین محو شوند
 و شریران دیگر هرگز نباشند!
 ای جان من خداوند را متبارک بخوان».

سرود خورشید (از قدیس فرانسیس)

بار خدای نیک قادر متعال
 حمد و جلال و عزت ترا باد!
 و هر تسبیحی
 تنها ترا سزااست
 و آدمی شایسته نیست که نام ترا بر زبان آورد.
 ترا حمد باد، پروردگار من، برای همه ی افریدگانت،
 به ویژه خواهر ما، خورشید
 که روز را می سازد،
 و تو به سبب او ما را روشنی می بخشی.
 و او زیبا و تابناک است
 با درخششی بزرگ و آیتی است
 که از تو «ای برترین»، به ما راز می گوید.
 که به وسیله ی آن، افریدگانت را روزی می دهی.
 ترا حمد باد، پروردگار من، برای خواهر ما، آب
 که بسیار نافع و فروتن
 و پر شکوه و پاک دامن است.
 ترا حمد باد، پروردگار من، برای برادر ما، آتش
 و تو از طریق او شب را برای ما گرمی و روشنایی می بخشی.
 و او زیبا و جذاب است
 و پر توان و نیرومند.
 ترا حمد باد، پروردگار من
 برای خواهر ما، زمین،
 که ما را نگه می دارد و ما را روزی می دهد،
 و میوه های گوناگون بار می آورد
 و نیز گل ها و گیاهان رنگارنگ.
 ترا حمد باد، پروردگار من،
 به خاطر آنان که بر دشمنان نشان
 بخشایش دارند.

به خاطر محبت به تو،
 و بیماری و رنج و محنت را بر خود هموار می کنند.
 مبارکند آنان که تادم مرگ در صلح و صفا می زیند
 زیرا، ای پروردگار متعال،
 تو آنان را تاج و زندگانی جاوید ارزانی خواهی داشت.
 ترا حمد باد، پروردگار من ،
 برای برادر ما ، مرگ جسمانی
 که هیچ انسان زنده ای را از آن گریز نیست.
 وای بر آنان که در گناهی بزرگ می میرند!
 مبارک هستند آنان که تسلیم
 اراده ی قدوس تو اند.
 اینان را مرگ دوم
 هیچ زیانی نخواهد رسید.
 پروردگار مرا، حمد و ستایش باد!
 او را شاکر باشید و در نهایت فیروتنی
 او را بندگی کنید.

سوال برای تعمق بیشتر:

- ۱- حال که دنیای ما آغازی داشته، و توسط خدایی پر از محبت خلق شده، چگونه این دنیا را تصور می کنید؟
- ۲- در فلسفه، تمدن یا ادیان دیگر، آغاز و اتمام این دنیا این گونه بیان شده، یا به گونه ای دیگر؟
- ۳- در دو متن، درباره آفرینش (پدید ۱ و ۲) چگونه می توان تناقض های ظاهری آفرینش را با توجه به علم روز توضیح داد؟
- ۴- اهداف این خلقت در ارتباط با خلقت نوین چیست؟ (افس ۱: ۳-۵؛ مکا ۱: ۲۱-۲۲، ۵) زمان افتتاح این آفرینش نوین را چگونه تشخیص می دهید؟ (کول ۱: ۱۵-۲۰؛ ۱- قرن ۱۵: ۴۷؛ افس ۳: ۱۶؛ ۴: ۲۴).
- ۵- آیا حق داریم در استفاده از این خلقت، در خدمت فعلی، افراط کنیم، با این خطر که همه را آلوده کنیم؟ یا باید با احترام آن را نگریسته و آذین بندیم؟



برای تعمق و درک بیشتر، رجوع شود به «خلاصه ی تعلیمات» شماره های ۳۶-۶۵/

ب: آفرینش انسان

(قبل از خواندن متن ذیل، کتاب مقدس را بخوانیم پید۲: ۴-۷، ۲۱-۲۴)

پیر: دیدیم که فصل اول کتاب پیدایش به آفرینش آدم که در کل و به ظاهر موجودی بین موجودات دیگر بود انجامید. با این حال، شاید این تفاوت را ملاحظه کرده باشی که خدا در مورد آن چه که غیر انسان است دستور می دهد و مخلوقات پدید می آیند و بعد می گوید: «آدم را به صورت و موافق شبیه ما بسازیم تا بر بهایم ... حکومت نماید».

جوان: بله، می بینم که خدا برای انسان اهمیت خاصی قائل است گویی می خواهد او را نماینده ی خود بر روی زمین بنماید.

پیر: در ادامه ی باب دوم کتاب پیدایش (پید۲: ۵-۷) باز هم واضح تر گفته می شود: «هیچ نهال صحرا هنوز در زمین نبود و هیچ علف صحرا هنوز نرویده بود زیرا خداوند خدا باران بر زمین نبارانیده بود و آدمی نبود که کار زمین را بکند و مه از زمین برآمده تمام روی زمین را سیراب می کرد. خداوند خدا، پس آدم را از خاک زمین سرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد».

جوان: چرا در مورد آفرینش دو روایت وجود دارد؟

پیر: چون باب های اولیه ی کتاب پیدایش بازگویی یک «تاریخچه» نیست زیرا چنین بازگویی نیاز به شاهد دارد و حال آن که خدا به هنگام آفرینش تنها بود. این کتاب ها، طرح الهی در مورد انسان را که توسط روح القدس به پیامبران عهد عتیق آشکار گشته تعلیم می دهد.

جوان: معنای این دو روایت چیست؟

پیر: روایت اول، به ما می نمایاند که خدا جهان را آفریده و آن را به انسان می سپارد. روایت دوم، شرح می دهد به چه هدف انسان، بعد از همه چیز آفریده شد تا اشرف مخلوقات گشته، دنیا را به سوی خدا هدایت نماید. چون همان طور که در کتاب پیدایش آمده: به همان اندازه که باران زمین را حاصل خیز می نماید وجود انسان برای بارور کردن زمین ضروری است.

مسئولیت آدم به حدی عظیم بود که خدا به فکر افتاد تا کسی را برای کمک به او قرار دهد، اما هیچ یک از مخلوقاتی که تا آن زمان وجود داشت مناسب این کار نبود، پس این «کمک» از خود آدم برآمد: «و خداوند خدا، خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخت و یکی از دنده هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد و خداوند خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد».

چیزی که در این جا به ذهن ما خطور می کند این است که:

الف: زن و مرد هم سرشت و هم جوهر می باشند.

ب: زن برای همراهی مرد خوانده شده و باید در کنار او باشد.

آدم پس از بیداری فریاد برمی آورد: «همانا این است استخوانی از استخوان هایم و گوشتی از گوشتم... از این سبب، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده با زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند بود».



خدا به آدم زندگی می بخشد. اثر میکل آنژ در کلیسای سبکستین در شهر رم .

وقتی در متن می خوانیم که خدا، آدم را از خاک آفرید چنین فکری به ذهنمان خطور می کند که رابطه ی ما با تمام خلقت بسیار پر اهمیت است، چرا که ما از یک خمیر مایه ساخته شده ایم، به یک خلقت تعلق داریم و با آن یکی هستیم (نام آدم از لغت عبری «ادما» به معنی خاک گرفته شده است). اما خدا، روح زندگی را در انسان دمید؛ انسان موجودی زنده است زیرا خدا با اوست. آدم، زندگی است چون خدا زندگی را دائماً از طریق روح، حضور و قدرت خود به او ارزانی می دارد. خدا مرد و زن را به صورت خود آفرید و همه ی انسان ها با تمام تنوعی که دارند به صورت خدا آفریده شده اند. عظمت، زیبایی و آزادی انسان نتیجه ی این حقیقت است که خدا او را به صورت خود آفرید.

همان طور که خدا پدر و پسر و روح القدس است، یکتا نیز می باشد، مرد و زن نیز که به صورت خدا آفریده شدند دعوت گردیده اند تا یکی شده و هم دیگر را بیش از پیش محبت نمایند. گرچه ما به صورت خدا آفریده شده ایم ولی می توانیم هر روزه بیشتر شبیه او گردیم بدین ترتیب که او را دوست بداریم و اجازه دهیم نفخه ی حیات او در ما نفوذ کند. در واقع، هدف خلقت انسان این است که بیش از پیش به نمونه ی الاهی خود شبیه شود.

جوان: تو می گویی که آدم توسط خدا و به صورت خدا آفریده شده اما من شنیده ام که آدم از نسل میمون است.



پیر: چنان که در صفحات قبل دیدیم، خدا در آغاز همه چیز را از هیچ آفرید. ولی آدم را از هیچ نیافرید بلکه وی را از خاک و هرآن چه که در خاک هست آفرید یعنی خدا برای آفرینش آدم از تمام طبیعت و تکامل آن بدون نفی میمون یا ماهی که آنها نیز از خاکند استفاده نمود زیرا آدم غایت، خلاصه و اجمال تمام آفرینش است. پس می بینیم که کتاب مقدس علم تکامل موجودات را طبق عقیده ی بعضی از متخصصین علمی رد نمی کند، علاوه بر این، خدا، آدم را با نفخه و روح خود حیات بخشید و با حضور خود او را منور نموده پرتو چهره ی خود را بر وی تابانده او را از میمون و سایر موجودات متمایز می نماید. این حضور خدا و این روح خدا، تصویر خدا را بر روی آدم منعکس نموده به او زیبایی و «تاج جلال» بخشیده او را پادشاه و مسئول تمام آفرینش می گرداند (ر.ک پید ۱: ۲۸-۲۹؛ ۲: ۱۹-۲۰).



تعلیم رسمی کلیسا:

۳۵۷- فرد انسانی به دلیل این که به صورت خدا آفریده شد، منزلت «شخص» را کسب می نماید که تنها یک «چیز» نیست، بلکه کسی است. انسان قادر است تا خودآگاهی و برخورد مسلط بودن و فداکاری رایگان را از خود بروز دهد و با دیگران مشارکت داشته باشد. او از طریق فیض، به عهد با خالق خود دعوت می شود تا پاسخی از ایمان و محبت را، که هیچ موجود دیگری به جای او قادر به ارائه آن نیست، به خدا تقدیم نماید.

۳۵۸- خدا همه چیز را برای انسان آفرید، اما انسان نیز به نوبه ی خود، آفریده شد تا خدا را عبادت و محبت نماید و تمام خلقت را به او تقدیم کند:

«آن چیست که باید خلق شود که چنین دارای احترام است؟ آن انسان است - آن موجود زنده ای که عظیم الشان و شگفت آور است و از دیدگاه خدا، با ارزش تر از تمام موجودات دیگر می باشد! به خاطر او آسمان ها و زمین، دریا و مابقی خلقت وجود دارد. خدا چنان اهمیتی را در نجات انسان ضمیمه نمود که حتی پسر خود را به خاطر او مضایقه نمود. او هرگز از کار کردن دست بر نمی دارد و از هر وسیله ممکن استفاده خواهد نمود تا انسان را به نزد خود ارتقاء بخشد و او را به دست راست خود بنشانند» (یوحنا کریزستوم قدیس).

۳۵۹- «در حقیقت، راز انسان تنها در راز کلام تن گرفته واقعاً آشکار می شود»

«پولس رسول به ما می گوید که نسل انسان از دو انسان سرچشمه می گیرد: آدم و مسیح... او می گوید، آدم اول به عنوان انسانی که حیات را پذیرفت خلق شده است اما آدم دوم موجود روحانی است که حیات را می بخشد. آدم اول توسط آدم دوم آفریده شد، که از او جان حیات بخش دریافت نمود... آدم دوم، صورت خود را وقتی که آدم اول را شکل داد، بر او مهر زد. به این سبب بود که نقش اول آدم و نام او را بر خود گرفت تا آنچه را که او به صورت خویش آفریده بود از دست نرود. آدم اول، آدم دوم اولی یک شروع داشت، دومی هیچ پایانی نمی شناسد. آدم دوم در حقیقت همان آدم اول است: همان طور که خود می گوید: «من هستم اول و آخر» (قدیس بیدر کریسولوکوس).

۳۶۰- نسل بشری به خاطر مبداء مشترک خود، یک نوع اتحاد را تشکیل می دهد، زیرا «خدا همه ی اقوام بشری را از یک انسان پدید آورد تا در سرتاسر زمین ساکن شوند.» (اع ۱۷: ۲۶؛ ر. ک طو ۸: ۶).

«انسان را از یک خون ساخت تا بر تمامی روی زمین مسکن گیرند»

۳۶۱- «این قانون همبستگی بشری و محبت»، بدون در نظر گرفتن تنوع زیاد افراد، فرهنگ ها و اقوام، ما را مطمئن می سازد که همه ی انسان ها حقیقتاً با هم برادر هستند.

سوال برای تعمق بیشتر:

۱- در دو روایت آفرینش (باب های ۱ و ۲) اهداف این آفرینش چگونه توصیف شده است؟ با در نظر گرفتن نجات در عیسا. و آفرینش دوم، چرا خدا دنیا را آفرید؟ (ر. ک افس ۱: ۴-۵؛ ۹: ۱۰؛ ۱: ۱۵-۲۰؛ ۲: پطری ۱: ۳-۴؛ مکا ۲۱).

۲- در ارتباط با آدم، اهمیت و جایگاه حوا چیست؟

۳- در فردوس، قبل از گناه، معنی کار انسان چیست؟ کار و مسئولیت انسان چگونه توصیف شده است؟ اما بعد از گناه، معنی کار انسان چه شد؟



«خلاصه ی تعلیمات رسمی»

۶۶- به چه دلیل انسان به صورت خدا آفریده شده است؟

انسان به صورت خدا آفریده شده است، بدین معنی که می تواند خالق خود را شناخته و آزادانه او را محبت کند. تنها انسان را به صورت خاص اراده نمود و بر روی زمین، تنها این مخلوق را دعوت نمود تا از راه شناخت و محبت، در زندگی الاهی او شریک شود. انسان چون به صورت خدا آفریده شده است دارای جایگاه مشخص می باشد، اوشی نیست بلکه کسی است که می تواند خود را شناخته و آزادانه خود را بدهد و در مشارکت با خدا و هم‌نوعان خود وارد شود.

۶۷- هدف خدا از خلقت انسان چیست؟

خدا همه ی موجودات را برای انسان خلق کرد، ولی انسان جهت شناختن، خدمت کردن و محبت کردن خدا خلق شده به جهت این که در این دنیا خلقت را با سپسگزاری به او تقدیم کند و در آن دنیا به زندگی با او نایل شود. راز انسان، تنها در راز کلمه ی تن یافته ی خدا، نور حقیقی خود را می یابد. سرنوشت انسان در این است که صورت یکتا پسر خدا که انسان شده را اظهار نماید؛ چون عیسا خود «صورت کامل خدای نادیده می باشد» (کول ۱: ۵).

۶۸- به چه دلیل انسان ها؟

همه ی انسان ها به خاطر مبنای مشترک خود که آن را از خدا یافته اند، وحدت گروه انسانی را تشکیل می دهند. علاوه بر این، خدا «هر امت انسان را از یک خون ساخت» (اع ۱۷: ۲۶). همه، یگانه نجات دهنده را دارند و همه دعوت شده اند تا در خوشبختی ابدی خدا شریک شوند.

۶۹- چگونه در انسان، جان و تن در وحدت به سر می برند؟

روح و ماده در انسان، یک طبیعت واحد را تشکیل می دهند، و این اتحاد آن قدر عمیق است که به خاطر این اصل روحانی که جان می باشد، حتا جسم که مادی است، تن، انسانی و زنده می گردد و در مقام صورت خدا شریک می شود.

۷۰- کیست که به انسان جان می دهد؟

جان روحانی از والدین نمی آید بلکه مستقیماً توسط خدا آفریده شده و ناامید می باشد، اما در زمان مرگ از تن جدا شده، نمی میرد و دوتاره در زمان رستاخیز آخر به جسم متحد می گردد.

۷۱- خدا، مابین مرد و زن چه ارتباطی برقرار ساخت؟

زن و مرد توسط خدا در یک ارزش برابر، به عنوان اشخاص انسانی و در عین حال، هر یک به عنوان زن یا مرد، مکمل یک دیگر شده، خلق شده اند، خدا جهت مشارکت اشخاص، یکی را جهت دیگری خواست. و نیز با هم دعوت شده اند چون در ازدواج (تن واحد) (پید ۲۴: ۲۴) را تشکیل دادند تا زندگی انسانی را منتقل سازند و به عنوان مباشرین خدا بر این دنیا فرمانروایی کنند.

۷۲- موقعیت اصلی انسان طبق مشیت خدا چگونه بود؟

خدایی که مرد و زن را آفرید، به ایشان مشارکت خاص در زندگی الاهی او در تقدس و عدالت عطا کرده بود. در طرح الاهی، انسان نمی بایست رنج و مرگ ببیند. علاوه بر این، یک هم آهنگی کامل در خود انسان و هم چنین مابین خلقت و خالق و مابین مرد و زن و نیز مابین اولین زوج انسانی و تمام خلقت برقرار بود،



این مجسمه در کلیسای بزرگ شارترس در فرانسه در قرن ۱۲ تراشیده شده.

آیا می‌توان خدا را دید که آدم را به صورت خود از گل شکل می‌دهد (پید ۲:۷)؟ یا بهتر، با در نظر گرفتن صلیب بر روی هاله، مسیح که به عنوان آدم نوین، آدم کهنه و زخمی شده را به صورت خویش دوباره شکل می‌دهد (۲ قرن ۱۸:۳؛ ۱ قرن ۱۵:۴۹؛ کول ۳:۱۰)، او که تنها صورت کامل پدر می‌باشد (یو ۱:۱۴-۱۸؛ عبر ۱:۳-۱؛ کول ۱:۱۵) مسیح بر سر آدم رستگذاری می‌کند تا روح القدس بر او بیاید، از دیدگاه دیگر، آدم، آرامش یافته، با لبخند بر زانوی نجات دهنده خود استراحت می‌کند.

کتاب «تعلیم رسمی کلیسای کاتولیک» این ارتباط مابین آدم اول و عیسا، آدم نوین را به روشنی تشریح می‌کند:

۳۵۶- در میان تمام مخلوقات دیدنی، تنها انسان است که «می‌تواند خالق خود را بشناسد و محبت نماید». او «تنها موجودی است بر روی زمین که خدا او را، با هدف مخصوص اراده نموده است»، و تنها اوست که با دانش و محبت خود، دعوت می‌شود تا در حیات خدا سهیم گردد. به خاطر همین عاقبت بود که انسان خلق شد، و این دلیل اساسی برای وقار اوست:

«چه چیز تو را واداشت که چنین سرنوشت عظیمی را برای انسان برقرار نمودی؟ یقیناً، با محبت بی‌حسابی که توسط آن مخلوق را در خودت نگریستی! تو او را محبت می‌نمایی! زیرا به واسطه همین محبت، او را آفریدی و با همین محبت، به او موجودیتی داده‌ای که قادر است نیکی جاودانی تو را بچشد...» (قدیس کاترینا، اهل سیان).

ج - هبوط^۵

(قبل از خواندن متن ذیل، کتاب مقدس را بخوانیم: پید۲:۸-۱۷؛ ۳:۴-۱۶)

نقض میثاق و عهد از احمقی است حفظ ایمان و وفا کار تقی است

(مثنوی، دوم، ۲۸۷۱)

آدم و حوا در بهشت و در خلوص با خدا زندگی می کردند و نقش سروران آفرینش را که خدا برای آنها تعیین کرده بود بر عهده داشتند. آدم در حقیقت تمام حیوانات را نامگذاری کرد. او با این کار، خود را یک مخلوق ویژه که قادر به حکومت و در عین حال محبت کردن، حیات بخشیدن و تقدیم تمام آفرینش به خدا می باشد نشان داد زیرا وی پادشاه و کاهن است.

کتاب مقدس، این موضوع را به صورتی شیرین و زیبا با استفاده از اسطوره‌ی آن زمان بیان کرده. که ما معنی گناه اولیه را درک کنیم و معنای این رمز و نماد را به خوبی بفهمیم. درخت حیات و درخت معرفت نیک و بد در وسط باغ بودند و آدم نمی بایست به درخت معرفت نیک و بد دست بزند زیرا در این صورت با مرگ مواجه می شد.

مار، که «از همه‌ی حیوانات صحرا... هوشیارتر بود» یعنی «آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسماست و تمام ربع مسکون را می فریبد» (مکا: ۱۲: ۹) حوا را وسوسه نموده به وی پیشنهاد کرد که از میوه‌ی درخت ممنوعه بچشد تا «مانند خدا عارف نیک و بد» شود. وسوسه‌ی آدم و حوا، تمایلی جنون آمیز به لایتناهی و منحصر به فرد بودن و تصاحب مقام خدا است.

حوا از میوه بخورد و به آدم نیز داد؛ و این لحظه‌ای سرنوشت ساز بود زیرا آدم و حوا به جای آن که در اتحاد با خدا بمانند، آزادانه از وی روی گرداندند. آدم و حوا از آن چه می توان تغییر حالت نامید آگاه شدند؛ از یک طرف، حالت بهشتی به مفهوم مشارکت در زندگی خدایی و از طرف دیگر، حالت گناهکاری از طریق یک زندگی پر از مانع. کتاب مقدس این موضوع را به طور سمبولیک نشان می دهد: «ایشان فهمیدند که عریانند».

«و آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم نهار در باغ می خرامید و آدم و زنش خویشان را از حضور خداوند خدا در میان درختان باغ پنهان کردند. و خداوند خدا آدم را ندا در داد و گفت: کجا هستی؟ چون آواز تو را در باغ شنیدم ترسان گشتم زیرا که عریانم، پس خود را پنهان کردم» (پید۳: ۸-۱۰).

منظور از سؤال خدا (کجا هستی؟) آن نیست که مخفیگاه آدم را کشف نماید، و هم چنین فاصله گرفتن جغرافیایی او مطرح نیست بلکه منظور حالت گناه است که ما را از خدا دور می کند. خدا نمی خواهد آدم را دور از خود نگهدارد بلکه در جستجوی وی است و او را صدا می زند^۶. آدم به عوض جواب دادن به رحمت خدا در صدد تبرئه‌ی خود بر می آید و نتیجه‌ی آن مخفی شدن اوست که همراه

۵- هبوط یعنی فرود آمدن و سقوط کردن.

۶- ر.ک به مثل پسر گمشده، بخش ششم.

با ارائه سلسه ای از سلب مسئولیت‌ها می‌باشد از قبیل: ابتدا، آدم اقرار می‌کند که چون «لخت بوده» ترسیده است و سپس گناه را به گردن حوا می‌اندازد که او نیز گناه را به گردن مار می‌اندازد. بنابراین مجازات سه گانه برای مرد، زن و مار مقرر می‌گردد. باید درک نمود که این مجازات به صورت محکومیت نبوده و تصمیم مستبدانه‌ی خدا نیز نیست بلکه نتیجه‌ای غیر قابل اجتناب است که از خطا حاصل می‌شود. بلی، همان‌طور که مار به آنها قول داده بود چشم‌های آدم باز می‌شود ولی به روی دنیایی ملال‌انگیز، دنیایی که در آن انسان می‌باید برای زنده ماندن کار کند و برای به دست آوردن نان خود با عرق جبین با مشکلات و موانع مبارزه نماید، دنیایی که زن در آن درد زایمان را تحمل خواهد کرد، دنیایی که در آن همه چیز گذرا می‌باشد، همه چیز می‌میرد و بالاخره دنیایی که در آن انسان خاکی دوباره به خاک باز خواهد گشت. اما در مورد مار، یعنی ابلیس؛ خزیدن وی را علامت لعن خدا می‌دانند و خدا بین مار و زن و نسل او مخالفت و دشمنی برقرار می‌کند تا زمانی که مار نابود گردد. پدران کلیسا این آیه از کتاب مقدس را پیشگویی پیروزی عیسا بر شیطان دانسته‌اند، پیروزی که از طریق حضرت مریم، این حوای جدید^۷ امکان پذیر گشت.

راه ورود به بهشت بسته شد زیرا چنان‌چه آدم بعد از خوردن میوه‌ی درخت معرفت نیک و بد از درخت حیات نیز می‌خورد شر و بدی تا به ابد ادامه می‌یافت. پس مرگ در آن واحد هم نتیجه‌ی هبوط بوده و هم داروی ضد شر می‌باشد چون ابدی شدن شر را مانع است و درخت حیات از این به بعد توسط کروبیان و شمشیر آتشبار حفاظت می‌شود.

جوان: چه دلیلی داریم که آن چه اتفاق افتاده است همان‌گونه می‌باشد که کتاب مقدس می‌گوید؟
پیر: هیچ دلیلی نداریم. حقیقت این داستان جنبه‌ی تاریخی ندارد. در واقع نه از «باغ» می‌توان در مکان نشانه‌ای یافت و نه از موجودیت آدم و حوا در زمان .

جوان: با وجود این، می‌گویند که آدم و حوا انسان‌های نخستین بوده و اجداد همه‌ی ما هستند.
پیر: آیا آدم و حوا حقیقتاً زوج ابتدایی بوده‌اند یا این که فقط معرف بشریت هستند؟ جواب قطعی این سؤال را نه مکاشفه‌ی خداوند و نه علم به ما می‌دهد. چیزی که مسلم است و پولس قدیس هم آن را به ما می‌گوید (روم ۵: ۱۲-۱۳)، این است که همه‌ی انسان‌ها می‌توانند خود را در «آدم» باز شناسند زیرا در هریک از ما تمام عناصری که وسوسه و هبوط آدم و حوا را ممکن ساخت، وجود دارد.

جوان: مقصودت این است که ما نیز همان‌گونه رفتار می‌کردیم که «آدم» کرد؟

۷- پولس قدیس، عیسا را که بشریت را از گناه می‌رهاند، آدم جدید نامید (۱-قرن ۱۵: ۳۵: کول ۳: ۹). پدران کلیسا که هم‌کاری مادر عیسا را در اعمال نجات بخش پسرش قبول دارند، حضرت مریم را حوای جدید می‌خوانند. از اواخر قرن چهارم میلادی لقب «پدر» در مورد بعضی از عالمان الاهیات و روحانیون به کار می‌رود، زیرا یه قدری مقدس و با اقتدار بودند که بیانگر عالی‌تعلیمات، سنت و انجیل گردیده‌اند. (خطا خواهد بود اگر نوشته‌های پدران کلیسا را مربوط به ایام گذشته بدانیم... اگر بگوییم که «پدران» دیگر وجود نخواهند داشت، مثل این است که روح القدس کلیسا را ترک کرده باشد.)



پیر: بلی، با این تفاوت که ما دیگر در بهشت روی زمین به سر نمی‌بریم. به این معنا که ما در حالت صمیمیت با خدا که آدم و حوا قبل از هبوط از آن برخوردار بودند، نیستیم. در آن باغ آدم نه احساس ترس می‌کرد و نه اضطراب داشت. شرح آزمایش دوم انسان و به کارگیری آزادی او در روایت قائن و هابیل آمده است. قائن و هابیل هدیه‌های خود را بر حسب کاری که انجام می‌دادند و بنابراین از آن چه که داشتند نزد خدا آوردند: اولی از «محصول زمین» و دومی از «نخست زادگان گله‌ی خویش و پیه آنها». خدا هدیه‌ی هابیل را در نظر گرفت اما هدیه‌ی قائن را منظور نداشت. این موضوع ممکن است مستبدانه به نظر آید ولی با تعمق بیشتر معلوم می‌شود این نیز آزمایشی دیگر بوده است. همان طوری که خدا آدم و حوا را از خوردن میوه‌ی درخت بر حذر کرده بود قائن را بر حذر داشته به وی گفت: «گناه بر در، در کمین است و اشتیاق تو دارد اما باید بر وی مسلط شوی». منظور از آن چه که در کمین است همان مار داستان قبلی است. قائن بر آن چه که در کمین است گوش فرا می‌دهد و به جای آن که بر آن مسلط شود، بر برادر خود برخاسته او را می‌کشد. این است شرحی بسیار واقع بینانه از مبارزه‌ای درونی که همراه هر حادثه، هبوط



است. از طرف دیگر هابیل بهترین چیزهایی را که دارد به خدا هدیه می‌کند.

شهوات و بیش از همه تکبر آماده‌اند تا بر انسان غالب شوند، انسان می‌تواند در یک لحظه‌ی کوتاه و از راه تجلی‌آنی و وجدانی، بر آنها مسلط شده خود را از چنگال آنها برهاند. در غیر این صورت هوا و هوس بر وی چیره شده او را به اعمال شر و خواهد داشت و در مورد قائن چنین شد. همان طور که برای آدم و حوا نیز نتیجه‌ی اعمالشان به فوریت ظاهر گردید: قائن از سرزمین حاصلخیز رانده شد و محکوم گشت که در جهان «پرشان و آواره» باشد. قائن به تلخی می‌گرید: «از روی تو پنهان خواهم بود... و هر که مرا یابد مرا خواهد کشت» (پید۴:۱۴). و این بار نیز همان فاجعه‌ی جدایی از خداست که بیان آن در روایت آدم و حوا بسیار رسا می‌باشد. اما در مورد قائن همانند آدم و حوا، خدا رحیم است و محبتش نسبت به انسان پیوسته ظاهر می‌شود. خدا بر قائن علامتی می‌گذارد تا در امان بوده و در زمان آوارگی در جهان هرکسی نتواند او را بکشد.

کتاب مقدس، این دو روایت را در اول پیدایش انسان قرار می‌دهد، چون که حقیقت عمیقی از آن آشکار می‌شود که امروزه نیز صادق است زیرا حالت «آدم» معزول و آوارگی قائن و موقعیت اساسی ما انسان‌های گناهکار در اصل یکی است. «... گناه داخل جهان گردید و به گناه، موت و به این گونه موت بر همه مردم طاری گشت از آن جا که همه گناه کردند» (روم ۵: ۱۲). ولی ما امید به نجات بسته‌ایم، امید به بازگشت به سوی درخت حیات، زیرا عیسا این «آدم» جدید برای آن به زمین آمد که ما از وی پیروی کنیم و او نخست زاده از «برادران بسیار» باشد.

«خلاصه‌ی تعلیمات رسمی»

۷۳- چگونه واقعیت گناه را می‌توان درک کرد؟

در سراسر تاریخ زندگی انسان، گناه وجود دارد، و چنین واقعیتی، تنها در نور مکاشفه‌ی خدایی و مخصوصاً در نور مسیح نجات دهنده‌ی همگان کاملاً روشن می‌شود. زیرا او «جایی که گناه زیاده‌اش، فیض را بی‌نهایت افزون گردانید.» (روم ۵: ۲۱).

۷۴- هبوط فرشتگان چیست؟

کتاب مقدس و سنت کلیسای باره‌ی شیطان و قدرت‌های شریر، صحبت می‌کند، بدین معنی که در صورتی که خدا آنها را به صورت خوب آفریده بود، اما خود را به فرشتگان شریر مبادا ساختند، زیرا آنها با انتخاب آزاد و برگشت ناپدید خود، خدا و ملکوت او را رد کردند، و این گونه دوزخ را به وجود آوردند. آنها کوشش می‌کنند انسان را در نافرمانی خود برضد خدا شریک سازند، اما خدا پیروزی قطعی خود بر شریر توسط مسیح تأکید می‌کند.

۷۵- گناه اولیه‌ی انسان شامل چه چیزهایی هست؟

انسان چون تحت وسوسه‌ی شیطان قرار گرفت، اجازه داد که اطمینانی که در ارتباطش با خالق در قلب خود داشت سلب شود. زیرا او نافرمانی کرد، خواست «مثل خدا» شود، ولی این بدون خدا بود و نه طبق خدا (پید ۳: ۵). از این طریق آدم و حوا برای خود و برای تمام نسل بعد از خود، فیض تقدس و عدالت نخستین را بلافاصله از دست دادند.

۷۶- گناه اصلی یا «بنیادین» چیست؟

گناه اصلی که همه‌ی انسان‌ها با آن تولد می‌یابند، حالت سلب تقدس و عدالت نخستین می‌باشد، به این گناه بنیادین مبتلا شدیم و به گناهی که خود مرتکب شدیم، به این معنی که حالت مادرزادی است نه عمل شخصی. این گناه به خاطر اتحاد بنیادین تمام بشریت به نسل آدم، همراه با طبیعت انسانی نه توسط تقلید بلکه توسط ترویج منتقل می‌شود. این انتقال رازی است که نمی‌توان آن را کاملاً درک کرد.

۷۷- نتایج دیگر گناه اصلی یا «بنیادین» کدام است؟

طبیعت بشری در نتیجه‌ی گناه اصلی «بنیادین» - با علم به این که کاملاً فاسد نشده باشد در قدرت‌های طبیعی خود، زخمی شده و به نادانی و رنج و قدرت مرگ تسلیم شده و به سوی گناه تمایل دارد. این تمایل نفس پرستی نامیده می‌شود.

۷۸- بعد از گناه آدم، خدا چه عملی انجام داد؟

دنیا بعد از گناه آدم توسط گناه فراگرفته شد، اما خدا، انسان را به قدرت مرگ رها نکرد، برعکس، به صورت رازآمیز در «مژده‌ی آغازین» (پید ۳: ۱۵) اعلام می‌نماید که شریر مغلوب شده و انسان از این سقوط آدم نجات خواهد یافت. این اولین مژده‌ی مسیح نجات دهنده است. بنابراین، در سرود شب عید گذر، کلیسای لاتین آواز می‌خواند که «ای گناه خوشبخت که ما را سزاوار چنین نجات دهنده‌ای گردانیدی.»



سوال برای تعمق بیشتر:

- ۱- به نظر شما معنی درخت ممنوعه چیست؟
 - ۲- نکته‌ی اساسی و سوسه‌ی شیطان چیست؟ بنابراین، معنی گناه اولیه چیست؟
 - ۳- چه شد که گناه آدم و حوا همه‌ی انسان‌ها را زخمی کرد؟ پولس رسول این همبستگی در گناه اولیه را چگونه توصیف می‌کند (روم ۵: ۱۲-۲۱)؟
 - ۴- حوا اول گناه کرد و آدم را به سوی گناه کشاند آیا به خاطر این است که اغلب در مجامع عمومی زن پست‌تر از مرد می‌باشد؟
- ولی آیا در برابر خدا آدم و حوا یکسان و برابرند؟ (پید ۱: ۲۷؛ ۲: ۱۸، ۲۳).
- چرا شیطان انتخاب کرد اول حوا را فریب دهد؟ قبل از آدم؟
- چرا حوا «مادر زندگان» نامیده شده است؟ (پیدایش ۳: ۲۰).
- چرا خدا به او زیباترین وعده را داده است؟ (پیدایش ۳: ۱۵).
- ارتباط مابین حوا و کلیسا چیست؟ (یوحنا ۱۹: ۲۵-۲۷ و مکاشفه ۱۲).

کتاب برای مطالعه‌ی بیشتر:

- ۱- «کتاب پیدایش چه می‌گوید» (صفحات ۷-۴۹).
- ۲- «۱۰۱ سؤال درباره‌ی کتاب مقدس» (سؤالات ۲۲-۲۶).
- ۳- «چگونه عهد جدید را بخوانیم» (صفحات ۶۸-۶۹، ۱۳۱-۱۳۴، ۱۶۵، ۱۸۴-۱۸۵).
- ۴- «مقدمه‌ای بر شناخت کتاب مقدس» (صفحات ۵۵، ۷۵، ۷۷، ۹۰، ۱۴۰، ۱۹۰-۱۹۱).
- ۵- در فرهنگ الاهیات کتاب مقدس: کلمات «آفرینش» و «آدم»، «بهشت»، «گناه» و «شیطان» را بخوانید.

یک تبصره‌ی کلی برای بهتر خواندن عهد عتیق:

قوم اسرائیل به خاطر احترام به قدوسیت خدا نام او را تلفظ نمی‌نمایند:
بنابراین در این رابطه باید به چند نکته توجه نمود:

- ۱- یهودیان در هنگام نوشتن نام یهوه به زبان عبری از علائم اعراب استفاده نموده و آن را به صورت یهوه (Yahowah) می‌نوشتند که خواننده آن اسم را یهوه تلفظ ننموده بلکه ادونای (Adonai) بخواند.
- ۲- معنی کلمه‌ی ادونای در زبان عبری «خداوند من» می‌باشد که به زبان یونانی Kyrios ترجمه شده بنابراین، مسیح را Kyrios می‌نامیدند و برای تمجید الوهیت عیسا به او «عیسا خداوند است» می‌گفتند (اع: ۲: ۳۶؛ ۱- قرن ۱۲: ۳...).
- ۳- در ترجمه‌ی فارسی عهد قدیم، اغلب خط کوتاهی در بالای واژه‌ی خدا دیده می‌شود که اشاره‌ای است به این که در متن عبری یهوه نوشته و هنگام قرائت ادونای خوانده شود که به معنی خدا می‌باشد.

۴- بنا براین، وقتی در متن، اصطلاح «خداوند خدا» را می‌خوانیم در واقع به زبان عبری «یهوه خدا» در متن نوشته شده است.

۵- عده‌ای نام قدوس خدا را که با اعراب در متن عبری نوشته شده اشتباهاً یهوه (Yahowah) تلفظ می‌کنند به جای یهوه (Yahweh) یا ادونای].

ضمیمه:

کتاب مقدس چیست؟

[«این قدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسا، مسیح و پسر خداست. و تا ایمان آورده، به اسم او حیات یابید» (یو ۲۰:۳۱).]

[این شاگردی است که به این چیزها شهادت داد و اینها را نوشت و می‌دانیم که شهادت او راست است (یو ۲۱:۲۵).]

در این بخش کتاب، چندین بار به متون عهد قدیم ارجاع نمودیم، حال از خود بپرسیم کتاب مقدس چیست و چگونه به دست ما رسیده؟

آن چه مسیحیان می‌گویند...

۱- این کتاب را باید در یک روایت زنده جای داد.

کلام خدا که در کتاب مقدس آمده، حاصل تجربه‌ی ایمان داران اولیه است و امروز هم از هر انسانی دعوت می‌کند که همان تجربه‌ی ایمان، همان تحول قلبی، را به انجام رساند. این کتاب از هر گونه اشتباه در زمینه‌ی خود، یعنی زمینه‌ی دینی، مبرا می‌باشد ولی نویسنده از علم آن زمان، نیز بی‌تأثیر نمانده است. کتاب مقدس، همواره در این تاریخ مقدس که در جریان است، در این روایت زنده، خواندنی و قابل فهم است. تمام ملت‌ها می‌توانند آن را به زبان خودشان بخوانند و بشنوند.

۲- کتابی که عیسا مرکز آن است

برای مسیحیان، عیسا در رأس این کلام زنده‌ی خداست. در قله‌ی کلام خدا که همواره باید در روایت زنده‌ی قوم خداوند دریافت شود.

قدیمی‌ترین متون کتاب مقدس، آمدن عیسا را پیشگویی می‌کنند و آخرین متون، آمدن او را روایت می‌کنند و توضیح می‌دهند.

عیسا «سخن خدا» است (یو ۱:۱؛ مکا ۱۹:۱۳).

۳- یک کتاب مقدس

کتاب مقدس، یک کتاب علمی نیست که هدفش توضیح اسرار جهان باشد، بلکه یک کتاب مذهبی است. کتاب عهد ما بین خدا و قومش، عهدی که همواره بالفعل است! به این دلیل، کتاب مقدس در مرکز زندگی مذهبی مسیحی قرار می‌گیرد:

- * در مرکز نیایش روزانه اش،
- * در مرکز تعلیم و تربیتش،
- * در مرکز زندگی و تاریخ شخصیتش،
- * در مرکز جماعات مسیحی

کتاب مقدس، کتاب زندگی است!

۴- کتابی مانند کتابخانه

(Biblia = کتاب به یونانی) در حقیقت شامل ۷۳ کتاب است؛ ۴۶ کتاب آن، قبل از عیسا نوشته شده؛ عهد عتیق (کتاب مقدس یهودیان) نام دارند، و ۲۷ کتاب که بعد از عیسا نوشته شده؛ عهد جدید نام گرفته‌اند.

- کتاب مقدس مجموعه‌ای است از کتاب‌های گوناگون:

- از نظر قدمت: از نه قرن قبل از عیسا مسیح تا یک قرن بعد از عیسا مسیح نوشته شده؛

- از نظر زبان: عبری، آرامی، یونانی ...؛

- از نظر سبک ادبی: روایت تاریخی، قوانین شریعت، امثال، اشعار، نیایش‌ها، نامه‌ها،

روایت‌های کوتاه است و هر خواننده‌ی آگاهی می‌تواند، به تنهایی این گوناگونی را ببیند.

* با وجود این، مسیحیان آن را یک کتاب، و حتا آن کتاب به معنای واقعی کلمه می‌دانند.

۵- یک کتاب الهامی

به اعتقاد مسیحیان، تمام کتبی که در این کتاب واحد جای دارند، تحت الهام خدا نوشته شده‌اند.

* نه این که خدا آنها را نوشته باشد بلکه این کتب توسط انسان‌ها نوشته شده‌اند، یعنی پیامبرانی

که ایمان داشتند از طرف خدا، از میان قومی که خدا می‌خواست با آنها به عهد زندگی کند، دعوت

شده‌اند.

* ولی این نویسندگان که هر یک با نبوغ شخصی خود آن را به نگارش درآورده، روشن شده،

بارور گردیده و الهام یافته از روح خدا نگاشته‌اند. به این ترتیب، آنها عهد خدا را در تاریخ قومشان

روایت می‌کنند: این نوشته‌ها در عین حال کلام انسان و کلام خدا هستند. بنابراین، وحی خداوند

ابتدا به صورت روایت شفاهی و سپس کتبی منتقل شده است و کلیسا قبل از به تحریر درآمدن انجیل

وجود داشته و انجیل را به معنی مژده اعلام می‌نمود، همان طور که قوم برگزیده، قبل از نوشته شدن

کتب عهد عتیق وجود داشته است.

آن چه مسیحیان می کنند...

۱- آنها می کوشند کلام خدا را درک کنند

نه این که از آن یک قانون بسازند، بلکه تا روح آن را درک نمایند. از ورای این گفتارهای قدیمی که در کتاب مقدس آمده است، آنها، آن چه را که خدا امروز به ایشان می گوید دریافت می کنند و به معنای آن پی می برند. و به این ترتیب، به تجربه ی ایمانی انسان هایی که در این کتاب آمده اند، می پیوندند. آنها می کوشند تا بدانند، چطور این تجربه ی قدیم می تواند تجربه ی آنها را روشن و بارور سازد.

کلام کتاب مقدس، به شرطی که درست دریافت گردد، برای آنها کلام زنده ی امروز خدا می شود.

۲- آنها در کتاب مقدس شریک می شوند

معمولاً با برادرانشان، در اجتماع، در کلیسا، به کتاب مقدس گوش فرا می دهند. هم چنین، اغلب در تنهایی، آن را با دقت می خوانند تا معنایش را درک نموده و آن را در خود بارور سازند.

۳- آنها کتاب مقدس را به عمل درمی آورند

عیسا می گوید: «نه هر که مرا خداوند، خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آن که اراده ی پدر مرا که در آسمان است به جا آورد» (مت ۷: ۲۱).
بعد از شریک شدن در کلام کتاب مقدس، باید آن را به عمل درآورد. باید زندگی خود را تغییر داد تا با کلام خدا هم آهنگ شود.

کلام کتاب مقدس

کلام خداوند: «چنان که باران و برف از آسمان می بارد و به آن جا بر نمی گردد بلکه تا زمین را سیراب کرده، آن را بارور و برومند سازد، و برزگر را تخم و خورنده را نان می بخشد، هم چنان که کلام من که از دهانم صادر گردد خواهد بود، نزد من بی ثمر نخواهد برگشت، بلکه آن چه را که خواستم به جای خواهند آورد و برای آن چه آن را فرستادم، کامران خواهد گردید» (اش ۵۵: ۱۰-۱۱).

کتاب برای تعمق بیشتر:

صحنه‌ی وقایع تاریخی عهد قدیم.

امید قوم خداوند (مجموعه کتاب‌های تعلیمی) (فردریک موریرتی).

واژه‌هایی از کتاب مقدس.

کتاب برای مطالعه‌ی عمیق‌تر:

چگونه عهد عتیق را بخوانیم؟ (اتین شارپانتیه).

چگونه عهد جدید را بخوانیم؟ (اتین شارپانتیه).

مباحث مقدماتی برای مطالعه‌ی کتاب مقدس.

برگ‌های زرین از کتاب مقدس (پیر گرو).

پاسخ به ۱۰۱ سؤال (ریموند براون).

سنت، یک پیغام زنده (ویلفرد دیوان).

آیا اهل کتاب هستیم؟

آیا جماعتی که با یک سنت جمع آوری شده آن را پذیرفته و منتقل می سازد؟
جوان: آیا به خاطر اهمیت کتاب مقدس ما را «اهل کتاب» می نامند؟



پیر: البته ما اهل کتاب نیستیم که خدا آن را به ایشان دیکته کرده و در آن حقیقت گنجانده شده باشد. ما شاگردان عیسای مرده و رستخیز شده هستیم و همانند رسولان توسط شهادت‌مان، آن چیزی را با ایمان از او تجربه کرده منتقل می سازیم: «آن چه از ابتدا بود، و آن چه شنیده ایم و به چشم خود دیده، آنچه بر آن نگرستیم و دست های ما لمس کرد در باره ی کلام حیات... شما را اعلام می نمایم، تا شما هم با ما شراکت داشته باشید. اما شراکت ما با پدر و پسرش عیسای مسیح هست.» (۱ یو ۱: ۳-۱).
انتقال دادن این تجربه، ابتدا به صورت شفاهی بوده و در طول دهها سال، رسولان فقط عهد قدیم را به صورت کتاب داشتند. بنابراین، کلیسا بر کتاب انجیل بنا نهاده نشده بلکه بر پایه ی شهادت رسولان استوار است. کتاب «تعلیمات کلیسا کاتولیک» این نکته ی خاص از ایمان را این گونه خلاصه می کند:

تعلیم رسمی کلیسای کاتولیک:

سنت رسولی و سنت های کلیسایی

۸۳- سنت مورد بحث در این جا از رسولان ناشی می شود و آن چه را که آنان از تعالیم و مثل های عیسا دریافت نمودند و از روح القدس آموختند، ارائه می دهد. در واقع، اولین نسل مسیحیان هنوز عهد جدید مکتوبی نداشتند، و عهد جدید، خود اثبات جریان سنت زنده است.

این سنت را باید از سنن الاهیاتی، انضباطی، عبادی یا مربوط به نیایش متمایز ساخت، که در طول زمان در کلیساهای محلی پدید آمده اند. این نوع سنن، اشکال ویژه ای هستند که خود را با مناطق و زمان های متفاوت تطبیق داده اند، جایی که سنت اعظم ابراز می شود. این سنن، تحت راهنمایی و اداره مقامات رسمی کلیسا، در نور سنت اصلی، قابل نگهداری، تعدیل یا اصلاح شدن یا حتی قابل صرف نظر کردن می باشند.



جوان: به نظر من، سنت، امور کهنه و متروک شده ای که بیهوده تکرار می شود زیرا، گذشته، متعلق به ما جوانان نمی باشد، بنابراین برای ما که به سوی آینده متمایل می باشیم، سنت مسئله ای تکراری و بی فایده و خطرناک است.



پیر: می دانم، که عده ای ماو کلیساهای اصیل را «کلیساهای سنتی» می نامند اما بدون سنت، کلیسا وجود ندارد و یک انجمن خود جوش و بدون ارتباط با مسیح است چون مشارکت ما با او بنا بر سنت رسولی است که توسط روح القدس زنده است.

البته اگر این جریان سنت با روح القدس هر روز احیا نمی شود، به قول خودتان، آن وقت تکراری و بی فایده است. پاپ ژان پل دوم در نامه ی خود درباره ی کلیساهای شرق به ما یادآوری می کند که سنت رسولی چیست (شماره ی ۸ ORIENTALE LUMEN).

سنت، میراث کلیسای مسیح می باشد... موضوع، تکرار اصطلاحات ثابت و تغییر ناپذیر نیست، بلکه میراثی است که اصول بیان ایمان اصیل را زنده نگهداری می کند.

سنت، یگانه عامل حفظ و پایداری کلیسا در برابر خطر تبدیل آن به یک جامعه چند عقیدتی به شمار می‌رود و پایداری و دوام آن را تضمین می‌نماید.

هنگامی که آداب و سنن خاص هر کلیسا به طور مطلق ثابت و غیر قابل تغییر در نظر گرفته شود، با خطر قطعی از دست رفتن مفهوم و معنای سنت کلیسایی به عنوان عنصری پویا و زنده و واقعیتی بالنده و رشد یابنده و هم چنین مفهوم کار روح القدس روبه‌رو هستیم، حال آن که این سنت از روح القدس ریشه گرفته و توسط آن تضمین و تأیید می‌گردد، زیرا روح القدس، این سنت زنده و پویا در هر زمان و برای مردم در شرایط تاریخی و جغرافیایی متفاوت پیامی منحصر به فرد به همراه دارد. همگام با افزایش درک خوانندگان کتاب مقدس از آن، هر عنصر دیگر میراث زنده ی کلیسایی نیز در ذهن ایمان داران هم از جنبه ی اعتبار و هم از دید ماندگاری بهتر و عمیق تر نشست کرده درک می‌شود. تنها یک رویکرد ژرف نگر و متحد کننده مذهبی در قالب اطاعت ایمان که کلیسا از آن به عنوان «سنت» یاد می‌کند می‌تواند این «سنت» را در انتهای متفاوت و شرایط ناهمگون فرهنگی و تاریخی زنده و معتبر نگاه دارد. سنت کلیسایی، هرگز به احساس غربت و دل‌تنگی درباره ی موضوعات گذشته و با شکل‌های قدیمی زندگی محدود نمی‌شود، و هم چنین افسوس از دست رفتن امتیازات قبلی نیز نیست، بلکه خاطره ی زنده و فعال عروس مسیح است که به محبتی که در آن ساکن است پیوسته شاداب و بالنده باقی می‌ماند.

اگر سنت کلیسایی ما را با گذشته مرتبط نموده و در تداوم نگاه می‌دارد، امیدهای فرجام‌شناختی نیز ما را به آینده ی طرح الهی پیوند می‌دهند. هر کلیسایی باید با وسوسه ی مطلق اندیشی مقابله نماید و بدین ترتیب، اعمال خود را ارزیابی نماید که بر اساس آن ممکن است شادی نموده و یا خود را تسلیم یأس نماید. اما زمان متعلق به خدا است و آن چه در طول زمان واقع می‌شود هرگز با مفهوم کاملیت ملکوت قابل قیاس نخواهد بود ملکوتی که فرمانروایی خدا و همیشه هدیه‌ای رایگان از او است.

هم چنین کتاب «تعلیم کلیسای کاتولیک» موضوع سنت را این گونه خلاصه می‌کند:

۹۶- آن چه مسیح به رسولان سپرد، آنان به نوبه ی خود با موعظه‌ها و نوشته‌هایشان به تمام نسل‌ها آن را با الهام روح القدس ارائه دادند، تا زمانی که مسیح در جلالش برگردد.

۹۷- «سنت مقدس، کتاب مقدس، یک گنجینه ی واحد مقدس از کلام خدا را تشکیل می‌دهند». که در آن هم چون در آئینه‌ای، کلیسای زائر، خدا را اندیشه می‌کند که منشأ همه ی دولت‌مندی اوست.

۹۸- «کلیسا در آموزه، زندگی و عبادت خود، ابدی گشته و تمام آن چه که هست و بدان ایمان دارد را به همه ی نسل‌ها منتقل می‌نماید».

۹۹- ایمانداران خدا با شکر و سپاس از احساس مافوق طبیعی ایمان خود به عنوان یک کل هرگز از استقبال و درک عمیق تر و زندگی کامل تر از عطیه مکاشفه ی الاهی، دست بر نمی‌دارند.

۱۰۰- وظیفه ی تفسیر کلام خدا به طور موثق، منحصراً به مقام رسمی کلیسا سپرده شده است، یعنی، به پاپ و اسقفانی که در اتحاد با او می‌باشند.

مثلاً مرقس برای بار اول، مژده ی نجات مسیح را طبق شهادت پطروس به تحریر درآورد، زمانی که آن رسول بزرگ در رم به مرگ محکوم شده است، تقریباً در سال ۶۸ میلادی، یعنی تقریباً چهل سال بعد از رستاخیز مسیح. بنابراین، شهادت رسولان در نور روح القدس، توسط سنت شفاهی و سنت مکتوب، کتاب‌هایی که کلیسا آنها را به عنوان خلاصه ی الهام شده و دقیق ایمان خود تشخیص داد به ما منتقل می‌سازد.

بنابراین، به خوبی این موضوع را حفظ کنید: برای جا دادن خود در جریان سنت رسولی باید:

۱- آن را با وفاداری بپذیریم، توسط روح القدس که به کلیسا همه چیز را یادآوری می‌کند. (یو ۱۴:۲۶).

۲- امروز، آن را با هم، توسط روح القدس احیا کنیم که در قلب ما شهادت می‌دهد.

۳- آن را با تطابق به فرهنگ معاصر، منتقل سازیم، با قدرت روح القدس که مدافع ماست. اگر این طور نباشد می‌توانیم از سه طریق به جریان سنت رسولی بی‌ وفا باشیم:

الف- آن را منحرف کنیم و یا ندیده بگیریم؛

ب- با تکرار آن قانع شده و آن را احیا نگردانیم؛

ج- با ترس و لرز از جفا آن را نگهداری کرده ولی منتقل نمی‌نمائیم.

خلاصه، سنت، زنده و زندگی در مسیح می‌باشد: «روح القدس شما را به حقیقت کامل خواهد رساند.» (یو ۱۶:۱۳).

جوان: پدران کلیسا چه کسانی می‌باشند؟ مرتب در باره ی اینان صحبت می‌کنند ولی من نمی‌دانم.



پدران کلیسا

پدران کلیسا که تا این حد به مبدا نزدیک بودند، شاهدان ممتاز سنت می‌باشند. اولین ساختارهای کلیسا از آنها ناشی شده و آنها هستند که راه نیایش، طرز تفکر در باره ایمان، تجربه و اعلام آن را برای کلیسا جهت داده‌اند. آنها از سنتی زنده شهادت می‌دهند و دران هم زمان یگانگی عظیم و تنوعی واقعی به چشم می‌خورد که در روایات مختلف منعکس شده است. استقلال پدران، خلاقیت آنها در ایمان، نشان گر راهی است که کلیسا باید برود. صلاحیت آنها در خداشناسی بی‌چون و چراست. به این دلیل است که شورای اسقفان اغلب به سنت پدران رجوع می‌کنند. رفتار پدران در مقابل فرهنگ‌های مختلف، برای عالمان الاهیات که امروز در وضعیت مشابهی قرار دارند، اهمیت زیادی دارد. آنها همچنین در باره ی فرآیند فرهنگ پذیری، دفاع از ایمان، پیشرفت اصول مذهبی و مشارکتی که می‌تواند بین کلیساهای غرب و شرق وجود داشته باشد، درس‌های بسیار به ما می‌آموزد.

جوان: منظور از «پدر کلیسا» چیست؟ عالم کلیبا یعنی چه کسی؟

پیر: پدر کلیسا یک نویسنده ی کلیسایی قدیمی مسیحی است که توسط کلیسا به عنوان شاهد ایمان که از اقتدار خاصی برخوردار است، شناخته شده است.



-اونویسنده است، به این معنی که باید نوشته هایی از خود به جا گذاشته باشد.
 -تعلقش به کلیسای کاتولیک وهمگانی (به آن معنی که در کارکرد «credo» ایمان آمده) اساسی است از این روست که (لقب کلیسایی) گرفته است، ولازم نیست که او اسقف یا حتا کشیش بوده باشد.

-او باید متعلق «به دورانی باشد که مسیحیت در آن شکفته شده و اولین اصول ایمانی در آن شکل گرفته باشد.» آخرین پدران کلیسای لاتین، متعلق به این دوره ی مسیحیت، گریگور کبیر (۵۴۰-۶۰۴) و ایزودور اهل سویل (۵۶۰-۶۳۶) می باشند: آخرین پدر کلیسای یونانی ژان داماس (۶۷۵-۷۴۹) است.

-موافقت ضمنی کافی است تا یک پدر کلیسا به عنوان شاهد ایمان که از اقتدار کلامی خاص برخوردار است به حساب آید. به این دلیل، تشخیص آن که آیا فلان نویسنده، پدر کلیسا هست یا نه هموتره، مشکل است. به طور خلاصه، طبق تجربه ی تحلیلی در کتاب «پدران کلیسا» شده است، یک پدر کلیسا را می توان از چهار نکته تشخیص داد: راست ایمانی، تقدس در زندگی، مافقت کلیسا و قدمت.
 - بر خلاف پدران کلیسا، یک عالم کلیسا متعلق به دوران قدیم مسیحیت نیست. این مقام توسط سنت یا به تصمیم ریاست اعظم کلیسا به یک نفر داده می شود، مثلا (قدیس ترز عیسای کودک در اکتبر سال ۱۹۹۷، عالم کلیسا اعلام شد). یک عالم. بر مبنای تقدس در زندگی، راست ایمانی و اهمیت افکارش به این نام شناخته می شود.

فصل دوم

از عزل تا امیدواری

ایوب

ای ز غم مرده که دست از نان تهی است چون غفورست و رحیم این ترس چیست؟ (مثنوی دفتر دوم، ۳۰۸۸)

به این ترتیب، انسانی که به صورت خدا و به منظور زندگی ابدی و برای این که بیش از پیش به خالق خود شباهت یابد خلق شده بود «همانند او خواهیم بود»... (۱- یو:۳:۲) عزل و مرگ را شناخت.

البته نشانه‌ای که خدا از حضور خود در وی بر جای گذاره بود محو نشده است چون نارضایی دائمی انسانی که همیشه در جستجوی چیزی بیشتر و بهتر است، گواه دل‌تنگی او برای بهشت از دست رفته می باشد و این همان خلأ بی پایانی است که دوری خدا به مانند جای زخمی عمیق در قلب انسان برجای گذارده است. اما گناه بر زیبایی انسان که تصویری از خداست سایه می افکند و این تصویر خدا را، به صورت قیافه‌ای مضحک در می آورد. عطایای خدا مانند هوش، اراده و خلاقیت از هدف اولیه خود منحرف شده در راه خدمت به شر به کار گرفته می شوند. به این ترتیب است که محبت به حسادت، آرزوی بهتر بودن به جاه طلبی و اشتیاق تسلط بر دیگران و طلب نیکی های ابدی به تمایل به مالکیت تبدیل می گردد. و گوساله طلایی جای خدای واقعی را می گیرد (خروج ۳۲). شیر، و سوسه گر، مار عهدعتیق، تفرقه انداز، ابلیس و پدر دروغ به صورت شاهزاده‌ی این دنیا در آمده و اشاعه‌ی سلطه ترس، تنفر، بیماری، رنج و مرگ را سبب می شود.

با این همه، خدا مخلوق خود را ترک نمی کند. او پیامبرانی را که بیان کننده‌ی کلامش هستند از میان انسان‌ها برمی انگیزد و خدمتگزارانی نمونه مانند ایوب که سرمشق وفاداری و صبر در مقابل بدی و تحمل در برابر آزمایش هستند به آنان می بخشد. داستان ایوب به ما می نمایاند که بدی هرگز از جانب خدا نمی آید (یع: ۱۳:۱) و می تواند در هر حال فرصتی برای خدمتگزاران خدا باشد تا وفاداری و خلوص محبت خود را ثابت نمایند. درست است که تجربه می تواند فرصتی برای هبوط فراهم آورد اما هم چنین می تواند فرصتی برای صبر، امید، ثابت قدمی در نیکی و پیروزی بر بدی نیز باشد چون انسان آزاد است. به همین دلیل است که خدا آزمایش را مجاز می داند، آزمایشی که صفات بندگانش را ارزشمند نموده ترقی می دهد، آزمایشی که سیرت آنها را ساخته و محبت و وفاداری آنها را می آزماید.

در زمان عهد عتیق کتاب ایوب به عنوان یک متن اعلامگر مسیح خوانده نمی شد اما از نظر مسیحیت، روایت ایوب، این خدمتگزار صادق که با بی عدالتی مورد عذاب واقع شده بود از دور به آمدن مسیح به عنوان خادم رنجور و پیروز که زیبایی بی مانند خود را به انسان باز خواهد داد اشاره می کند.

در این کتاب، به کرات و تعمداً قرائت قطعاتی از کتاب عهد عتیق را از دیدگاه مسیحیت در پیش خواهیم گرفت تا در راه «درک نوشته‌های عهد عتیق» از طریق اناجیل کوششی به عمل آمده باشد. آنان که کتب عهد عتیق را می‌خوانند بدون آن که با مسیح آشنا باشند، نمی‌توانند معنی عمیق این متون را بفهمند و پولس رسول می‌گوید بر قلب آنان نقابی کشیده شده. وی هم چنین اضافه می‌کند: «... هرگاه به سوی خداوند رجوع کند نقاب برداشته می‌شود» (۲-قرن ۳: ۱۳-۱۷). ما عقیده داریم که نقاب دیگری بر قلب آنهایی کشیده شده است که می‌پندارند می‌توانند کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) را به عنوان وسیله‌ای ساده جهت شناسایی، بدون در نظر گرفتن خدای زنده که از درون آن خود را آشکار می‌سازد قرائت نمایند.

در ایام گذشته در سرزمین عوض مردی بود که ایوب نام داشت: مردی کامل، درستکار و خدا ترس که از بدی دوری می‌ورزید.

هفت پسر و سه دختر برای او زاییده شد و خدا اموال بسیاری به او بخشید. روزی خدا فرشته‌های خود را گرد آورد و شیطان نیز که از سیر زمین باز می‌گشت در میان آنها بود. خدا غیرت ایوب، خدمتگزار خود را به شیطان تذکر داد. شیطان در جواب گفت: «آیا ایوب مجاناً از خدا می‌ترسد؟ آیا تو او را از ثروت خود سرشار نکردی؟ لیکن الان دست خود را دراز کن و تمامی مایملک او را لمس نما، سوگند می‌خورم جلوی رویت بر تو لعنت خواهد فرستاد».

خدا گفت: «باشد. اینک تمام اموال او در دست تو است لیکن دستت را بر خود او دراز مکن». پس شیطان به روی زمین برگشت و تمام ثروت ایوب را از میان برد و حتی فرزندان او را نابود کرد. ولی ایوب با وجود درد و غمی که داشت گناه نکرد و به خود اجازه نداد که نسبت به خدا گستاخی نماید. بار دیگر شیطان در حضور خداوند درباره‌ی شکست خود از خدا می‌شنود که: «مرا واداشتی که او را بی سبب اذیت رسانم.» شیطان بی‌درنگ در جواب می‌گوید: «الان دست خود را دراز کرده استخوان و گوشت او را لمس نما و تو را پیش روی تو ترک خواهد نمود».

خدا گفت: «اینک او در دست تو است لیکن جان او را حفظ کن.» در واقع خدا آزمایش نهایی یعنی مرگ را به استثنای مورد عیسای مسیح که مرگش ما را تا ابد از وجود شیطان رهایی می‌بخشد، مجاز نمی‌داند.

پس شیطان به روی زمین برگشته و ایوب را به بیماری وحشتناکی مبتلا نمود. زنش او را گفت: «آیا تا به حال کاملیت خود را نگاه می‌داری؟ خدا را ترک کن و بمیر!» (ایوب ۲: ۹).

ایوب جواب داد: «هم چون زنان بی‌عقل سخن می‌گویند. ما نیکی را از خدا دریافت می‌داریم آیا نباید بدی را نیز دریافت داریم؟» (ایوب ۲: ۱۰).
با این همه، ایوب به لب‌های خود گناه نکرد.

خبر اين همه بدى كه بر او واقع شده بود به سه دوست او اليفاز، بلدد و صوفر رسيد و آنان تصميم گرفتند به نزد او رفته او را تسلى دهند.

ايوب كه از رنج هاى وحشتناكى كه تن و جان وي را آزار مى داد از پا در آمده بود، روزى را كه در آن متولد شده بود، نفرين نمود. اليفاز آن چه را كه باور هر فرد يهودى بود يعنى «رنج، ثمره ي گناه است نسبت به خدا» به وي يادآور شد. اما ايوب بر بى گناهي خود اصرار نمود. و به آه و زارى ادامه داد:

به يادآور كه زندگى من چيزى جز باد نيست

و چشمانم سعادت را نخواهدديد. (ايوب ۷:۶-۷)

اما بلدد تاكيد مى كند كه خدا مرد كامل را از خود نمى راند. و ايوب كه در حال آشفتگى خود حس مى كند دارد تحت اراده اى ظالم خرد مى شود، در حكمت خدا شك مى كند. صوفر، آزرده خاطر شده وي را ياد آور مى شود كه او نمى تواند در نظر خدا بى نقص و عيب باشد. با وجود اين، ايوب به اعلام بى گناهي خود ادامه مى دهد و مى خواهد در مقابل خود خدا از آن دفاع كند. اليفاز در جواب، آشكارا مى گويد كه قيام انسان بر ضد خدا جنون است.

ايوب با درماندگى مى گويد:

آسوده مى بودم و مرا شكسته است

مرا از پشت گردنم گرفته و قطعه قطعه كرده است»

با اين حال در دستانم هيچ خشونتى نيست

و دعائيم خالص است!

پس اميدم كجاست؟ (ايوب ۱۶:۱۲-۱۳، ۱۷ و ۱۷:۱۵)

- بره ي قربانى شده تبديل به نشانه اى بر روى صليب مى شود، صليبي كه جهان را از تسلط شيطان مى رهاند.

بلدد:

تا به كى براى سخنان، دام مى گسترانيد؟ (ايوب ۱۸:۲)

ايوب:

بدانيد كه مرا الوآه زيان رسانده

(...)

جلالم را از تنم بدر كرده

و تاجم را از سرم برداشته. (ايوب ۱۹:۶، ۹)

- شاه جلال، خداوند صبايوت (لشكريان) كه جمعيت به هنگام ورودش به اورشليم او را با هلهله استقبال كرده بودند اكنون تحقير و خوار شده است.

ایوب در نهایت ذلت، توکل خود را به خدا فریاد می زند:

اما من می دانم که مدافعم زنده است،

و به عنوان نفر آخر، بر روی غبار بر خواهد خاست

و در پس پوستم سر پا خواهم ایستاد

و از بدنم (یا گوشتم) الوآه را خواهم دید. (ایوب ۱۹: ۲۵-۲۶)

- رستاخیز پرشکوه و جلال مسیح درهای ملکوت آسمان را به روی ما باز کرده و تا ابد تأمل و اندیشه در حضرت اعلا را برای ما فراهم می سازد.

الیفاز:

آیا برای خدا ترسی توست

که تو را تأدیت می کند و با تو

داوری می شود؟

آیا شرارت تو بزرگ نیست

و برای خطاهایت هیچ حد و مرزی هست؟ (ایوب ۲۲: ۴-۵)

او ایوب را به برگشت متواضعانه به سوی خدا ترغیب می نماید.

ایوب:

دور از من این اندیشه که به شما حق بدهم!

تا زمانی که نمرده ام، هیچ گاه از کمال خود چشم نخواهم پوشید (ایوب ۲۷: ۵)

(...)

اگر قدم هایم از راه منحرف شده اند

و اگر دلم به دنبال چشمانم رفته باشد (ایوب ۳۱: ۳۷).

- مسیح فاتحانه پیش می رود و در جلال به طرف تخت شاهی صعود می کند.

یهو که تا آن موقع بدون ادای کلمه ای حضور داشت خشمش بر افروخته شد: آیا ایوب نمی بیند که چگونه قادر مطلق از طریق این آزمایش وی را به رجعت دادن قلب گناهکار و عصیانگر خود دعوت می کند؟

خداوند از بطن گردباد به ایوب جواب داده و تمام شوکت و قدرت خود را ظاهر ساخت:

کیست آن کس که با سخنان فاقد دانش

نقشه ی [مرا] تیره می سازد؟

پس هم چون مردی دلیر برگردهای کمر خود را ببند،

از تو سؤال خواهم کرد: مرا تعلیم ده

کجا بودی آن گاه که زمین را بنیاد می نهادم؟
 آن را مشخص ساز، اگر فهم را می شناسی
 بر روی چه چیزی پی های آن فرو رفت،
 یا چه کسی سنگ گوشه آن را گذارد،
 در میان همسرای شادمانه ی ستارگان بامدادی
 و در میان هلهله شادی تمامی پسران خدا (ایوب ۳۸: ۲-۴، ۶-۷).

ایوب که از این ظهور خدا خیره شده بود مافوق بودن^۷ خدای خود را قبول می کند و دیگر در صدد پاسخ گویی بر نمی آید (ایوب ۴۲: ۱-۶). او می فهمد که حکمت خدایی معنای دیگری به رنج و مرگ می بخشد، معنایی که برای ایوب غیر قابل درک می ماند و معنایی که مسیح بعداً به ما اعلام خواهد نمود.

پس از صحبت با ایوب، خدا الیفاز و دوستانش را مخاطب قرار می دهد و برخلاف انتظار ما، خداوند این معترض کامل یعنی ایوب را تبرئه می نماید اما در عین حال خشمش نسبت به الیفاز و دوستانش برافروخته می شود: مگر نه این که آنان، خداوند را به صورت ظالمی که تشنه سلطه است مجسم کرده بودند؟ در صورتی که سرزنش های ایوب سبب می شود که محبت خدا نسبت به مخلوقاتش تهییج شود و چهره حقیقی خدا برای ما مکشوف گردد.

پس از این آزمایش، خداوند به وضع ایوب رونق تازه ای بخشید و حتا ثروت او را دو چندان نمود. بعد از این، ایوب یکصد و چهل سال زندگی کرد و پسران پسران خود را تا پشت چهارم دید. پس داستان ایوب برای ما امیدوار کننده است. گرچه صورت خدایی انسان به سبب گناه آدم و حوا، گناه قائل و نیز به سبب گناه هریک از ما تباه شده است اما ایوب نوید آمدن کسی را می دهد که عادل و رنجور، صبور و مظفر است، کسی که با پافشاری و شهامت در مقابل حمله های شیطان ایستادگی کرده بر او غلبه می نماید به طوری که صمیمیت با خدا را که در نتیجه ی گناه، از دست انسان رفته بود به او بازمی گرداند و تصویر الاهی در کمال زیبایی دوباره در انسان برقرار می شود. خدا برای نیل به مقصود خود همان نمونه ای را که طبق آن انسان را آفریده بود خواهد فرستاد. همان گونه که اگر مهری خوب زده شود آثار محو شده را دوباره نقش خواهد کرد، پسر خدا نیز که فروغ جلال پدر است (عبر ۱: ۳) در سرشت آدمی رخنه کرده و سرشت انسان را به صورت آدم نوین، انسان کامل و تصویر نورانی خدا از نو شکل می دهد. این همان چیزی است که دانشمندان الاهیات آن را تن گرفتن نامیده اند. تن گیری، روزی به حقیقت پیوست که جبرائیل فرستاده ی خدا در جلیل نزد باکره ای از ناصره به نام مریم آمد و آن روز، روز اعلام مژده ی فرشته به مریم بود.

۷- اصطلاح «مافوق بودن» بیان گر آن است که خدا مافوق همه چیز بوده و برای انسان غیر قابل تشخیص، غیر قاب بیان و غیر قابل فهم می باشد.



سوال برای تعمق بیشتر:

- ۱- در نتیجه ی گناه آدم و حوا، صورت و شباهت خدا به انسان چگونه شد؟ آیا کلاً از میان رفته یا فقط زخمی شده است؟
- ۲- کلمه ی عبری شیطان به چه معنایی است؟ در بیان اسم و عنوان شیطان در انجیل یوحنا سه مورد را ذکر نمایید.
- ۳- وقتی که تجربه ای سخت برای انسان حادث می شود، آیا همیشه این خود نشانه از گناهی است که شخصاً مرتکب شده ایم؟ آیا خدا می خواهد توسط تجربیات سخت، از گناهان او انتقام بگیرد؟ اگر چنین است، پس خدا کیست؟
- ۴- آیا در عمق مصیبت می توان وجود خدا را انکار کنیم؟ یا باید با صدای بلند فریاد برآوریم «خدای من، خدای من، چرا مرا ترک نمودی»؟ این متن از کدام قسمت عهد قدیم اقتباس شده و چگونه خاتمه می یابد؟ این متن چه ارتباطی با سخن مسیح که بر روی صلیب گفت «ای پدر روح خود را به دست تو می سپارم» دارد؟ این متن از کدام قسمت عهد قدیم اقتباس شده؟ آیا پدر آسمانی به این دعای عیسا جواب داده است؟ چگونه؟

کتاب برای مطالعه ی بیشتر:

- ۱- کتاب ایوب.
- ۲- مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس (صفحات ۱۷۹-۱۸۲).
- ۳- فرهنگ الاهیات کتاب مقدس، کلمات (رنج دیدن، امتحان).
- ۴- رنج و مرگ و رستاخیز.
- ۵- رنج ایوب، ژان استینمن.

فصل سوم

آدم جدید: راز تن گیری

(قبل از خواندن متن ذیل، کتاب مقدس را بخوانیم: لوقا ۱: ۲۶-۵۶)

الف: اعلام مژده ی فرشته به مریم

بانگ حق اندر حجاب و بی حجیب آن دهد کو داد مریم راز غیب (مثنوی، دفتر اول، ۱۹۲۴)
شمایل مژده ی فرشته به مریم را با هم نگاه می کنیم. در آن چه می بینیم؟ فرشته ای را می بینیم که برای دادن مژده از آسمان به سوی باکره پایین می آید.
در واقع، جبرائیل فرشته بزرگترین خبرها را به مریم می دهد، آغاز نجات ما: پسر خدا پسر انسان می گردد!

«مژده به مریم»:

در آن هنگام فرشته ی جبرائیل به مریم عذرا
تولد خجسته ی عیسا، ناجی ما را بشارت داد
و با بیم توأم با احترام به او چنین اعلام کرد:
«تو را سلام ای مادر ناجی و داور ما
تو را سلام که از تو نجات دهنده ی آفاق ظهور می کند
تو را سلام که امید و زندگی از تو پا به جهان می گذارد
تو را سلام که خیمه ی مقدس پسر خدا هستی
تو را سلام که باکره، فرزندی زایی
تو را سلام ای درخشان ترین نورها
تو را سلام ای کاخ امید و آرزوی دل پادشاه متعال
تو را سلام که هر چه نکو است از سینۀ تو سرچشمه گیرد
تو را سلام چون از تو به وجود آمد
پیشگام شادمانی خلقت».

قبلاً، چگونگی پیدایش جهان و آفریده شدن انسان به صورت خدا و شبیه به خدا و سپس هبوط وی را مرور نموده ایم. اکنون بینیم چگونه باید روابط حقیقی بین خدا و انسان برقرار گردد؟ چگونه تصویر از دست رفته باز یافته شود و شباهت به خدا دوباره کسب گردد؟
خدا جواب می دهد: او از طریق پیامبرانی که از میان قوم یهود بر می انگیزد گفتگو با انسان را ادامه می دهد. او مسیح را به این قوم وعده می دهد و قوم یهود با وجود بی وفایی های فراوان خود این وعده را با ایمان حفظ نموده با امیدواری در انتظار می ماند.

کلیسای شرق در طول چهار یکشنبه‌ای که جشن میلاد مسیح را آماده می‌کنند، در این فصل «مژده‌ها» متعاقباً مژده‌هایی را که به زکریا و سپس به مریم داده شده‌اند، تا بازدید مریم از ایصابات و نهایتاً، مژده‌ای که به یوسف داده شد، با احترام به یاد می‌آورد و جشن می‌گیرد. فعلاً مژده به حضرت مریم را مطالعه می‌کنیم.

تعلیم رسمی کلیسا:

۵۲۴- وقتی کلیسا مراسم فرا رسیدن عید میلاد مسیح را جشن می‌گیرد، همان انتظار قدیمی ماشیح را حاضر می‌سازد، زیرا با مشارکت در آماده سازی بلند مدت اولین ورود نجات دهنده، ایمانداران اشتیاق سوزان خود به آمدن ثانویه او را تازه می‌گردانند.

کلیسا با برپایی جشن تولد یحیا ندا دهنده و شهید شدن او، خود را به آرزوی یحیا پیوند می‌دهد: «می‌باید او افزوده شود و من کاسته‌گردم» (یو ۳: ۳۰).

تفسیر شمایل مژده‌ی فرشته به حضرت مریم

در شمایل مژده‌ی فرشته به مریم، دو قسمت را می‌بینیم که توسط یک ستون مشخص گردیده است. در قسمت بالایی سمت چپ، هلالی از تاریکی می‌بینیم که نشانگر راز خدا می‌باشد. در قسمت پایین، فرشته‌ای در حال حرکت دیده می‌شود که از سوی خدا، مژده‌ی آمدن مسیح موعود و برگزیده شدن حضرت مریم به عنوان مادر خداوند، با قدرت روح القدس، پیام را می‌رساند.

در سمت راست پایین، حضرت مریم را می‌بینیم که در خانه از جایگاه خود بر می‌خیزد و در پریشانی کامل، پیام خداوند از سوی فرشته را می‌پذیرد «من کنیز خداوندم.» ضمناً مریم با دست چپ خود در حال دوک ریزی با نخ قرمز رنگ می‌باشد که در همین حالت دوک ریزی اجازه داد، قوم برگزیده، برج و با روی سرزمین موعود به اسم اریحا فاتح کرده به سرزمین موعود وارد شوند (یوشع ۲) و همین طور از طریق حضرت مریم به یحیا نجات دهنده ما رسیده به ملکوت وارد می‌شویم. به صورت تعجب آور می‌بینیم که دست فرشته از قسمت چپ به سوی مریم می‌آید و از قسمت راست به سوی هلالی در قسمت بالایی در حال شکفتن می‌باشد و این بدین معناست که پیام خداوند ابلاغ شده و درخت حیات از فردوس نوین به سوی خدا بالا می‌رود.



شمايل ارمني قرن ۱۳ ميلادي

مژده ی فرشته به حضرت مریم

حضرت مریم از هر نوع بتی میرا بود. او نه توسط انسان بلکه به وسیله ی روح القدس باردار گشت و ناجی انسان ها را به جهان داد. کلیسا نیز مانند حضرت مریم از هر نوع بتی مبراست و عیسای مسیح منجی بشر را نه با نیروی انسانی بلکه به وسیله ی روح القدس به جهان می دهد.

برای نمایاندن وعده‌ی خدا، قطعه‌ای از کتاب پیدایش یعنی متن «نردبان یعقوب» (پید ۲۸: ۱۰-۱۷) را که کلیسا برای دعای شامگاهی عید «مژده‌ی فرشته به مریم» انتخاب نموده مرور می‌نماییم:

نردبان یعقوب

«... ناگاه نردبانی بر زمین بر پا شده که سرش به آسمان می‌رسد و اینک فرشتگان خدا بر آن صعود و نزول می‌کنند» (پید ۲۸: ۱۲).

زمین به معنی ما و آسمان به معنی خدا و هر دو با هم متحد می‌باشند. اکنون به شمایل بر می‌گردیم: فرشته از آسمان به طرف مریم پایین می‌آید. بال‌هایش در اثر حرکات فرود آمدن، هنوز لرزان می‌باشد. بال‌ها نشانه‌ای از مبدأ پیام آورند: بدین معنا که او از آسمان و از سوی خدا می‌آید. این است نخستین تحقق خواب یعقوب. بعداً نیز ما تحقق یافتن‌های بسیاری را شاهد خواهیم بود زیرا خود عیسا به آنها این چنین وعده داده است: «آمین آمین به شما می‌گویم که از اکنون آسمان را گشاده و فرشتگان خدا را که بر پسرانسان صعود و نزول می‌کنند خواهید دید» (یوا: ۵۱). خدا به یعقوب می‌گوید: «... از تو و از نسل تو جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت» (پید ۲۸: ۱۴).

نسل ابراهیم و اسحاق و یعقوب همان عیسا می‌باشد. پولس قدیس ما را چنین تعلیم می‌دهد: «... وعده‌ها به ابراهیم و به نسل او گفته شد و نمی‌گوید به نسل‌ها که گویا درباره‌ی بسیاری باشد بلکه درباره‌ی یکی و به نسل تو که مسیح است» (غلا: ۳: ۱۶).

زمانی که خدا تن می‌گیرد، آسمان و زمین به اتحاد در می‌آیند زیرا او خدای راستین و شخص دوم تثلیث است که در آسمان به دست راست پدر نشسته و در عین حال «انسان» حقیقی و همان طور که پولس قدیس او را می‌نامد «آدم ثانی» می‌باشد («آدم» به معنای «ساخته شده از خاک» است زیرا او از خاک شکل گرفت. ر.ک. پید ۲: ۷). اما برای تحقق یافتن این معجزه انسان باید خدا را پذیرا شود و مریم که آزادانه خداوند را در رحم خود قبول می‌کند این پذیرش را به تحقق می‌رساند. جواب او چنین است: «اینک کنیز خداوندم مرا بر حسب سخن تو واقع شود» (لو: ۱: ۳۸).

اکنون می‌فهمیم چرا مادر خداوند در سرودهای ما «نردبان یعقوب» خوانده می‌شود، زیرا او پیوند بین آسمان و زمین است. در جاهای دیگر او را «در آسمان» می‌نامند چون خدا در شخص عیسا توسط وی در میان انسان‌ها ظاهر شد و به همین علت شمایل «مژده‌ی فرشته به مریم» معمولاً بر روی درهای شاهانه جایگاه شمایل^۸ که علامت درهای ملکوت آسمان است نصب می‌شود.

۸- جایگاه شمایل در کلیسا‌های مشرق زمین، تیغه‌ای پوشیده از شمایل است که صحن کلیسا را از قربانگاه جدا می‌کند،

ب: باکره‌ی آیت

همچو مریم جان از آن آسیب جیب
آن مسیحی نه که بر خشک و ترست
حامله شد از مسیح دلفریب
آن مسیحی کز مساحت برترست
(مثنوی، دفتر اول ۱۱۸۵-۱۸۸۴)

این شمایل، تصویری از حضرت مریم باردار است که «باکره‌ی آیت» نام گرفته است زیرا نبوت اشعیای نبی را بیان می‌کند:
ای خاندان داود بشنوید...
خود خداوند به شما آیتی خواهد داد.
اینک باکره حامله شده
پسری خواهد زاید
و نام او را عمانوئیل (خدا با ما است) خواهد خواند. (اش ۷: ۱۳-۱۴).

این نبوت در روز «مژده‌ی فرشته به مریم» تحقق یافت. در واقع حضرت مریم مژده‌ی فرشته را با دادن جواب مثبت پذیرا شد و این «بلی» پاسخ مریم به فرشته و موافقت او جهت مادر خداوند شدن است. خدا، بدون این موافقت آزادانه، نمی‌توانست به صورت انسان در آید و تن بگیرد چون خدا در مورد هیچ کس هرگز به جبر متوسل نمی‌شود و در انتظار آن است که انسان آزادانه جوابش را بدهد. ما آزادی خود را برای پاسخ به خدا و پیوستن به او در محبت، کاملاً حفظ می‌نماییم. هر بار که این قسمت از دعای «ای پدر ما» را می‌خوانیم: «روان باد خواست تو روی زمین چنان که در آسمان است»، به پیروی از مریم به خدا پاسخ گفته ایم و هر بار که در دعای خود می‌گوییم «آمین»، «بلی» خود را به خدا اعلام می‌نماییم، زیرا او ادای این کلمات را از جانب ما بدون هیچ اجبار و فقط از روی محبت طالب است.

مریم پیش از قبول مادری الهی، از فرشته سؤال می‌کند: «این چگونه می‌شود؟» زیرا او هیچ مردی را نشناخته است و تصور می‌کند که این تولد امکان‌پذیر نمی‌باشد. فرشته پاسخ می‌دهد که این امر توسط روح القدس انجام خواهد شد. در بعضی از شمایل‌ها روح القدس را به شکل کبوتر یا به صورت نوری سرازیر به سوی بطن مریم می‌بینیم به این معنی که: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند».

«مرگ به واسطه‌ی حوا، حیات از طریق مریم» (نور ملل، شماره‌ی ۵۶)

تعلیم کلیسای کاتولیک ارتباط مابین حوا و حضرت مریم را این‌گونه تشریح می‌کند (شماره‌ی ۴۹۴): بنا به گفته‌ی ایرنیوس، «او (حضرت مریم) بامطیع بودن سبب نجات خود و تمام نسل بشر شد.» به این ترتیب، بسیاری از پدران اولیه به خوشحالی اعلام نمودند: گره‌ای که به وسیله‌ی بی‌اطاعتی حوا به وجود آمد توسط اطاعت مریم گشوده شد. آن چه حوای باکره با بی‌ایمانی خود سبب بستن آن شد، مریم باکره با

ایمان خوان را باز نمود در مقایسه مریم با حوا، مریم را «مادر زندگان» می نامند و مکرر اعلام می دارند که به محض تلفظ کلمه ی «بلی» توسط مریم، مژده ی جبرائیل به حقیقت می پیوندد:

پسر یگانه ی خدا

که از پدر قبل از زمان تولد یافت،

تولد شده ولی آفریده نگردیده..

از آسمان فرود آمد

و به واسطه ی روح القدس

تن گرفت

و از مریم باکره متولد

و انسان گردید (قانون ایمان - اعتقاد نامه ی نقیه).



شمایل باکره‌ی آیت، شمایل روسی - قرن بیستم

حضرت مریم در حالت دعا: حروف مخفف در سمت راست و چپ شمایل، به معنی مریم باکره مادر خداوند، در زیر حروف شکل دو فرشته است که بر طبق کتاب خروج (۶:۳۶-۷) اعلام می‌کند که: جایگاه خدا در زمان موسا، اکنون خود مریم می‌باشد که در سینه‌ی او مسیح خداوند، در وسط دایره، نشانگر آسمان و خدا، او با دست راست برکت می‌دهد و در دست چپ طوماری دارد که نشانگر پیامی است که آورده است.

تفسیر «مژده ی فرشته به مریم»:

اول تعمق کوتاهی بر گفتار فرشته خداوند داشته باشیم:

«شادی نما، ای سرشار از فیض،

خداوند با توست»

به چه دلیل با شنیدن این مژده حضرت مریم «به شدت پریشان گردید»؟ طبعاً چون عهد قدیم را به خوبی تعمق کرده بود اعماق این کلام را درک می کرد.

«شادی نما»: معمولاً به صورت خیلی ساده این کلام را «سلام» ترجمه می کنیم، اما این کلمه نشانگر برخورد معمولی نمی باشد چون پر از درود به اورشلیم آن دختر صهیون در پیامبران می باشد (صف ۳:۱۴؛ زک ۹:۹).

«ای دختر صهیون بسیار وجد نما

و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده

اینک پادشاه تو نزد تو می آید.

او عادل و صاحب نجات و حلیم می باشد

و بر الاغ و بر کره الاغ سوار است» (زک ۹:۹).

«ای دختر صهیون ترنم نما!

ای اسرائیل آواز شادمانی بده!

ای دختر اورشلیم به تمامی دل

شادمان شو و وجد نما» (صف ۳:۱۴).

بنابراین، این سلام پر از خوشبختی با مژده ی آمدن مسیح می باشد.

«ای سرشار از فیض»

تحت اللفظی فقط دوبار در کتاب مقدس بکار برده شده در (بنسی ۱۷:۱۸؛ افس ۱:۶). و این اصطلاح از کلمه ی karis (فیض) مشتق شده و در ترجمه ی یونانی عهد عتیق به کار رفته و از یک ریشه است. در ابتدا در مورد لطف پادشاه (۱- سمو ۲۲:۱۶؛ ۲- سمو ۱۴:۲۲، ۴:۱۶؛ ۱- پاد ۱۱:۱۹؛ استر ۲:۱۷، ۵:۸، ۳:۷، ۸:۵، ۵:۸). و سپس در مورد بحث محبوب آمده (ر. ک غزل ۸:۱۰؛ استر ۳:۱۷؛ ۵:۸؛ ۳:۷). در این اسم جدیدی که فرشته به مریم داده کلیسای کاتولیک درک می کند که مریم، اولین کسی که از قبل و اصولاً توسط پسرش عیسا کاملاً نجات یافته و هیچ گونه زخمی از گناه حوا در او وجود ندارد. این حوای نوین بی آایش زاده شده یا به اصطلاح دیگر «لقاح مطهر» به او اطلاق می گردد.

«خداوند با توست»

در عهد قدیم این جمله به اسحاق (پید ۲۶:۲۴)، به یعقوب (پید ۲۸:۱۵)، به موسا (خروج ۳:۱۲) به جدعون (داور ۶:۱۲) و چند بار به ارمیا (۸:۱، ۶؛ ۱۵:۲۰) اطلاق شده و نشانگر دعوت مخصوص و مهم از طرف خدا می باشد.

حال می توانیم بفهمیم که چرا حضرت مریم از خود می پرسید «معنای این درود چه می تواند باشد» (لو ۱:۲۹).

سپس شمایل مژده ی فرشته را به مریم نگاه می کنیم ...

اکنون مژده ی فرشته با پیشگویی اشعیای نبی مطابقت می یابد. این پیشگویی در متن ترجمه «هفتادتنان»^۹ که مربوط به دو قرن پیش از میلاد می باشد مشخص گردیده است. در این ترجمه کلمه ی عبری «آلما» به معنی زن جوان به کلمه ی یونانی «پارتنوس» به مفهوم باکره ترجمه شده است. شمایل باکره ی باردار نمایانگر به انجام رسیدن وعده ای است که به همه ی پیامبران، پدران قوم اسرائیل و ذریه اجداد مسیح داده شده است: «خداوند برای داود به راستی قسم خورد و از آن بر نخواهد گشت که از ثمره ی صلب تو بر تخت تو خواهیم گذاشت» (مز ۱۳۲:۱۱).

دعای «درود بر تو ای مریم»^{۱۰}

پس زجان جان چو حامل گشت جان از چنین جانی شود حامل جهان
(مثنوی، دفتر اول، ۱۱۸۷)

فرشته ی جبرائیل به مادر خدا گفت: «سلام بر تو باد ای نعمت رسیده، خداوند با توست» (لو ۱:۲۸). مدتی بعد مریم با ایصابات مادر یحیای تعمید دهنده که از خویشانش بود ملاقات می نماید. ایصابات بارداری او را مشاهده می کند. او «آیت» اشعیای نبی را باز می شناسد زیرا فرزندش که پیامبراعلا و علیین و پیشقدم است از شادی در رحمش به حرکت در می آید. پس ایصابات درود فرشته را تکمیل نموده و اضافه می کند: «تو در میان زنان مبارک هستی و مبارک است ثمره ی رحم تو» (لو ۱:۴۱-۴۲).

بعداً کلیسا به ما خواهد آموخت آن که «نجات دهنده روح های ما را زاییده است» در واقع باکره بوده است. پس در واقع این دعای دلپذیر که هر روزه به مریم می گوئیم از متون عهد جدید اقتباس شده همان طور که در بالا منشأ آن را دیدیم.

۹- کلمه ی «هفتادتنان» معرف کتاب عهد عتیق به زبان یونانی است که ترجمه ی آن زر قرن دوم قبل از میلاد انجام گرفت. این ترجمه بسیار مهم است چون معنای متن عبری را مشخص می کند. در آغاز عصر مسیحیت، نویسندگان عهد جدید به منظور نقل قول از کتاب عهد عتیق از این ترجمه ی یونانی استفاده می کردند.

۱۰- این نیایش به زبان لاتین (Ave Maria) نام دارد که به معنی درود بر تو ای مریم واز مژده ی فرشته به مریم اقتباس شده است.

سرود مریم^{۱۱}

به تعمق در شمایل مریم باردار ادامه می دهیم. سه ستاره ی موجود در این شمایل که یکی روی پیشانی و دوتای دیگر روی شانه ها قرار دارند مظهر بکارت وی یعنی باکره قبل از بارداری، باکره در حال بارداری و باکره بعد از زایمان می باشد. خود مریم هم در حال نیایش می باشد (دست های برافراشته نشانه ی نیایش است) و فوراً به یاد می آوریم که مادر خدا پس از سخنان ایصابات چنین می گوید:

«روح من خداوند را تمجید می کند،
و روح من به رهاننده ی من خدا به وجد آمد،
زیرا بر حقارت کنیز خود نظر افکند.
زیرا هان اکنون تمامی طبقات مرا خوشحال خواهند خواند،
زیرا آن قادر به من کارهای عظیم کرده
و نام او قدوس است، و رحمت او نسلماً بعد از نسل است.
برای آنانی که از او می ترسند.
به بازوی خود قدرت را ظاهر فرمود
و متکبران را به خیال دل ایشان پراکنده ساخت.
جباران را از تخت ها به زیر افکند.
و فروتنان را سرافراز گردانید.
گرسنگان را به چیزهای نیکو سیر فرمود
و دولت‌مندان را تهیدست رد نمود.
بنده ی خود اسرائیل را یاری کرد به یادگاری رحمانیت خویش،
چنان که به اجداد ما گفته بود، به ابراهیم و به ذریت او تا ابدالآباد» (لو: ۱: ۴۶-۵۵).

اشعیا، شادی کن

باکره ی باردار که نشانه ی تحقق یافته اشعیای نبی می باشد توجه ما را قویاً به بعضی وقایع مهم زندگی خودمان جلب می نماید. در شب عید میلاد مسیح کلیسا تولد عمانوئیل را با شادی سراییده و تحقق نبوت اشعیای نبی را در آن می یابد:

خجسته باد خداوند رحیم و مهربان

که ما را از عهد ابراهیم در پناه و سایه ی خود گرفت

۱۱- (MAGNIFICATE) اولین کلمه ی سرود مریم به زبان لاتین است (لو: ۱: ۴۴-۵۵). این سرود در آیین سنتی شرق در نیایش صبحگاهی و در آیین سنتی غرب در نیایش شمگاهی خوانده می شود.

اشعیای نبی با چشمان روح
 طفل جذاب عذرا را نظاره کرد
 که پسر خدا، عمانوئیل می باشد
 روح القدس مریم را در زیر سایه خود گرفت
 و عذرای معصوم تحسین وار حامله شد
 و جسم انسانی به پسر خدا داد.

مفهوم راز تن گیری این است که عیسای مسیح در آن واحد هم خدا و هم انسان است. باکره از راه مادر خدا شدن با او متحد می شود و ما نیز مانند مریم، خدا را پذیرا گشته و او را در خود جای می دهیم زیرا ما از طریق روح القدس معبد مقدس خدا هستیم و او در ما حضور دارد. در واقع، هدف هر فرد مسیحی از مبارزه علیه گناه این است که آمرزش خدا را به دست آورده تن گرفتن کلام خدا را در زندگی و حتا در جسم خود پدیدار و نمایان سازد.

دعاهایی از پدران مقدس کلیسا که قبل از تناول قربانی مقدس خوانده می شود ما را برای همین اتحاد با خدا در جسم آماده می سازد. مثلاً قدیس بازیل کبیر در دعای خود چنین می گوید: «با دریافت ذره ای از هدایای مقدس تو، با جسم تو و خون تو متحد خواهم شد و تو در درون من همراه با پدر و روح القدس منزل خواهی کرد».

مسیح، این خدای زنده به جستجوی ما می آید تا ما را به سوی پدر خود برده، با او آشتی دهد. اوست که تصویر گم گشته را به ما باز می گرداند. او خود را شبیه ما می سازد تا ما بتوانیم شباهت خود با خدا را باز یابیم. او همان گونه که در مثل ها در پی یافتن سکه ی گمشده یا بره ی گمشده می باشد در پی یافتن ما نیز هست. پس بیایید بپذیریم که فرزندان نور باشیم تا به خدا شبیه گردیم. «خدا خود را انسان کرد تا که انسان نیز خدا گردد» (۲- پطرس ۱: ۴). البته خواهیم گفت: با چه جسارتی چنین چیزی را باور کنیم! پس دوباره به سوی مریم، مادر خدا بر می گردیم چون او اتحاد با خدا را کاملاً به انجام رسانید و اوست که در این راه هدایت کننده ی ما می باشد.

۱۲- ر. ک ۲ پطرس ۱: ۴، این جمله را می توان در گفته های بسیاری از پدران قدیس کلیسا یافت.

«خلاصه ی تعلیمات رسمی»

۹۴- «توسط عمل روح القدس در رحم جای گرفت» این اصطلاح چه معنایی دارد؟

این اصطلاح بیان می کند که مریم عذرا در رحم خود، توسط عمل روح القدس و بدون عمل انسانی، پسر ازلی خدا را باردار شد: «فرشته ی جبرائیل نزد او آمده گفت: «روح القدس بر تو خواهد آمد» (لوقا: ۳۵).

۹۵- «از مریم عذرا متولد گردید»، چرا حضرت مریم واقعا مادر خداست؟

حضرت مریم چون مادر عیسا است (یوحنا: ۱: ۱۹: ۲۵) واقعا مادر خدا می باشد. در واقع، شخصی که توسط عمل روح القدس در رحم او جای گرفت واقعا پسر او گردید. یکتا پسر ازلی پدر می باشد و خود خداست.

۹۶- اصطلاح «لقاح مطهر» چه معنی دارد؟

خدا از ازل و به صورت کاملاً رایگان مریم را انتخاب کرد تا او، مادر یکتا پسر خود گرداند. او برای انجام دادن این ماموریت و از زمان شکل گیری اش در رحم مادر کاملاً بی آرایش بوده است. این راز بدین معناست که توسط فیض خدا و در ارتباط با رنج و صلیب عیسا مسیح یکتا نجات دهنده ی بشر، حضرت مریم از گناه بنیادین مبرا زاده شده است.

۹۷- چگونه حضرت مریم با طرح الهی نجات همکاری کرد؟

حضرت مریم به فیض خدا گونه ی شخصی در طول زندگی خود مبرا ماند. او که «پرزویه» (لوقا: ۲۸) و کاملاً مقدس است. وقتی فرشته به او مژده داد «پسر تعالارا» (لوقا: ۳۲) به دنیا آورد، آزادانه با «اطاعت ایمان» (روم: ۱: ۵) موافقت خود را اعلام نمود. حضرت مریم به شخص و اعمال پسرش کاملاً خود را تسلیم کرد و از ته دل اراده ی خدا را جهت نجات پذیرفت.

۹۸- اصطلاح لقا عیسا در رحم مریم باکره چه معنی می دهد؟

عیسا در رحم باکره، تنها با قدرت روح القدس و بدون هیچ عمل انسانی جا گرفت، او یکتا پسر پدر آسمانی بر طبق طبیعت الهی و پسر حضرت مریم بر طبق طبیعت انسانی می باشد. اما در این دو طبیعت خود، واقعا پسر خداست، زیرا خود یکتا شخص الهی می باشد.

۹۹- به چه معنا حضرت مریم «همیشه باکره» می باشد؟

بدین معنی که او «با باردار شدن پسر خود، باکره ماند، تا به دنیا آمدن او باکره، با حمل او باکره، با شیر دادن او باکره، با کره مادر و همیشه باکره» (اگوستین قدیس). با این وجود، وقتی اناجیل در باره ی «برادران و خواهران عیسا» صحبت می کنند، منظور خویشاوندان نزدیک عیسا می باشد، طبق اصطلاح یا عبارتی که در کتاب مقدس به کار رفته است.

۱۰۰- چگونه مادری حضرت مریم جهانی می باشد؟

حضرت مریم یگانه پسر به دنیا آورد یعنی عیسا. ولی در او که نجات دهنده ی همه می باشد، مادری روحانی او به تمام انسان ها گسترش می یابد، همراه با آن آدم نوین که عیسا مسیح است و با اطاعت از او، مریم باکره حوای نوین می باشد. یعنی واقعا مادر زندگانی که با موهبت مادری خود به تولد و رشد همه ی زندگان از دیدگاه فیض همکاری می کند. مریم به عنوان باکره و مادر، نمودار کلیسا در تکاملش می باشد.

ضمیمه:

برادران عیسا

در نوشته های عهد جدید چندین بار از برادران و خواهران عیسا سخن به میان آمده است (ر. ک. مت ۱۲:۴۶-۵۰؛ ۱۳:۵۴-۵۶؛ ۲۸:۱۰؛ مر ۳:۳۱-۳۵؛ ۶:۱-۶؛ لو ۸:۱۹-۲۱؛ یو ۲:۱۲؛ ۷:۱-۱۰؛ مت ۲۰:۱۷؛ اع ۱:۱۴-۱۵). ضمناً در نوشته های پولس رسول از یک نفر به نام یعقوب از اهالی اورشلیم نام برده شده و برای این که از کسان دیگری که همین نام را داشته اند متمایز باشد. به عنوان «برادر خداوند» مشخص گردیده است (ر. ک. غلا ۱:۱۹). اکنون بینیم موضوع از چه قرار است.

آن چه مسلم است دانستن معنی واقعی این کلمه از نظر علم خدانشناسی بی نتیجه نیست. بیشتر مفسران کتاب مقدس از زمان قدیم تا کنون توضیحاتی در این باره داده اند.

- امکان دارد کسانی را که برادر و خواهر عیسا معرفی کرده اند فرزندان یوسف باشند که از ازدواج قبلی او به دنیا آمده اند و در کلام خدا مطلبی وجود ندارد که این فرضیه را تأیید یا رد نماید. این فرضیه با یک روایت مسیحی تطبیق می کند. مخصوصاً در شمایل نگاری، غالباً یوسف بسیار مسن تر از مریم نشان داده شده است.

- بعضی از مفسران محدودترین معنی کلمه ی «برادر» را در نظر گرفته اند. در این صورت منظور فرزندان است که از مریم و یوسف به دنیا آمده اند یعنی برادران کوچک تر عیسا. این فرضیه، اغلب از سوی مفسرین پروتستان، از نظر جنبه های مهم مباحثه ای مورد دفاع قرار گرفته است. البته باید یادآوری کرد که فرضیه ی مذکور. با اعتقاد به این که مریم «همواره عذرا» بوده و می باشد مغایرت دارد.

- راه حلی که معمولاً بیشتر مورد قبول است و مفسران کاتولیک معاصر نیز آن را پذیرفته اند، این است که منظور از برادران عیسا، خویشاوندان نزدیک عیسا مثلاً پسر عموهای او هستند و به کار بردن کلمه ی «برادر» در مفهوم گسترده آن، هم در زمان گذشته و هم امروزه در تمام خاور نزدیک مورد تأیید می باشد.

برای اطلاع بیشتر خوانندگان می توان این را نیز اضافه نمود که درباره ی عبارت «برادران عیسا» که در انجیل آمده است، باید دانست که ابتدا انجیل در کلیسا نوشته شده، یعنی جریان به این شکل نیست که نخست انجیل نوشته شده و پس از آن کلیسا به وجود آمده باشد. بنابراین برای تفسیر صحیح انجیل باید بینیم که از ابتدا کلیسا چگونه با نور روح القدس آن را درک می نموده و به ویژه راز حضرت مریم را چگونه مورد تعمق قرار داده، و نیز خود کلیسا عبارت «برادران عیسا» را از ابتدا به چه شکلی تفسیر نموده است. در این کنکاش می بینیم که در ابلاغ

ایمان در مجامع اسقفان، حضرت مریم را مادر نجات دهنده ی ما و نیز «همیشه عذرا گردیده و عیسا را که پسر یگانه خدا است به دنیا آورده است. به همین شکل، همسان با این راز، بارور شدن باکره توسط روح القدس، کلیسا نیز راز خود را تعمق نموده و به عنوان «عروس بره» که کاملاً از هر نوع بت پرستی پاک می باشد، توسط روح القدس فرزندان خدا را با شهادتش و راز تعمید به دنیا می آورد. در مورد بکارت حضرت مریم، قرآن نیز در قرن ششم میلادی به ایمان کلیساهای معاصر خود اشاره کرده بکارت حضرت مریم را اعلام می نماید.

علاوه بر این، هر چند که این موضوع باعث تعصب بعضی از خوانندگان می شود ولی باید یادآور شد که بنیانگزاران کلیسای پروتستان هم مطابق روایات تمام کلیساهای قدیم، بر این عقیده بوده اند که حضرت مریم «همواره عذرا» بوده، هم قبل از تولد عیسا و هم بعد از آن. لوتر در روز دوم فوریه ۱۵۴۶ به مناسبت عید تقدیم مسیح در معبد، در موعظه ی خود گفت: حضرت مریم که پیش از بارداری و تولد عیسا عذراء بوده، در زمان تولد و بعد از آن نیز همان طور عذرا باقی مانده است. زوینگلی به نوبه ی خود در ماه ژانویه سال ۱۵۲۸ در شهر برن اذعان داشت: من ایمان کلیسای قدیس زوریخ و تمام نوشته های خود را به شهادت می گیرم به این اعتراف که مریم «همیشه عذراء» و قدیس بوده و هست. و بالاخره کالوین هم به ضد کسانی که فکر می کردند مریم بعد از تولد معجزه آمیز عیسا، چند فرزند دیگر از یوسف نیز داشته، برخاست و اعلام کرد که این عقیده نشانه ی «فقدان عقل» است. اما دو قرن بعد و احتمالاً به خاطر این که پروتستان ها معنی راز باروری کلیسا توسط روح القدس را از دست داده بودند، راز بکارت حضرت مریم را نیز از کف دادند.

مسلمانان به رستاخیز مسیح که والاترین نشانه ی آن است که او پسر یگانه ی خداست ایمان ندارند و در ضمن معتقد هستند که مسیح مصلوب نشده و لذا با به صلیب کشیده شدن، وفات نیافته است. ولی قرآن، بکارت مریم مقدس را در چندین جا تأیید می کند: «و یاد کن مریم را که رحمش را پاک و پاکیزه گردانیدیم و در آن از روح خود بدمیدیم و او را با فرزندان معجز و آیت بزرگ برای اهل عالم قرار دادیم.» الانبیاء (۲۱: ۹۰). بی مورد نخواهد بود اگر متذکر شویم که کلمه ی «فرزندانش» که در این سوره، جمع بسته شده است در سوره ی مریم یک اسم مفرد می باشد: (روح القدس) «گفت: من فرستاده ی خدایم، آمده ام تا پسری (غلاماً) بخشم بسیار پاکیزه و پاک سیرت» (۱۸، ۱۹). هر چه باشد، مسلمانان، مریم مقدس را مورد احترام عمیق خود قرار می دهند و او را به عنوان یک الگو و سرمشق تعمق آمیز و قدیس باز می شناسند.

ج: میلاد مسیح

(قبل از خواندن متن زیر، کتاب مقدس را بخوانیم: لوقا ۲: ۱-۴۰)

«کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد» (یو: ۱: ۱۴).

بار غمی که خاطر ما خسته کرده بود عیسا دمی خدا بفرستاد و برگرفت

(حافظ)

در فصل قبل در مطلب راز تن‌گیری کلام خدا تأمل کردیم، پدیده‌ای که به گونه‌ای اسرارآمیز صورت گرفته. ولی بحث ما درباره‌ی این راز مربوط به زمانی بود که مسیح هنوز در بطن مادرش جای داشت. اکنون به تولد شگفت‌انگیز عیسا مسیح پی خواهیم برد. اما قبل از مطالعه‌ی میلاد مسیح اندکی بر روی موضوعی که بعضی از ما را به حیرت واداشته است، تعمق می‌نماییم.

امروزه وسعت برپایی جشن‌های میلاد مسیح یعنی جنبه‌ی فراگیر تجاری، تزئینات پرزرق و برق مغازه‌ها، منازل و حتا خیابان‌ها، آداب و رسوم مربوط به بابانوئل که به حد پوچی رسیده و افراط در غذا و دادن هدایا به اندازه‌ای است که احتمال فراموش کردن مفهوم واقعی این عید وجود دارد. حقیقتاً که شرک نمرده و بت پرستی از بین نرفته و گوساله‌ی زرین، جای خدای انسان شده را گرفته است. بسیاری از جوانان در سنین نوجوانی نسبت به این زیاده‌روی‌ها احساس انزجار می‌نمایند و خاطرات عید میلاد مسیح را همراه با دلزدگی حاصل از زیاده‌روی در خوردن شکلات و احساس فریب خوردگی از فراوانی هدایا حفظ می‌نمایند. در منازل، معمولاً برای عیسا مکانی ناچیز در نظر گرفته شده و او را به صورت عروسکی کوچک در میان سایر عروسک‌ها جای می‌دهند. سپس تمام توجه به جشن خانوادگی معطوف می‌گردد و آن‌گاه راز خدایی که طفل گردید مفهوم خود را از دست داده پادشاه قوم برگزیده تا حدی فراموش می‌شود که طفل کامجوی خانواده چنین باور می‌کند که خود سلطان جشن می‌باشد!

ولی عکس‌العمل بعضی اشخاص در مقابل این فراوانی بسیار مثبت است. آنها سعی دارند به جشن میلاد مسیح معنایی اجتماعی ببخشند و بسیارند جوانانی که شب عید را برای فقرا، اشخاص بی‌کس، پیران، یتیمان و بیماران برگزار می‌نمایند.

جوان: آداب و رسوم تعجب‌آور جشن میلاد از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

پیر: برای شناخت بهتر این آداب و رسوم بهتر است ابتدا به تاریخچه‌ی این «عید کوچک» رجوع کنیم، کوچک نسبت به آن عید بزرگ یعنی رستاخیز است.



تاریخ برگزاری جشن میلاد مسیح و نمادهای انسانی که آن را در برگرفته اند، با میلاد نجات دهنده ی ما هیچ رابطه ای ندارند. به احتمال زیاد، سرچشمه ی این جشن را باید در مراسم جشن زمستان سال شمسی که زرتشتیان آن را در رم برگزار می کردند جستجو نمود. زرتشتیان مراسم «خورشید شکست ناپذیر» را که بعد از گذشت طولانی ترین شب های سال «شب یلدا» که خورشید دوباره از مشرق طلوع می کرد، جشن می گرفتند. بنابراین، احتمالاً نمادهای درخت کریسمس که توسط چراغ های نورانی آراسته شده، باز مانده ای از مراسم زرتشتیان است؛ زیرا سبزی درخت با وجود سرما و تاریکی زمستان، مژده ی زندگی نوین طبیعت با فرا رسیدن فصل بهار است. هم چنین «بابانوئل» نماد پیرمرد، سال گذشته است که به اتمام رسیده و ثروت های خودش را به عنوان نشانه به جوانان سال جدید اهداء می کند تا نمادی از یک آینده ی سرشار از برکت باشد.

از قرن پنجم معنی این جشن زرتشتی توسط کلیسا که در تمام سرزمین امپراتوری رم گسترش یافته بود، تغییر یافت، هم چنین کلیسا پیشنهاد نمود که به جای این مراسم، جشن آن خورشید واقعی که بر تاریکی مرگ پیروز گشته، یعنی مسیح زاده شده از مریم باکره را برپا داریم. با این حال، احتمال داده می شود که مسیح در زمستان متولد نشده باشد، زیرا همان طور که لوقای قدیس روایت می کند، چوپانان شب هنگام مشغول چرای گوسفندان بودند. چنین رفتاری در کوهستان های سرد یهودیه در زمستان، قابل تصور نیست.

بنابراین، این جشن برگزاری یک جشن تولد نیست، بلکه مراسمی است که به یادبود یک واقعه مهم، با تشریفات خاصی برپا می شود، بدون آنکه بتوان تاریخ دقیقی برای آن معین نمود.

راز میلاد مسیح

عیسا در خانواده ای فقیر و در یک طویله حقیر به دنیا آمد. شبانان ساده، اولین شاهدان این واقعه بودند.

جلال آسمانی در این فقر، متجلی شد. کلیسا از خواندن سرود جلال این شب، خسته نمی شود
باکره امروز، آن جاویدان را به دنیا می آورد،
و زمین برای او که قابل دسترسی نیست، غاری را تقدیم می دارد.
فرشتگان و شبانان او را جلال می سرایند،
و مجوسیان با ستاره به پیش می روند.
زیرا تو برای ما متولد شدی،

ای طفل کوچک، ای خداوند ابدی! (سرودی از؟)

مجوسیان نیز که به نظر یهودیان، بت پرست بودند با دیدن نشانه ای که در آسمان به ایشان داده شد از دور نزد آن طفل آمده، او را سجده کردند و گنج های امت ها را به او تقدیم نمودند (ر. ک اش ۶۰: ۵-۶).



شمایل روسی از میلاد مسیح - قرن بیستم

اگر ما پیام عید میلاد را که تعلیم دهندهٔ محبت و خدمت به بیچارگان است به خوبی درک کرده باشیم، باید قبل از هر چیز نگاه خود را متوجه مسیح بگردانیم زیرا تنها او می‌تواند به ما بیاموزد که مانند خودش فقرا را فقط به خاطر محبت به انسان دوست بداریم نه به خاطر دست یافتن به افتخار شخصی یا رسیدن به کمال مطلوب در اجتماع. حقیقتاً در میان فقرا، عیسی فقیر واقعی است زیرا هیچ کس به آن حد که مسیح خود را به میل خود فقیر ساخت فقیر نمی‌باشد. هرگز از یاد نبریم که او شخص دوم تثلیث و پسر خداست که خود را به حدی حقیر نمود^{۱۳} که به صورت طفل بی‌دفاعی در آمد که بر روی کاه در کنار حیوانات جای گرفت.

«چون در صورت خدا بود

با خدا برابر بودن را

غنیمت نشمرد.

لیکن خود را خالی کرده

صورت غلام را پذیرفت

و در شباهت مردمان شد» (فی ۶:۲-۷).

او واقعاً برده است زیرا زندگیش با یک عمل اجتماعی یعنی شرکت در سرشماری به عنوان یکی از تابعان امپراتور آغاز می‌گردد. او به محض این که شرایط انسانی را قبول کرد مطرود گردید زیرا در منازل جایی برای او یافت نشد: «سنگی که معماران رد کردند، همان سرزایویه شده است» (مز ۱۱۸:۲۲). طرد و رانده شدن او ادامه یافت تا این که مجبور شد به مصر بگریزد و عجباً او که سلطان جهان است، برده، فقیر و تبعیدگشت!

میلاد مسیح هم چنین پیام صلح است! حتا برای کسانی که مسیح را از یاد برده‌اند و برای کسانی که هرگز او را نشناخته‌اند، میلاد مسیح، تجلی صلح بر روی زمین و نشانه‌ی مهر و محبت بین انسان‌ها است هر چند که این صلح فقط به مدت کوتاهی اعلام شده باشد (مانند صلح موقت، آتش بس و پیام‌های صلح حکومت‌های جهان و غیره). این صلحی درست و بجاست زیرا مسیح خدای رحمت و «سرور آرامش» است و سلامت و آرامش او را حد و مرزی نمی‌باشد (اش ۹:۵-۶).

صلح در این جهان اغلب به مفهوم یک دوره آرامش بین دو جنگ است. مسیح «سرور آرامش» است، آرامشی بی‌انتهای و ملکوتی وی به مثابه‌ی ملکوت‌های دنیوی، سلطنت‌ها، حکومت‌ها و خود کامگی‌های دیگر فرو نخواهد ریخت. آرامش عیسای مسیح از هم اکنون ما را در ملکوت آینده‌ی وی

^{۱۳} -حقیر نمودن به زبان یونانی (KENOSE) می‌باشد. این لغت در رساله‌ی پولس به فی ۲:۷ به کار رفته و به مفهوم خدا خود را تهی گردانید یا حقیر نموده است. به خاطر داشته باشیم که خدا رفتارش را در مقابل انسان‌هایی که نسبت به ایمان بیگانه می‌شد عوض نکرده است.

سهیم می سازد. از همین امروز بیاموزیم که این آرامش مسیح را در باطن خود به همراه داشته باشیم و مانند چوپانان در شب میلاد به تسبیح فرشتگان که می گفتند: «خدا را در اعلا و علیین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد» گوش فرا دهیم (لو: ۲: ۱۴).

بیاید شاهد آشتی معجزه آسای آسمان و زمین، خدا و انسان باشیم.

پیام زیبایی و راز میلاد مسیح برای ما هرگز پایانی نخواهد داشت. ما هم از آرامش و هم از فقر سخن گفتیم اما در شخص عیسا است که این دو جنبه را درک می کنیم: او هم آرامش و سلامتی است و هم فقیرترین فقرا. اکنون می توانیم با بررسی معنای اصلی این عید به معنی راز تن گیری مسیح که توسط آن خدا انسان گردید، بیشتر در عمق مفهوم میلاد مسیح فرو رویم.

قدیس گرگوار نازیانس، از کپدکیا در آسیای صغیر، پاتریارک کنستانتینوپول که در سال ۳۸۹ وفات نمود، جمله ی بسیار روشن کننده ای در این مورد می نویسد: «آن چه را که در وجود خود تقبل نشده است، علاج نیافته است، ولی آن چه به خدا وصلت داده شده، نجات خواهد یافت» (نامه ی ۱۰۱ به کلدنیوس).

تعلیم رسمی کلیسای کاتولیک این راز عیسا، یکتا پسر خدا را به این شکل بیان می کند:

خدای حقیقی و انسان حقیقی

۴۶۴- حادثه بی نظیر و منحصر به فرد تن یافت پسر خدا به معنای این نیست که عیسا مسیح، بخشی خدا و بخشی انسان است و نه به این معنی است که او ثمره ی مخلوطی درهم از الوهیت و انسانیت است. او حقیقتاً انسان شد. در حالی که حقیقتاً خدا باقی ماند. عیسا مسیح، خدای حقیقی و انسان حقیقی است. در طی قرون اولیه، کلیسا مجبور بود از این حقیقت ایمان در برابر بدعت هایی که در آن تغییر داده و تحریف می نمودند، دفاع نموده و آن را روشن سازد.

۴۶۹- به این ترتیب، کلیسا اعتراف می نماید که عیسا به طور غیر قابل تفکیکی خدای حقیقی و انسان حقیقی است. او حقیقتاً پسر خداست که بدون این که خدایی و خداوند بودن را از دست بدهد انسان و برادر ما شد.

«او آن چه را که بود نگهداشت و آن چه را نبود، بر خود گرفت.» این عبارت در آئین مذهبی کلیسای رم ادا می شود و نیز در آئین نیایش یوحنا ی کریزوستوم چنین اعلام و سروده می شود «ای یگانه پسر و کلمه ی خدا، ای هستی جاویدان که به خاطر نجات ما، از مریم همیشه باکره، مادر مقدس خدا، جسم گرفتی. تو که بدون تغییر یافتن انسان شده و بر صلیب جان خود را فدا نمودی. ای مسیح خدای ما، که با مرگ خود موت را شکست داده ای، تو که یکی از تثلیث اقدس هستی و با پدر و روح القدس جلال یافته ای، ما را نجات ده!»

چگونه پسر خدا انسان می باشد؟

۴۷۰- پسر خدا... با دست های انسانی کار می کرد، او با فکر انسانی می اندیشید. با اراده ی انسانی عمل می نمود و با قلب انسانی محبت می کرد. او که از مریم باکره متولد شد، حقیقتاً یکی از ما شده است، شبیه ما در همه چیز مگر به گناه.



در شمایل به استثنای شستشوی طفل که از جزئیات بسیار طبیعی زایمان بوده و عملی غیر قابل اجتناب در مورد نوزاد می باشد، شمایل نگار نسبت به پیام اصلی انجیل بسیار وفادار مانده است. چنان چه روایت میلاد مسیح را از نظر متی و لوقا بازخوانی کنیم، تمام عواملی را که در شمایل گرد آمده است می یابیم. پس بیاییم و محتویات انجیل و تصاویر شمایل را با هم مطابقت نماییم (مت ۱: ۱۸-۲۵).

اولین مطلب مربوط به شک و تردید یوسف در مورد باکره بودن حضرت مریم و منشأ الهی عیسا می باشد. در پایین تصویر، یوسف با حالتی درمانده نشسته، سرش را در میان دو دست گرفته و شیطان در چهره ی چوپانی پیر، او را در وسوسه ی شک و تردید انداخته است (در تاریخ انسان ها یوسف تنها کسی نبود که در مورد این راز فراتر از درک انسان، تردید داشته است). پس از شرح این که فرشته ی حقیقت پیوند طبیعت های انسانی و خدایی را در عیسا به یوسف اعلام نمود، متی به موضوع تولد عیسا در بیت لحم و ذکر جزئیات آمدن مجوسیان می پردازد (مت ۲: ۱-۱۲).

کلیسای شرق، عید ظهور مسیح را نه در روز ششم ژانویه، بلکه اولین یکشنبه پس از میلاد مسیح، با شکوه خاصی جشن می گیرد زیرا طبق روایات، مجوسیان از نژاد پارس ها بودند که ثروت های تمامی امت ها را به نشانه ی پرستش و برای تقدیم به همراه خود آوردند. ضمناً طبق روایات، تعداد مجوسیان دوازده نفر، به تعداد رسولان مسیح بود که انجیل را در مغرب زمین بشارت دادند در حالی که طبق سنت، مجوسیان اولین کسانی بوده اند که بشارت میلاد نجات دهنده را به سرزمین پارس اعلام داشتند.

اهمیت این اتفاق و معنی آن در تعلیم رسمی کلیسای کاتولیک به خوبی توضیح داده شده است:

کوشش خواهیم کرد که به وسیله ی تعمق در شمایل و از راه خواندن انجیل راز تن گیری را دریابیم. با نگاه دوباره به شمایل، به مفهوم اصلی راز تولد مسیح از دیدگاه کلیسا پی می بریم. در این شمایل چنان آرامش و هماهنگی حاکم است که به نظر می رسد همه چیز در عالم عید و مملو از شادی می باشد. ستارگان در آسمان می درخشند، صخره ها برای پذیرفتن آفریدگار خود از هم باز می شوند، حیوانات در آرامش هستند و چوپانان با فرشتگان در شادی سهیم می باشند. مجوسیان در کمال خوشحالی در پی کشف حقیقتی که به وسیله ی ستاره اعلام شده می روند. همه چیز در نوری با تابشی خاص غوطه ور است، نوری که لوقا درباره اش چنین می گوید: «ناگاه فرشته ی خداوند بر ایشان ظاهر شد و کبریایی خداوند بر گرد ایشان تابید» (لوقا ۹: ۲).

سرود عید میلاد:

خجسته باد آن که با میلاد مبارکش جهان را شادمان کرد،
و بشر را از نو، جوانی بخشید.
ای عیسا، ناجی ما
در روز ولادتت مجوسیان خرسند شدند.
در آن روز هدایا به درگاہت تقدیم کردند



آتش برداشته و کندر سوزانند.
 قَر و جلال بر آن که تا آن زمان پنهان می بود
 و با تولدش به دنیا آشکار گشت.
 قَر و جلال بر آن شاه که گهواره ی او آخور بود.
 قَر و جلال بر آن طفل که چراغش ستاره بود.
 قَر و جلال بر آن داماد که حجله اش غار بود.
 قَر و جلال بر پدر و پسر و روح القدس.

سرود دومین شنبه بعد از عید میلاد:

خداوندا تو مسیر رازهای محبتت را تغییر دادی
 و آن چه را گناه سبب شد، تو منجر به نجات ما کردی.
 نخستین آدم توسط حوا از احکام تو سرپیچی کرد
 آدم دوم یعنی عیسا از طریق مریم عذرا
 انسان را از تباهی احیا نمود.
 مجوسیان در تأکید خطای خود به پرستش ستارگان پرداختند،
 لکن تو حقیقت خود را توسط ستاره ای به آنان آموختی
 و در پیکر فانی انسان ظهور کردی،
 طیب درد و رنج انسان شدی
 و بشر را از چنگال مخوف مرگ رهانیدی.
 خداوندا، چه عظیم اند رازهای محبت تو.

مجوسیان نمایندگان استادان علم عهد عتیق می باشند^{۱۴}. آنها از ستارگان چیزهایی می آموختند و با هدایت ستاره ای به جستجوی پادشاه تازه مولود عازم شدند. ولی طفلی را روی گاه خوابیده یافتند. آنها به هیرودیس گفته بودند که برای ادای احترام به پادشاه یهود آمده اند، ولی پس از یافتن طفل از شادی

۱۴- در عهد موسا به دشمنان قوم برگزیده نبوتی اعلام شده بود تا مسیح به تمام ملت ها آشکار گردد. بالاق شاه موآب از تعداد نفرات و قدرت قوم یهود دچار ترس شد، پس بلعام غیب گو را فرا خواند که گرچه از اسرائیل نبود ولی خدا را می شناخت و خدای حقیقی را خدمت گذاری می کرد. بالاق از بلعام خواست تا جهت شکست اسرائیل در نبرد، آنان را نفرین کند. بلعام برخلاف میل بالاق به عوض نفرین، اسرائیل را سه بار برکت داد. سپس نبوتی اعلام کرد و ذریه یعقوب را این چنین ستایش نمود: « او را خواه دیدم... ستاره ای از یعقوب طلوع خواهد نمود و عصایی از اسرائیل خواهد برخاست » (اع ۱۷:۲۴). بلعام را می توان به عنوان جد مجوسیان باز شناخت و بنا بر این می توانیم حدت بز نیم که مردم خارج از اسرائیل چگونه در انتظار مسیح بودند و سخن شمعون در مقابل عیساى نوزاد در معبد به خوبی این موضوع را روشن می کند: « زیرا که چشمان من نجات تو را دیده است که آن را پیش روی امت ها مهیا ساختی. نوری که کشف حجاب برای امت ها کند و قوم اسرائیل را جلال بود. » (لوقا ۳۰:۲-۳۲). در زمان ما موضوع مهم این است که به خاطر داشته باشیم خدا رفتارش را در مقابل انسان هایی که نسبت به ایمان بیگانه می باشند عوض نکرده است. اگر مسیحیان از قوم برگزیده میراث مسیحایی را دریافت داشته اند و اگر در شخص مسیح فرزند خدا را باز می شناسند برا آن نیست که او را محصور نموده و حسودانه در محدوده کلیسا نگاه دارند بلکه برای آن است که جلال او را در تمام جهان به تشعشع درآورند.

سرشار گشته به جای احترام، ستایش به جای آوردند. و هدایای خود را تقدیم داشتند: طلا برای پادشاه، کندر برای خدا و مُر برای انسان میرا. این دانشمندان مشرق زمین، خود حقیقت یعنی آن چه را که در ستارگان جستجو می کردند یافتند. آنها «خورشید عدالت»، «مشرق ۱۵ والا» و آن کسی را که از آسمان می آید شناختند. ولی این آسمان همان آسمان آفریده شده در نخستین روزهای پیدایش و جای گردش ستارگان نیست. چه این اختران فقط بخشی از علم را می توانستند به مجوسیان بدهند. «خورشید عدالت» نامخلوق است. نور معرفتی که وحی از خدا می دهد و «شرق والا» که خود را به مجوسیان می شناساند همان کلمه ای است که ابتدا نزد خدا بود، کلمه ای که خدا بود (یو: ۱)، کلمه ای که قبل از همه ی قرن ها بود یعنی کلمه ای که قبل از زمان و قبل از آفرینش دنیای مادی وجود داشت.

اکنون می توانیم روایت جستجوی مجوسیان را با آن وحی که بر چوپانان نازل شد و توسط لوقا نقل گردید (۱: ۲-۱۹) مقایسه نماییم.

دانشمندان برای رسیدن به خدا، راه تحقیقی طولانی را پیموده اند اما چوپانان مژده را بدون واسطه و بدون آمادگی قبلی مستقیماً از طرف فرشته دریافت داشتند.

متن انجیل لوقا با کاملیت تمام به رشته ی تحریر در آمده. انجیل نویس همانند شمایل نگار و سرود نویس، با بینش دقیقی که توسط روح القدس بیدار شده است در واقعه تعمق نموده در همان نوری که همه چیز را به درجات رفیع می رساند و تغییر ماهیت می دهد، روایتی کاملاً توصیفی را بازنویسی می کند.

انجیل نویس به یک باره واقعه را در قلب تاریخ قرار می دهد: فرمان اوغسطس قیصر، سرشماری و ذکر نام حاکم وقت سوریه و سپس شخصیت های اصلی را در فضای جغرافیایی قرار می دهد: یوسف و مریم از جلیل به بیت لحم می روند زیرا آنها از طایفه ی یهودا و از تبار داود می باشند و در این جاست که روایت با طرح مشیت خدا تلاقی می نماید. در واقع تولد عیسا در شهر بیت لحم زادگاه داود پادشاه اتفاقی نبوده بلکه به خواست خدا و طبق مشیت الهی انجام گرفته است. عیسا، مسح شده ی خدا است (ماشیح به زبان عبری و کریستوس به زبان یونانی). او پادشاه یهود و پسر داود است (میک: ۵: ۱).

از این راه وعده ی خدا به داود به تحقق می رسد: از نسل او پسری می آید که بر کرسی سلطنت قوم برگزیده تا به ابد خواهد نشست. این متن را با دقت با یک دیگر بخوانیم: ۲ سموئیل ۷: ۱-۱۷.

جوان: از یک دیدگاه حق با شماست ولی باید دعوت خداوند را به یوسف یادآوری نمود.

پیر: از لحاظ جسمانی او پدر عیسا نبوده، ولی از دیدگاه قانون یهودیان چون عیسا را به پسرخواندگی پذیرفت او را با نسل خاندان داود مرتبط ساخت. بنابراین، می بایست خود به مسیح نامی نهاده باشد،



۱۵- قوم اسراییل برای جهت یابی، رو به مشرق می ایستادند (حزق ۴۳: ۱؛ مکا: ۲۱: ۱۳). در کتاب زکریا (۳: ۸؛ ۶: ۱۳) مسیح «شاخه» نامیده شده است که در متن یونانی کتاب هفتاد تنان، لغت (خورشید طلوع کننده) جایگزین آن گردیده است. زکریا این اصطلاح را در مورد مسیح به معنای «سپیده ای که ظلمات شب را از بین می برد» به کار برده است (لو: ۷۸).

چون او را به عنوان پسر خوانده پذیرفت. طبق وعده فرشته: «مریم پسری خواهد زائید و تو نام او را عیسا خواهی نهاد. زیرا که او امت خویش را از گناهان نشان خواهد رهانید» (مت ۱: ۲۱) و در این جا خواهی دید که معنی اسم واقعی عیسا، که عیسو می باشد چیست.

جوان: مگر اسم او عیسا نبود؟ این را به طور روشن برایم توضیح بده.



پیر: نام عیسا، اسمی عبری می باشد، که در عهد قدیم به صورت زیربه کار برده می شد، قبل از تبعید به بابل، به شکل طولانی یهودشوعا، بعد از تبعید به صورت مخفف یشوعا به معنی (بهبه نجات می دهد) (مت ۱: ۲۱). این اسم در زبان های یونانی و لاتین «Jesus» نوشته شده که S آخر آن به خاطر قوانین دستور زبان و آیین نگارش زبان یونانی اضافه شده است. این اسم از قرن دوم میلادی به بعد فقط به صورت طولانی آن یعنی یهوشوعا به کار می رفت و مخفف آن یعنی یشوعا منسوخ شد. احتمالاً به این دلیل که یهودیان نمی خواستند فرزندان خود را به اسم مسیح نام گذاری می کنند.

این اسم از قرن دوم میلادی به بعد به صورت عیسا نوشته می شود. به احتمال قوی این به دشمنی یهودیان با کلیسا برمی گردد. و به شیوه ای تمسخرآمیز آن را همانند عیسو، برادر یعقوب که حق نخست زادگی یعنی عهد خداوند را با کاسه ای آتش عوض کرد، می نوشتند (پید ۲۱: ۲۹-۳۴).

لوقای قدیس، تولد عیسا را خارج از محله ی مسکونی و در روستا توصیف می کند. مجاورت چوپانان با مراتع گواه این واقعیت است که عیسا در آغوش طبیعت متولد شد. شاید این سؤال پیش آید که چرا راوی ذکری از غار به میان نیاورده و فقط در مورد آخور صحبت می کند. در جواب بایستی گفت آخور وجود طوبله را ملزم می نماید چون آخور به معنی محل خوراک دام است و چوپانان معمولاً از غار برای استراحت گله و به عنوان سرپناه خود استفاده می نمایند.

انجیل نویس، هم چنین در مورد الاغ و گاو ذکری به میان نمی آورد. در این باره منطق، روایت را چنین تکمیل می کند که یوسف برای مسافرت دارای الاغ بوده و آخور هم برای تغذیه دام پر از علوفه بوده است. گاو نیز حضور دام را به خاطر می آورد. در اینجا به منظور فراهم آوردن وضعیت احتمالی صحنه ی تولد مسیح نیست که حیوانات اهلی در شمایل نمایش داده شده اند بلکه به این علت است که همیشه و در همه ی کشورها شمایل نگاری میلاد مسیح، مبتنی بر این نبوت اشعای نبی بوده است:

«گاو مالک خویش را

و الاغ، آخور صاحب خود را می شناسد،

اما اسرائیل نمی شناسد

و قوم من فهم ندارد» (اش ۱: ۳).



مریم در جلوی غار در حالت طبیعی زایمان دراز کشیده است. تصویر او با شکوه است و در ترکیب شمایل جای بزرگی را می‌گیرد که مبین اهمیت مریم در راز تن‌گیری می‌باشد، چه مریم با به دنیا آمدن پسرش، مادر خدا یا «تئوتاکوس^{۱۶}» می‌گردد. آن چه که غالباً اعجاب‌انگیز می‌باشد این است که چرا مریم پشت به طفل کرده است؟ او با ترجم به یوسف که در شک فرورفته می‌نگرد و از ورای او تمام انسان‌ها را که در ظلمت بی‌خبری غوطه‌ورند می‌بیند. به نظر می‌رسد که مریم با دستش نوزاد را نشان می‌دهد و با این حرکت تمام انسان‌ها را به سوی پسر خدا هدایت می‌نماید. او پسر خدا را برای نجات بنی آدم و آشکار نمودن جلال عظیم خدا به دنیا آورد. شادی مریم از غرور مادری که احساسی است بس طبیعی و درعین حال انسانی، فراتر می‌رود. دست مریم در حالی که متوجه ی طفل است بر روی سینه‌ی خودش قرار دارد. آیا شمایل نگار قصد ندارد با نشان دادن این حرکت ساده به

۱۶- تئوتاکوس (Theotokos) لغتی یونانی است به معنای «مادر خدا» یا کسی که خدا می‌زاید. شورای اسقفان در شهر افسس در سال ۴۳۱ میلادی تصمیم گرفت که این اصطلاح در مورد مریم و برای نشان دادن پیوند بین طبیعت انسانی و طبیعت خدایی عیسا در شخص پسر خدا مورد استفاده قرار گیرد.

سخنان لوقای قدیس اشاره بنماید که گفته است: «اما مریم در دل خود متفکر شده این همه سخنان را نگاه می داشت» (لوقا: ۱۹:۲).

طرح تصویر تماماً روی غار مرکزیت یافته و همه چیز در یک همگرایی به سوی آن قرار دارد. این طرح به یک حرکت مارییچ حلزونی می ماند که در مرکز آن حفره ای تاریک وجود دارد و از داخل آن نوری تابان است. عیسی در گودی غار قرار دارد، گویی از خود خاک زمین زاییده شده است. این تصویر معنای حقیقی راز تن گیری را به ما می نمایاند. آدم به هنگام آفریده شدن از خاک زمین سرشته شد و امروز هم آدم ثانی یعنی عیسی انسان را در شخص خود باز می آفریند پسر خدا ۱۷ در گودی غار شرایط انسانی را پذیرفت یعنی او از خاک زمین زاده شد و به هنگام دفن شدن نیز به خاک بازگشت: «انسان اول از زمین خاکی است، انسان دوم خداوند است از آسمان... و چنان که صورت خاکی را گرفتیم صورت آسمانی را نیز خواهیم گرفت» (۱- قرن ۱۵: ۴۷، ۴۹).

عیسا به این سبب از آسمان تا گودی زمین و بعداً حتا تا اعماق هاویه نزول کرد تا ما به همراه او رستاخیز نماییم. با فرا رسیدن عید میلاد مسیح شادی عظیمی ما را فرا می گیرد همان گونه که مجوسیان و چوپانان را فرا گرفته بود و هیچ چیز قادر نیست این شادی را از ما دور نماید زیرا: «خدا با ماست» که در زبان عبری «**عمانوئیل**» گفته می شود.

«خلاصه ی تعلیمات رسمی»

۱۰۱- به چه معنی تمام زندگی مسیح، راز می باشد؟ تمام زندگی مسیح، مکاشفه در وقایع می باشد. در زندگی زمینی مسیح، آن چیزی که دیدنی است، به ارز نادیدنی و مخصوصاً به راز وجودی او به عنوان پسر خدا راهنمایی می کند «هرکس مرا ببیند، پدر را می بیند» (یوحنا: ۹:۱۴). از دیدگاه دیگر و با علم به این که توسط صلیب و رستاخیز، نجات تماماً به کمال رسید، تمام زندگی مسیح راز نجات می باشد. زیرا همه چیزهایی که عیسا انجام داده، بیان کرده و انجام داده تنها یک هدف داشت: نجات انسان سقوط کرده و او را دعوت به فرزند خواندگی خدا باز گرداند.

۱۰۲- وقایع مقدماتی جهت رازهای عیسا چه چیزهایی بودند؟

قبل از هر چیز در طول قرون متمادی، یک انتظار طولانی وجود داشته که آن را در آیین زمان قبل از عید میلاد در کلیسا احیا مس کنیم. علاوه بر انتظار کور کوران که خدا در قلب امت های غیر یهود به وجود آورد، او را از راه عهد قدیم تا یحیای تعمیددهنده که آخرین و بزرگ ترین پیامبر بوده، آمدن یکتا پسرش را مهیا ساخت.

۱۰۳- انجیل در باره ی رازهای تولد و کودکی عیسا چه چیزهایی را تعلیم می دهد؟

در راز میلاد، شکوه آسمانی در ناتوانی نوزاد آشکار می شود: خسته شدن عیسا، نشانگر وابستگی او به قوم یهود و پیشش نمود تعلیم ما می باشد: دیدار مجوسیان، اظهار مسیح به عنوان پادشاه قوم اسرائیل به تمام امت ها می باشد: در تقدیم عیسا به معبد، در شخص شمعون و حنا، تمام انتظار قوم اسرائیل خلاصه شده و به ملاقات نجات دهنده ی

خود می آید؛ پناه بردن به مصروکشتار اطفال بی گناه، اعلام می کند که تمام زندگی عیسا در حیطة ی رنج و جفا خواهد بود؛ بازگشت او از مصر، زمان خروج را یادآوری می کند و عیسا را به عنوان موسای نوین و آزاد کننده ی حقیقی و مطلق معرفی می کند.

۱۰۴- زندگی معمولی و پنهان عیسا در ناصره چه چیزی را به ما تعلیم می دهد؟
در طول زندگی پنهان در ناصره، عیسا در سکوت زندگی معمولی می ماند. و این گونه به ما اجازه می دهد که با او شراکت داشته باشیم، توسط تقدیس زندگی روزمره پر از نیایش و سادگی، کار، محبت خانواده، فرمانبرداری او از مریم و یوسف، بیانگراطاعت او به پدر آسمانی خودش، به عنوان پسر می باشد.

کتاب برای مطالعه ی بیشتر:

۱- انجیل لوقا چه می گوید (صفحات ۳۱-۴۸).

۲- تن گیری خداوند ما:

«تولد خداوند ما»

«انجیل طفولیت»

۳- فرهنگ الاهیات کتاب مقدس، کلمه ی «بدن مسیح»

۴- مریم مادر مسیح (ایمون کارول).

۵- مریم در عهد جدید.

۶- مادر خدا در سنت سریانی (سموئیل نیکو نام).

۷- حضرت مریم کلیسای به کمال رسیده در نوشته های یوحنا (ماری پانتا پالیل).

سوال برای تعمق بیشتر:

۱- در انجیل لوقا، باب یک و دو، حداقل سه عنوان که به عیسا داده شده است را ذکر کنید. این عناوین، از کجا

اقتباس شده و معنای آنها چیست؟ در زبان عبری اسم صحیح عیسا چیست. و دارای چه معنی می باشد؟

۲- توسط شمایل باکره ی آیت، کلیسا به ما چه می گوید؟

۳- چرا گفته شده عیسا پسر داود است؟ این عنوان از کدام متن عهد قدیم اقتباس شده و چه معنی دارد؟



ضمیمه:

چهار انجیل

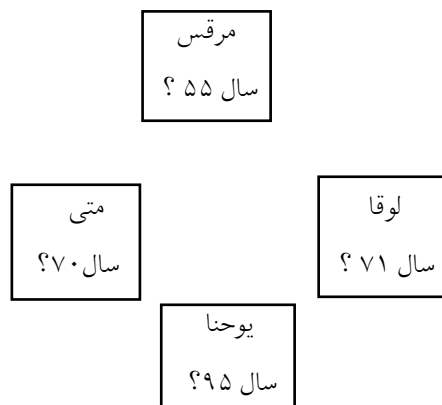
«خداوند گیتی به رسولانش اقتدار نوید دادن مژده (انجیل) را بخشید ... این مژده را اول شفاهاً اعلام کردند. بعد طبق اراده ی خدا آن را در نوشته های مقدس به ما منتقل ساختند تا پایه و ستون ایمان ما می شود». (ایرنوس اسقف لیون در قرن دوم میلادی)

در این باب چندین بار به متون انجیل رجوع کرده ایم حال باید اندیشید که این انجیل چیست و چگونه به دست ما رسید.
گفته شده ...

- * اناجیل دیگر به غیر از آن چهار انجیل رسمی وجود داشته اینها کجاستند؟ چرا مرور شده اند؟
- * اگر چهار انجیل وجود دارد کدام یک از آنها حقیقت دارد و کدام یک از آنها نوشته شده است؟
- * چرا چهار انجیل وجود دارد ... آیا یکی کافی نبود؟

۵۲۸- ورود مجوسیان به اورشلیم، نمایان گر آن است که آنها در کودک بیت لحم، به نور مسیحایی ستاره، پادشاه ملت ها را باز شناختند. ورود آنها معرف آن است که مشرکان با یافتن عیسا و با پرستیدن او به عنوان پسر خدا و نجات دهنده ی جهان، وعده های مسیحایی را، بدان گونه که در عهد قدیم نگاشته شده اند، دریافت می دارند، ظهور مسیح، ورود تمامی مشرکان در اهل و عیال پدرسالاران تجلی می کند.

چهار انجیل در جریان سنت کلیسایی



همان گونه که قبلاً یادآوری کردیم، کلیسا، مژده ی نجات را در طول سال ها، پیش از آن که انجیل به رشته ی تحریر درآید، اعلام نمود. اینک از طرف متخصصین کتاب مقدس، خلاصه ای از تاریخچه ی کلیسای اولیه و تاریخ تقریبی به تحریر درآمدن متون مختلف عهد جدید.

تاریخ کلیسای رسولان

جمعه ۱۴ نisan = ۸ آوریل ۳۰: صلیب	۳۰
رستاخیز- نزول روح القدس.	
زمستان: شهادت استفان.	۳۷-۳۶
ایمان آوردن پولس به مسیح.	
پولس از دمشق می گریزد.	۳۹
پولس و برنابا در انطاکیه.	۴۳
پطرس در سامره و دشت ساحلی (کرنیلوس).	
قبل از عید گذر: شهادت یعقوب برادر یوحنا و محبوس شدن پطرس.	۴۳ یا ۴۴
اولین مأموریت پولس.	۴۹-۴۵
قحطی در اورشلیم.	۴۹-۴۸
اولین مجمع بزرگ کلیسا در اورشلیم.	۵۰
نگارش انجیلی متی به زبان آرامی.	
نگارش رساله یعقوب.	(۵۸؟)
دومین مأموریت پولس.	۵۲-۵۰
زمستان ۵۰ تا تابستان ۵۲: پولس در قرتس.	
رساله پولس به تسالونیکیان.	۵۱
تابستان: پولس به اورشلیم و سپس انطاکیه می رود.	۵۲
سومین مأموریت پولس.	۵۸-۵۳
حکومت نرون.	۶۸-۵۴
سکونت پولس در افسس به مدت دو سال و ۳ ماه	۵۷-۵۴
رساله به فیلیپیان (?).	۵۶
عید گذر: اولین رساله به قرتیان.	۵۷

پولس از مسیحیان قرن‌تس دیدن می‌کند. بازگشت پولس به افسس. رساله به غلاطیان (؟) اواخر سال ۵۷: عبور پولس از مقدونیه. دومین رساله به قرنتیان.	
زمستان: پولس در قرن‌تس. رساله به رومیان.	۵۸-۵۷
عید گذر: پولس در فیلیپس و قیصریه. رساله یعقوب (؟۵۰) عید پنجاهه: بازداشت پولس در اورشلیم.	۵۸
اسارت پولس در قیصریه.	۶۰-۵۸
پائیز: سفر پولس به روم. توفان. گذرانیدن زمستان در جزیره مالت	۶۰
پولس در روم: رساله پولس به کولسیان، افسسیان، فلیمون و احتمالاً فیلیپیان.	۶۱-۶۰
شهادت یعقوب، اسقف اورشلیم.	۶۲
پولس از زندان آزاد می‌گردد.	۶۳
سفر احتمالی وی به اسپانیا (روم ۱۵:۲۴).	
اولین رساله ی پطرس، نگارش انجیل مرقس.	۶۴
شهادت پطرس در روم.	۶۴ یا ۶۷
پولس در افسس، کریت و مقدونیه. رساله اول به تیموتاوس و رساله به تیتس. انجیل متی به یونانی. نگارش انجیل لوقا و اعمال رسولان: قبل از ۷۰ یا حدود ۸۰ (؟)	۶۵
شورش در اورشلیم و سراسر کشور.	۶۶
پناهنده شدن کلیه مسیحیان به شهر پلا.	
رساله به عبرانیان. زندانی گشتن پولس در روم.	۶۷
دومین رساله به تیموتاوس (؟). شهادت پولس در روم.	
تصرف اورشلیم توسط تیتس.	۷۰
رساله یهودا و دومین رساله ی پطرس.	۷۰ تا ۸۰

مکاشفه یوحنا. انجیل یوحنا و سومین و دومین و اولین رسالت وی.	حدود ۹۵
رحلت یوحنا در شهر افسس.	حدود ۱۰۰
دومین شورش یهودیان.	۱۳۵-۱۳۱
ویرانی اورشلیم و پراکندگی قوم یهود خارج از فلسطین.	۱۳۴

جوان: این نمودار تاریخی باعث حیرت من شده است، زیرا فکر می کردم که ایمان کلیسا بر اساس انجیل استوار است، ولی می بینم که اولین انجیل در سال ۶۴ یعنی بیش سی سال بعد از رستاخیز عیسا نوشته شده است!

پیر: حتی بعضی از متخصصین تشخیص داده اند که اولین انجیل در حوالی سال ۶۷ به نگارش درآمده، ولی جای بحث در باره ی این موضوع این جا نیست، ولی باید تأکید کنیم که کلیسا بر رسولانی که عیسا انتخاب کرده و بر شهادتی که با قدرت روح القدس داده اند، مستحکم بنا گردیده است. سنت شفاهی، هم چون زمان عهد عتیق قبل از به تحریر درآمدن انجیل رایج بوده است. البته کلیسا، متون عهد جدید را به عنوان بیانی مهم و برتر از این سنت که در نور روح القدس به تحریر درآمده، تشخیص داده و به عنوان متون الهام شده می پذیرد. مسیح، این سنت شفاهی را با روح القدس به رسولان عطا کرد و سپس، رسولان به جانشینان خود، یعنی اسقفان منتقل ساختند. سلسله مراتب رسولی منقطع نشده، توسط اسقفان امروز ادامه دارد و در کلیسای امروز به ما رسیده است.

بنابراین، اسقفان، مأموریت اعلام کردن ایمان صحیح را دارا می باشند و ما را به درک و وفادارانه به کتاب مقدس راهنمایی می کنند. البته در باره ی این موضوع در جلد دوم مفصل بحث خواهیم کرد. (بخش ششم، فصل دهم). امروز فقط این تذکر پطروس رسول را یادآوری کنیم: «هیچ نبوت کتاب مورد تفسیر شخصی نمی باشد» (۲ پطری: ۲۰).

همان طور که درباره ی سنت مقدس اشاره کردیم (ص ۸۸) باید در کلیسا و همراه با کلیسا. کتاب مقدس را خوانده، مسیح را بشناسیم که او مأموریت دارد که به ما منتقل سازد. همان گونه که تعلیم کلیسای کاتولیک می گوید:

<p>۸۵- چرا پسر خدا خواست انسان گردد؟</p> <p>یکتا پسر خدا در رحم مریم عذرا، توسط روح القدس برای ما انسان ها و جهت نجات ما، تن گرفت تا ما گناهکاران را با خدا مصالحه داده و محبت بی نهایت او را به ما آشکار سازد، الگوی تقدس ما گردیده و ما را «شریک طبیعت الاهی» گرداند (۲- پطری: ۴).</p> <p>۸۶- معنی کلمه ی «تن یافتی» چیست؟</p> <p>کلیسا، راز قابل تحسین پیوند طبیعت الاهی با طبیعت انسانی در یکتا شخص الاهی، کلام خدا را راز تن یافتی می نامد. پسر خدا برای انجام دادن نجات ما «جسم گردید» (یو: ۱۴) و واقعا بشر شد. ایمان به تن یافتی، نشانگر مشخص کننده ی ایمان مسیحی می باشد.</p>

۸۷- چگونه عيسای مسیح، خداى حقیقی و انسان حقیقی می باشد؟
 عيسای مسیح به صورت تفکیک ناپذیر، خداى حقیقی و انسان حقیقی در اتحاد شخص الاهی خود می باشد. او یکتا
 پسر خداست که «مولود است و مخلوق نمی باشد، هم سرشت با پدر» واقعا خواست انسان گردد، یعنی برادر ما، بدون
 این که به هستی خود و خداوندی اش خاتمه داده باشد.

جوان: شنیده ام که بعضی ادعا می کنند که اناجیل متعددی وجود داشته اند که کلیسا آنها را پنهان نموده است.

پیر: در واقع، چندین کتاب در طول قرن ها نوشته شده اند که در جواب به سؤال های ساده دلان می باشد. اناجیل جعلی، مدت زمانی بعد از نگارش عهد جدید به رشته ی تحریر درآمده اند. هدف از نگارش آنها، ابراز عقاید کفرآمیز محکوم شده از جانب کلیسا یا ارضاء حس کنجکاوی توده مردم در مورد قسمت هایی از زندگی مسیح از جمله زمان کودکی او در ناصره که اناجیل توضیحی در باره آن به ما نمی دهند، عيسای ناصری است. اعتقادات برادران مسلمان ما در مورد تولد، زندگی و مرگ مسیح بر پایه ی اناجیل جعلی است.

مثلاً «انجیل برنابا» که بهتر بگوئیم رمان است تا انجیل. که طبق نظریه متخصصین در قرن پانزدهم، در جزیره ی قبرس، توسط کشیشی به تحریر درآمده که جهت انتقام گرفتن از اسقف خود، مسلمان شد و طبق عقاید اسلامی این کتاب را نوشت که پر از اشاراتی در مورد فلسطین در زمان صلیبیون است و پر از اشتباهاتی جغرافیایی است که نشان می دهد که هیچ زمانی نویسنده در فلسطین نرفته و در آنجا زندگی نکرده. بنابراین، هیچ ارزشی نه از دیدگاه تاریخی و نه از دیدگاه عقیدتی نمی باشد.

جوان: طبق توضیح شما درک می کنم که کلیسا مأموریت داشته ما بین کتاب های مختلف، نوشته های الهام شده ای که طبق سنت عيسای مسیح، ایمان خود را بیان می کند، تشخیص داده و فهرست آنان را اعلام نماید، اما باز اشکال دارم: اگر باید در جریان رودخانه این سنت کلیسایی جا بگیرم و انجیل را بخوانم، هیچ وقت نمی توانم کتاب مقدس را درک کنم، با این که تا کنون این انجیل را خوانده ام.

پیر: گفتار شما برحق و بجاست، زیرا هیچ کس نمی تواند ادعا کند که راز خدا را الهام شده در عيسای مسیح توسط روح القدس کاملاً بشناسد. ولی کلیسا ما را یاری می دهد تا به قول شما در جریان این وارد شده معنی عمیق متون الهام شده را کاملاً درک کنیم، حتی اگر ظاهراً در وهله اول خواندن این متون ساده به نظر آید.

به صورت خلاصه، با دقت نباید فراموش کنیم که هر متن را می توان در سه مرحله تفسیر کرد:
 معنای خود متن، معنای کامل متن، معنای روحانی و زنده متن.

الف: معنای خود متن: که اهمیت خاصی دارد با کمک متخصصین باید درک کنیم که نویسندگان قصد بیان چه مفهومی را داشته اند و چه چیزی را می خواسته اند به خوانندگان متن منتقل سازند. بنابراین، دو مورد را باید روشن کرد: اول حالت و طرز فکر نویسنده، همراه با سبک نگارشی که استفاده نموده؛ دوم چگونگی سؤال های اشخاص یا گروه مورد نظر نویسنده.

ب: معنای کامل متن: هر متنی الهام شده در کل کتب مقدسه جا می گرفته، بنابراین باید آن را در ارتباط با اصلاحات و موضوع های مختلف کتاب مقدس، با علم به این که این معنای کامل در راز عیسی مسیح نهفته است زیرا خود او اتفاق محوری مرگ و رستاخیزش در نور تورات و همه پیامبران تفسیر می کرد (لو ۲۴:۱۳-۳۲). ما اهل کتاب نیستیم، بلکه اهل آن کس، یعنی شاگردان مسیح، آن کلام تن گرفته و رستاخیز کرده.

ج: معنای روحانی و زنده: در نور روح القدسی که کلیسا را به حقیقت کامل می رساند (یو ۱۳:۱۶) مفهوم متن را باید در ارتباط با زندگی امروز ما درک کرد، زیرا خدایی که از راه اتفاقات و تجربیات مختلف قوم برگزیده کلام خود را آشکار نموده، امروز نیز از راه اتفاقات و فرهنگ و تمدن خودمان صحبت می کند. پس، این کلام کنونی را باید در ارتباط با کتاب مقدس شنید و درک کرد. زیرا طرز فکر و زندگی امروز ما در نور متن بهتر درک خواهد شد.

علاوه براین. این جور پیشنهاد شده که مابین عیسی مسیح و وقایع عهد قدیم باید ارتباط برقرار نمود. در بعضی از سئوالات وقتی به یک سری ارجاعات اشاره شده ابتدا باید معنای متون مختلف را در نظر گرفت سپس از میان آنها دو یا سه ارجاع را انتخاب کرد، بنویسید و سپس توضیح دهید که چرا متون انتخاب شده برای شما بیشتر اهمیت دارد؟

متخصصین که تمام زندگی خود را برای مطالعه کتاب مقدس وقف کرده اند، ما را یاری می نمایند و بهتر از این تعلیم رسمی کلیسا، آن گونه که اسقفان، مخصوصاً در شوراهای خود و پاپ اعظم همراه با هیأت اسقفان ما را منع کرده اند که مبدا تفسیری اشتباه یا خودسرانه ما را گمراه نماید. پدران کلیسا نیز و هم چنین آئین های کلیسا، ارزش های عمیق سنت را به ما مکشوف می سازند.

جوان: چه کسانی را پدران کلیسا می نامیم؟

پیر: بعد از رسولان، پدران کلیسا نویسندگان مسیحی بودند که در مشارکت با ایمان کلیسا، شاهدان و اساتید جماعت ایمان داران که در طول زمان، کلیسا آنان را بنا به شرایط ذیل پذیرفته و معرفی نموده:



۱- آموزش صحیح اصول مسیحیت.

۲- مقدس بودن در طول زندگی خود.

۳- به رسمیت شناختن آنان توسط کلیسا.

۴- در زمان اولیه که کلیسا عمق معانی کتاب مقدس را تفسیر و توضیح می نمود، زندگی کرده باشند.

معمولاً، زمان پدران کلیسا با یوحنا، اسقف دمشق، در قرن هشتم به اتمام می‌رسد. هر چند اقتدار آموزه‌هایشان آن زمان روشن‌تر می‌گردد که همه با هم یک صدا متفق‌القول باشند. این نور پدران کلیسا همیشه زنده است و اغلب در زندگی مقدسین تا به امروز بازتاب آن را می‌بینیم. بنابراین، در این کتاب، اغلب از پدران کلیسا و از متون آیین‌های مذهبی ما، هم چنین از نوشته‌های مقدسین استفاده خواهیم کرد و روح القدس را خواهیم طلبید که ما را در کلیسا به سوی حقیقت کامل رهبری می‌کند.

نیایش

ای عیسیای مسیح، ای خداوند و خدای ما، تو به شاگردان و رسولان خود فرموده‌ای: «بسیار پیامبران و عادلان آن چیزی را که می‌بینند میل داشتند ببینند ولی آن را ندیدند اما خوشا به دیدگان شما که آن را می‌بینید و خوشا به گوش‌های شما که آن را می‌شنوند ما را سزاوار آن بساز تا مژده مقدس انجیل را شنیده آن را در زندگی خود برپا کنیم» (آیین مسیحیان قبطی در مصر).

کتاب برای مطالعه ی بیشتر:

ژاک ژومیه، زندگی عیسا نجات دهنده ی ما در ضمیمه ارزش های تاریخی اناجیل سه گانه .
اعمال رسولان چه می گوید؟

مباحث مقدماتی برای مطالعه کتاب مقدس جلد اول ص ۸۵-۱۳۶

ریشه های تاریخی ایمان مسیحی.

اناجیل متی، مرقس، لوقا چه می گوید.

تعمقی بر انجیل یوحنا.

چگونه عهد جدید بخوانیم.

اولین متون مسیحی.

مسیح برای همه.

نامه های شبانی پولس.

کلام و راز در کلیسا.

کتاب مقدس در سنت سریانی.

نگرشی نوین بر اندیشه های پولس.

تفسیری بر نامه به عبرانیان.

نامه ها و مکاشفه ی یوحنا ی رسول

کتاب برای مطالعه ی عمیق تر:

ریشه های ایمان ما جلد دوم.

چگونه عهد جدید را بخوانیم .

پاسخ به ۱۰۱ سؤال .

سنت، یک پیغام زنده .

کتاب مقدس در سنت سریانی .

شورای واتیکان دوم (اعلامیه ی سخن خدا).

* * *

تعلیم رسمی کلیسا:

تمام زندگی مسیح راز است

۱۴ چیزهای بسیاری در راه عیسا که مورد علاقه و حسن کنجکاوی انسان است در اناجیل عنوان نمی شوند. تقریباً

چیزی در مورد زندگی پنهان او در ناصره گفته نشده و حتا بخش اعظمی از زندگی آشکار وی نیز روایت نمی گردد(یو

۲۰:۳۰). آن چه در اناجیل نوشته شده بدین هدف بود که «ایمان آورید که عیسا، مسیح و پسر خداست و چون ایمان

آورده به اسم او حیات یابید» (یو ۳۱:۲۰).